

ظہور^۲

سید الامم

نابودی ستمگران

مظاہر مناسبات





تقدیم به پیشگاه حضرت باقر العلوم علیہ السلام

سلسله مباحث پیرامون امام عصر (ع) ۲

سپیده دم ظهور

نابودی ستمگران

مؤلف:

سید محمد موسوی

موسوی، سید محمد، ۱۳۳۹ -

سلسله مباحث پیرامون امام عصر (عج): سپیده دم ظهور / تالیف سید محمد موسوی - قم: مشهور، ۱۳۸۴.

۲۰۸ ص.

ج. ۲.

ISBN 964 - 8350 - 98 - 1

شابک ۱-۹۸-۸۳۵۰-۹۶۴ (ج. ۲)

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه به صورت زیر نویس.

۱. مهدویت - انتظار، ۲. مهدویت، ۳. محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق. الف. عنوان، ب. عنوان؛

سپیده دم ظهور

۲۹۷ / ۴۶۲

س ۸ م ۹ / ۴ / ۲۲۴ BP



موسسه انتشارات مشهور

شناسنامه کتاب

نام کتاب	سپیده دم ظهور (جلد دوم)
تهیه و تنظیم	سید محمد موسوی
ناشر	انتشارات مشهور
شمارگان	۳۰۰۰ نسخه
نوبت چاپ	اول / ۱۳۸۴
چاپ	سبعان
قیمت	۱۰۰۰ تومان

دفتر فروش:

انتشارات مشهور / میراث ماندگار

قم: خیابان ارم / پاساژ قدس / طبقه آخر - پلاک ۱۸۴

ص. پ ۳۳ ۹۶ - ۳۷ ۱۸۵ تلفن ۷۸۳۱۹۴۹ / - ۷۷۳۷۴۶۱ / ۲۵۱ -

دفتر مرکزی / خیابان سمیه / کوچه ۲۴ / پلاک ۴۱۸

تلفن: ۷۸۳۱۹۴۹ - ۲۵۱ / فکس ۷۷۳۰۳۹۵

فهرست مطالب

بخش اول: ظهور سفیانی

- فصل اول: مروری بر جلد اول ۱۵
- فصل دوم: حمله سفیانی به عراق و عربستان ۱۹
- وظیفه شیعیان در قیام سفیانی ۲۵
- عملیات سپاه سفیانی در عراق ۳۱

بخش دوم: ظهور خراسانی

- فصل اول: تئوری ظهور ۴۵
- مرحله اول: ظهور نام ۴۵
- فصل دوم: انقلاب اسلامی ایران اوج تجلی ظهور صغری ۵۱
۱. آماده‌سازی شیعیان ۵۱
۲. آماده‌سازی منطقه ۵۹
۳. آماده‌سازی جهانی ۶۱
- فصل سوم: حمله سفیانی به ایران ۶۵
- فصل چهارم: ظهور خراسانی ۶۹
- شرایط ایران هنگام قیام خراسانی ۶۹
- شعیب بن صالح ۷۰
- محدوده زمانی خروج شعیب بن صالح ۷۳

۶ □ سپیده دم ظهور ۲

۷۵ خصوصیات خراسانی
۸۰ وظیفه شیعیان در برابر قیام خراسانی
۸۷ حرکت یمانی
۹۰ حرکت خراسانی و شعیب بن صالح در ایران
۹۴ مبارزه خراسانی با سفیانی
۹۷ فصل پنجم: تئوری ظهور
۹۸ مرحله اول: ظهور نام
۹۹ سال ۲۰۱۲ تحول عظیم در جهان
	بخش سوم: ظهور حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>
۱۰۳ فصل اول: آغاز آشکار شدن
۱۰۵ استقرار در مدینه
۱۰۸ حوادث مدینه پیش از حمله سفیانی
۱۰۹ حوادث سال ظهور
۱۱۰ گسترش زلزله و طوفان
۱۱۴ حرکت به سوی مکه
۱۱۷ ورود سپاهیان سفیانی به مدینه
۱۲۰ شرایط عربستان هم‌زمان با سال ظهور
۱۲۵ فصل دوم: مقدمات ظهور
۱۲۶ اجتماع اصحاب
۱۳۲ آیا اصحاب همگی با هم جمع می‌شوند؟
۱۳۹ بیعت با اصحاب
۱۴۵ فرستادن نفس زکیه

فهرست مطالب	۷
مراحل ظهور رسمی	۱۴۹
آغاز فرمان ظهور در شب جمعه و تاسوعا	۱۵۲
تصرف مسجد الحرام	۱۵۶
خطبه‌های روز ظهور	۱۶۲
موقعیت سپاه سفیانی هنگام ظهور	۱۶۶
بررسی ندهای عصر ظهور	۱۷۰
۱. ماهیت ندها	۱۷۱
۲. زمان شروع ندها	۱۷۳
۳. تنوع ندها به لحاظ کیفیت	۱۷۷
۴. کمیت این ندها	۱۸۰
الف) ندهایی که پیش از ظهور واقع می‌گردد	۱۸۰
۱. ندای شب بیست و سوم ماه رمضان	۱۸۰
۲. سه ندا در ماه رجب	۱۸۱
۳. صدایی که از دمشق شنیده می‌شود	۱۸۳
۴. صدایی در قرقیسیاء	۱۸۴
۵. صدایی در نابودی حکومت عربستان	۱۸۴
۶. ندایی که در نیمه رمضان می‌آید و در تأیید حرکت	۱۸۶
ب) ندهای هنگام ظهور	۱۸۶
۱. ندا در لحظه ظهور توسط افراد و یاران حضرت <small>علیه السلام</small>	۱۸۶
۲. صدای جبرئیل به همراه حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>	۱۸۶
۳. صدا هنگام خسف در بیابان بیداء	۱۸۷
ج) ندهای پس از ظهور	۱۸۷

۵. تأثیر ندها بر شنوندگان ۱۸۸
۱. اهداف ندهای پیش از ظهور ۱۸۸
۲. اهداف ندهای هنگام ظهور ۱۸۸
۳. هدف از ندهای پس از ظهور ۱۸۹
۶. محور اصلی ندها ۱۸۹
۷. تنوع مکانی ندها ۱۹۵
۸. کیفیت وقوع و انتشار ندها ۱۹۵
- اصحاب امام عصر علیه السلام ۱۹۷
- اصحاب محفوظ هستند ۲۰۶
۱. دیدن دعوت نامه در زیر بالش ۲۰۷
۲. احساس قدرت چهل نفر ۲۰۷
۳. احساس شناخت و تنفر روزافزون از دشمنان باطنی امام علیه السلام ۲۰۸

مقدمه

اکنون مدتی از چاپ جلد اول کتاب سپیده دم ظهور می‌گذرد. در این مدت جهان پر تلاطم، شاهد حوادث بی‌شماری بوده است. همان‌گونه که پیش‌بینی کرده بودیم بحران اشغال عراق عمیق‌تر گشته و امریکائیان به هیچ وجه قصد بیرون رفتن از این کشور را ندارند.

انتخابات امریکا همان‌گونه که پیش‌بینی کرده بودیم با انتخاب مجدد جرج واکر بوش به پایان رسید و با پیروزی وی جنگ طلبی امریکا نیز سیر صعودی خواهد گرفت.

در چهار سال آینده، حوادث دهشتناکی را شاهد خواهیم بود. بیشترین حوادث بر خاورمیانه متمرکز است و به تدریج مقدمات اضمحلال دولت ایالت متحده امریکا، چیده خواهد شد.

اکنون در جامعه خودمان افراد ساده‌انگاری را می‌بینیم که گمان می‌کنند خطر جنگ پایان یافته و جهان رفته رفته به سوی آرامش پیش می‌رود، اما زهی خیال باطل. اکنون جهان شرایط آتش زیر خاکستر را می‌گذراند و بزودی طرح‌های توسعه طلبی یهودیان و مسیحیان افراطی و آرمان‌گرا به اجرا درآمده و شرایط بحرانی تا اضمحلال غرب و منطقه خاورمیانه پیش می‌رود.

در جلد اول به شرایط عمومی جهان تا پیدایش سفیانی پس از جنگ سوم و

چهارم اشاره کردیم. همان‌گونه که در آنجا گفتیم سفیانی از خاکستر تخریب شام و به خصوص سوریه ظاهر می‌شود. وی شخصیتی پلید، بی‌رحم و بی‌دین است که در آغاز حکومتش بسیاری از مسلمانان واقع در شام را می‌کشد، آنگاه به عراق و مدینه حمله می‌کند تا مأموریت خویش را که از سوی یهودیان و مسیحیان افراطی مبنی بر نابودی مکه و مدینه و حضرت مهدی علیه السلام و نیز تخریب ایران بر عهده گرفته، به پایان برساند.

در این جلد در ابتدا مروری بر جلد اول خواهیم داشت و سپس به ادامه فعالیت سفیانی و حرکت وی به سوی عراق و ارسال نیرو به سوی مدینه می‌پردازیم.

همچنین در فصل‌های بعدی به حوادث ایران و پیدایش سید خراسانی و فرمانده نظامی وی یعنی شعیب بن صالح پرداخته و آنگاه به آشکار شدن مخفیانه حضرت مهدی علیه السلام و فعالیت ایشان در مدینه و آنگاه حرکت مخفیانه ایشان به مکه و ملاقات و بیعت با سیزده نفر اصحابشان می‌پردازیم. در پایان نیز مبحث جداگانه‌ای پیرامون «نداهايي» که پیش از ظهور و هنگام ظهور مطرح می‌شود، قرار داده‌ایم. تا کنون در کتاب‌های مختلفی که پیرامون نشانه‌های ظهور مطرح شده است بحث مبسوط و تحقیقی پیرامون این نداها و کیفیت وقوع و انتشارشان ارائه نشده است، البته بحث این‌جا نیز کامل نیست ولی در نوع خودش بی‌نظیر است. امیدوارم این بحث مورد عنایت و دقت و نقد و انتقاد شما واقع گردد. در مبحث دیگری بحث مختصری پیرامون «اصحاب حضرت مهدی علیه السلام» ارائه نموده‌ایم که مبحثی مختصر است و در آینده نزدیک ان‌شاءالله کتاب مستقلی در خصوص اصحاب حضرت مهدی علیه السلام خواهیم

نوشت، اما هم اکنون طرح این مبحث را در پایان این جلد مفید دانستیم از این جهت مقداری از مطالب مربوط به اصحاب را نیز در اینجا ارائه نموده‌ایم. در جلد سوم نیز مباحث جلد دوم را ادامه داده و در خصوص حرکت حضرت مهدی علیه السلام و تصرف جهان مطالبی می‌آوریم. امیدوارم که این اثر مورد توجه و عنایت و الطاف خفیه و جلیه حضرت مهدی علیه السلام واقع شده و شما عزیزان نیز ما را از بذل توجه و انتقاد محروم نسازید.

سید محمد موسوی

بیست و یکم ذی القعدة، سال ۱۴۲۶ق، مطابق با سوم دی ۱۳۸۴ش



بخش اول

ظهور سفیانی

فصل اول؛

مروری بر جلد اول

همان‌گونه که در جلد اول مطرح شد، نشانه‌های خاص ظهور امام عصر علیه السلام از حدود پنجاه و پنج سال پیش یعنی از سال ۱۹۴۸ با ظهور دولت اسرائیل به عنوان اولین فتنه و حادثه بزرگ از علائم خاص و حتمی ظاهر شد. برخی از نویسندگان و تحلیل‌گران نشانه‌های ظهور با استناد به تعدادی از روایات گمان نموده‌اند علائم و نشانه‌های حتمی^۱ در پنج^۲ مورد منحصر است.

۱. همان‌گونه که در جلد اول اشاره شد، نشانه‌های ظهور امام عصر علیه السلام دو دسته هستند: الف) نشانه‌های غیر حتمی که احتمال عدم وقوع آنها نیز وجود دارد؛ ب) نشانه‌های حتمی که بطور حتم و یقین (البته صرف‌نظر از احتمال بداء) واقع خواهند شد.
 ۲. این احادیث موارد گوناگونی را به عنوان نشانه‌های حتمی ذکر کرده‌اند. مانند حدیثی از جانب حضرت صادق علیه السلام چهار مورد از حتمیات می‌داند. می‌فرماید: «نداء از حتمیات است و سفیانی نیز حتمی و کشته شدن نفس زکیه حتمی، و دستی که از آسمان ظاهر می‌شود، حتمی است». غیبت نعمانی، ص ۱۳۴.
- و نیز در حدیث دیگر حضرت صادق علیه السلام پنج علامت را از حتمیات می‌داند. ایشان می‌فرمایند: «پیش از قیام قائم علیه السلام پنج نشانه حتمی خواهد بود: (خروج) یمانی و سفیانی و (بلند شدن) صدا و کشته شدن نفس زکیه و به زمین فرورفتن در بداء». بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۴.

عاملی که باعث شده علامت و نشانه‌های حتمی ظهور این چنین متفاوت و متغیر باشند این است که این نشانه‌ها زیاده‌تر از پنج نشانه است و امام علیه السلام

اما با دقت بیشتر در عموم روایات معلوم می‌گردد روایات بسیاری با سیاق «لابد»^۱ و شبیه آن، به حوادث ضروری و حتمی الوقوع اشاره نموده‌اند. هرچند در برخی روایات نشانه‌های حتمی را پنج مورد ذکر کرده‌اند ولی با توجه به سیاق‌های مختلف روایات، این نشانه‌ها بیش از پنج مورد خواهد بود.

حضرت باقر علیه السلام فرمود:

«امور (نشانه‌های ظهور) شامل امور (نشانه‌های) موقوف (مشروط) و امور (نشانه‌های) حتمی می‌باشد. و سفیانی از جمله حتمیاتی است که به ناچار واقع خواهد شد»^۲.

از جمله حوادث و اموری که پیش از ظهور حتماً واقع می‌شود، مسأله ظهور فتنه شام است که با ظهور خود، تمامی مسلمانان تحت تأثیر و صدمات ناشی از آن قرار می‌گیرند. در واقع اولین علامت حتمی ظهور که با وقوع آن یقین می‌یابیم ظهور واقع خواهد شد همین فتنه شام یا ظهور دولت اسرائیل است.

حضرت باقر علیه السلام فرمود:

«ای جابر، قائم علیه السلام قیام نخواهد کرد مگر آن که فتنه (بزرگی)، عموم مردم شام را در بر گیرد، به طوری که می‌خواهند از آن خارج شوند ولی (راهی) پیدا نمی‌کنند»^۳.

→ می‌خواسته‌اند به شکل‌های گوناگون و در موقعیت‌های مناسب و به طور پراکنده این علائم و هشدارها را ارائه نمایند تا افراد به اندازه‌ی درک و تلاش خویش به آنها دسترسی و اشراف یابند.

۱. به ناچار.

۲. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۴۹.

۳. غیبت نعمانی، ص ۲۷۹.

نکته مهم در این حدیث منوط بودن ظهور مهدی علیه السلام به فتنه شام (ظهور اسرائیل) است که هیچ راه نجات و رهایی از آن نخواهد بود.

به هر ترتیب فتنه شام، آغاز فتنه‌ها و نشانه‌های حتمی ظهور است که پس از آن، حوادث دیگر نیز به تدریج مانند دانه تسبیح ظاهر خواهد شد و با ظهور انقلاب اسلامی ایران این حوادث، سرعت بیشتری یافته‌اند.

فاصله میان ظهور فتنه شام (سال ۱۹۴۸) با انقلاب ایران (سال ۱۹۷۹) قریب ۳۱ سال می‌باشد. با انقلاب ایران، تمامی حوادث جهانی دگرگون گشت. انقلاب ایران منجر به گروگان‌گیری کارکنان سفارت امریکا در تهران شد پس از آن بود که حمله ناکام امریکا به طیس باعث شکست حزب دموکرات به رهبری جیمی کارتر رئیس جمهور وقت امریکا و روی کار آمدن رونالد ریگان رهبر حزب جمهوری خواهان شد. با انتخاب ریگان، مقابله امریکا با شوروی افزایش یافت و با پروژه جنگ ستارگان،^۱ فاصله تکنولوژی امریکا با شوروی فوق‌العاده زیاد شد و همین عامل باعث فروپاشی شوروی در سال ۱۹۹۰ میلادی و تشکیل نظام تک قطبی در جهان و آنگاه ظهور مسلمانان تندرو و تروریست مانند طالبان و بن‌لادن و در نهایت سقوط برجهای دوقلوی سازمان تجارت جهانی توسط سازمان تروریستی القاعده به رهبری بن‌لادن در قلب نیویورک گشت. با سقوط این دو برج بود که جهان شاهد چهره دیگری از

۱. رونالد ریگان پس از انتخاب شدن به عنوان رئیس جمهور امریکا برای خنثی کردن موشک‌های اتمی شوروی، پروژه‌ای به نام جنگ ستارگان ارائه نمود. براساس این پروژه هر موشکی که به سوی امریکا یا متحدانش شلیک شود از طریق ماهواره‌ها و اسلحه‌هایی که در مدار زمین قرار دارند، با اشعه لیزر نابود می‌گردد.

جنگ‌های خانمان‌سوز شد. جنگی که در آینده نزدیک تمام جهان را می‌بلعد و عرصه را برای ظهور امام عصر علیه السلام خالی خواهد کرد.

با کمی دقت در این روند تاریخی، نقش انقلاب ایران را در تسریع این حوادث و پیش افتادن ظهور خواهید شناخت.

انقلاب ایران در دو بعد در جهت ظهور گام بر می‌دارد:

الف) در ابعاد داخلی

ب) در ابعاد بین‌المللی

الف) در ابعاد داخلی همان‌گونه که اشاره شد نقش تصفیه نمودن شیعیان و آماده‌سازی اصحاب را ایفا می‌کند. زیرا با انقلاب ایران رفته رفته شیعیان خالص از شیعیان ناخالص جدا شده و انگیزه و توجه مردم به امام عصر علیه السلام نیز بیش از پیش می‌گردد.

ب) در ابعاد بین‌المللی، انقلاب ایران تبه‌گونه‌ای عمل کرده که نام امام عصر علیه السلام آشکارتر شده و نیروهای متخاصم با غرب و اسرائیل، قدرت و نفوذ بیشتری یافتند و همین مخالفت‌های رو به افزایش با غرب و اسرائیل، شرایط محیطی و اجتماعی را برای ظهور آن حضرت علیه السلام بیشتر آماده می‌سازد.

شرایط موجود در منطقه، همان‌گونه که در جلد اول این کتاب اشاره شد به گونه‌ای پیش می‌رود که به زودی تمامی شام و بخصوص سوریه و لبنان به اشغال و تصرف غربی‌ها در می‌آید و در نتیجه جنگ سوم و سپس تخریب منطقه، سفیانی به عنوان دست‌نشانده غرب بر خاکستر این حوادث، قیام می‌کند.

فصل دوم:

حملة سفیانی به عراق و عربستان

پس از آن که سفیانی مصر را تصرف کرد به فاصله اندکی به دمشق باز می‌گردد. در این هنگام مخالفین وی سرکوب شده‌اند و سفیانی می‌تواند با خاطری آسوده و بدون داشتن مخالف عمده‌ای در داخل قلمرو خویش به سوی اهداف خارجی هجوم آورد.

همان‌گونه که اشاره شد، هدف اصلی نیروهای غربی و اسرائیل در حمله به منطقه خاورمیانه و کشورهای اسلامی نابود ساختن مکه و مدینه است. از این جهت می‌بینیم سفیانی حمله به مکه و مدینه را از مهم‌ترین اهداف خویش قرار می‌دهد و نیروهای خود را دو قسمت می‌کند، یک قسمت مأمور حمله به عراق و آن‌گاه ایران می‌شوند و قسمت دیگر مأمور حمله به مدینه و آن‌گاه مکه می‌گردند تا خیال دشمنان اسلام را از قبله مسلمین راحت سازند. شاید از خود پرسید که چرا غربی‌ها می‌خواهند مکه و مدینه را نابود کنند؟ پاسخ واضح است. دلایل حمله غرب یا سفیانی به مکه و مدینه را می‌توان در این موارد مشاهده نمود:

۱. برای تحقق آرمان یهود، «یعنی تصرف از نیل تا فرات پیش از ظهور

موعود یهودیان»، ضروری است تا اسلام را به عنوان نیروی مقاومت در برابر این اهداف نابود کنند. به همین دلیل است که ایران نیز به دلیل مقاومت در برابر این اهداف مورد هدف آنان قرار خواهد گرفت و سفیانی برای نابود ساختن ایران اقدام می‌کند.

۲. برای نابودی اسلام و مقاومت مسلمین لازم است که وسیلهٔ اتحاد و یکپارچگی آنان یعنی قبله و قرآن را نابود کنند. نابود کردن قرآن سخت است، زیرا قرآن در اختیار تمام مسلمانان قرار گرفته اما نابود کردن مکه و مدینه کار آسان‌تری است. نابود کردن این اماکن مقدس نیز بدون تمهید مقدمات و آماده کردن اذهان عموم جهانیان و حتی مسلمانان میسر نیست. به همین جهت است که می‌بینیم غربی‌ها در عصر حاضر سعی دارند مسلمانان را تروریست معرفی کنند تا بتوانند با دلیل موجهی اقدام به تصرف ممالک اسلامی کنند و رفته رفته دامنهٔ توسعه طلبی را به سوی مکه و مدینه بگسترانند و چون در این کار ناکام می‌مانند، سعی می‌کنند از سفیانی استفاده نمایند تا به هدف دیرینه‌شان جامهٔ عمل بپوشانند، آنگاه به راحتی می‌توانند قرآن را نیز از میان مسلمانان بردارند.

۳. به گمان آنان هدف مسیح موعود این است که دین یهود را در سراسر جهان حاکم سازد. آنان برای پیشبرد اهداف مسیح موعود و آماده‌سازی ظهور، سعی می‌کنند تمامی ادیان مختلف را که سدّ راه آئین یهود می‌دانند، نابود سازند. پس چه بهتر است از سرسخت‌ترین دین در مقابل خودشان شروع کنند، یعنی اسلام را به مرکزیت مکه از میان بردارند. آنگاه نوبت به ادیان کم‌خطرتر خواهد رسید.

بخش اول / فصل دوم: حمله سفیانی به عراق و عربستان ۲۱

به این ترتیب می‌بینیم سفیانی که به نمایندگی از غربی‌ها (مسیحیان و یهودیان افراطی) مأمور یکسره کردن کار مسلمانان و اسلام شده است در همان ابتدای سرکوب کردن مخالفین و تثبیت حکومتش در صدد حمله به عراق و عربستان بر می‌آید.

حضرت باقر علیه السلام فرمود:

«... اولین سرزمینی که خراب می‌شود سرزمین شام است. سپس در آنجا سه پرچم با یکدیگر درگیر می‌شوند. پرچم اصبه^۱ و پرچم ابقع و پرچم سفیانی. سفیانی با ابقع برخورد کرده و می‌جنگند تا اینکه سفیانی وی و همراهانش را می‌کشد. سپس اصبه را می‌کشد و بعد از آن هدفی جز حمله به عراق نخواهد داشت و سپاهش از قرقیسیا^۲ عبور کرده و در آنجا جنگی در می‌گیرد و یکصد هزار نفر از گردن‌کشان از بین می‌روند. آن‌گاه سفیانی سپاهی را که تعدادشان هفتاد هزار نفر است به سوی کوفه روانه می‌کند و مردم کوفه را کشته و مصلوب و اسیر می‌سازد...»^۳.

۱. در مورد اصبه و ابقع در جلد اول (صفحات ۱۲۰ - ۱۴۳) توضیح داده شده است. به آنجا مراجعه فرمایید.

۲. قرقیسیا منطقه‌ای است در اطراف رود فرات در مرز مشترک میان سه کشور عراق، ترکیه و سوریه.

۳. غیبت نعمانی، ص ۲۸۰ - قال الباقر علیه السلام: «...فاوّل أرض تخرّب أرض الشام ثم یختلفون عند ذلك علی ثلاث رایات: رایة الاصبه و رایة الأبقع و رایة السفیانی، فیلتقی السفیانی بالأبقع فیقتلون فیقتله السفیانی و من تبعه ثم یقتل الاصبه ثم لا

نکات مهم مورد نظر در این حدیث:

۱. پس از استقرار حکومت سفیانی و سرکوب نمودن مخالفین، مهم‌ترین خواست سفیانی حمله به عراق و تصرف آنجا است.
 ۲. نبرد قرقیسیا به صورت‌های مختلف وارد شده است. برخی پیش از حکومت^۱ و برخی پس از حکومت^۲ سفیانی. از این اختلاف معلوم می‌شود که احتمالاً دو جنگ در این منطقه واقع شود و این دو جنگ نیز با دخالت نیروهای ترک واقع خواهد شد.
 ۳. سپاه سفیانی با هفتاد هزار نفر نیرو به سوی کوفه و نجف سرازیر خواهد شد. این مطلب نشان می‌دهد که هدف اصلی وی نابود کردن شیعیان است.
 ۴. از جمله «هفتاد هزار نفر به سوی کوفه روانه می‌کند» معلوم می‌شود که وی شخصاً به سوی کوفه و نجف نمی‌رود.
- البته در برخی روایات ارسال سپاه به سوی مدینه و عربستان را هم‌زمان با ارسال سپاه به سوی عراق دانسته‌اند و برخی نیز در پی حمله به عراق و تصرف کوفه، اعلام نموده‌اند که بعد از آن سپاهی را به سوی مدینه فرستاده‌اند. این احادیث را می‌توان این‌گونه تفسیر نمود که ممکن است سفیانی از همان ابتدا سپاهی را به سوی کوفه و مدینه ارسال نماید. به دلیل اهمیت عراق و ایران، این

→ یكون له همّة الا الاقبال نحو العراق، و يمرّ جيشه بقرقيسيا، فيقتلون بها، فيقتل بها من الجبارين مائة الف و يبعث السفیانی جيشاً الى الكوفة و عدّتهم سبعون ألفاً فيصیبون من اهل الكوفة قتلاً و صلباً و سبياً...»

۱. غیبت نعمانی، ص ۳۰۳.

۲. غیبت نعمانی، ص ۲۸۰.

سپاه بیشتر از سپاهی است که به سوی مدینه روانه می‌کند. اما زمانی که سپاهیان اندک سفیانی به مدینه می‌رسند نمی‌توانند از عهده اشغال و تصرف کامل آنجا برآیند در نتیجه نیروهای کمکی از سوی کوفه نیز دوباره به سوی مدینه ارسال می‌شوند. در این هنگام است که مدینه به تصرف نیروهای سفیانی در می‌آید. بنابراین اشغال مدینه کمی به درازا می‌کشد و در این میان امام عصر علیه السلام امکان فرار و پنهان شدن از مدینه را خواهد داشت.

حذیفه از جانب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فتنه‌ای که میان مردم مشرق و مغرب است را ذکر می‌کند و آن‌گاه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند:

«در همین هنگام که (شرق و غرب) این چنین (درگیر) هستند سفیانی از وادی یابس (خشک) با نیروهایش بر آنها خروج می‌کند تا بر دمشق مسلط می‌شود. پس سپاهی را به مشرق و سپاه دیگری را به سوی مدینه رهسپار می‌کند...»^۱

از طرفی دیگر بخشی از همان سپاهی که به سوی عراق گسیل شده است، مأموریت حمله به مدینه را پیدا می‌کنند و به دستور سفیانی مأمور می‌شوند در جستجوی حضرت مهدی علیه السلام از عراق به مدینه حمله‌ور شوند. که از مجموع این دو دسته روایت، همان نتیجه حاصل می‌شود. یعنی برخی از نیروهای سفیانی از ابتدا به سوی مدینه حرکت می‌کنند و برخی دیگر از ناحیه عراق و سپاهیان موجود در عراق به سوی مدینه رهسپار می‌شوند.

۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۸۶ - روی عن حذیفه بن الیمان انّ النبی صلی الله علیه و آله ذکر فتنه تکنون بین اهل المشرق و المغرب. قال: فبیناهم كذلك ینخرج علیهم السفیانی من الوادی الیابس فی فور ذلك حتی ینزل دمشق فیبعث جیشین جیشاً الی المشرق و آخر الی المدینه...»

حضرت باقر علیه السلام فرمود:

«در همین هنگام که آنان (سفیانی و سپاهیان در عراق) این‌گونه هستند. پرچم‌هایی از سوی خراسان رو می‌آورند و منازل را به سرعت می‌پیمایند و به همراه آنان شخصی از اصحاب قائم علیه السلام نیز می‌باشد. سپس مردی از ایرانیان اهل کوفه با نیروی ضعیفی قیام می‌کند، اما فرمانده سپاه سفیانی وی را در میان حیره و کوفه به قتل می‌رساند و سفیانی نیرویی را به سوی مدینه ارسال کرده و مهدی علیه السلام از آنجا به مکه فرار می‌کند...»^۱

نکته مهمی که از این روایت برداشت می‌شود این است که سپاه سفیانی پس از ورود به عراق به سوی مدینه رهسپار می‌شوند. با توجه به مطالب گذشته دو فرضیه در این مورد قابل تصور است:

۱. سفیانی از همان ابتدا از دمشق دو نیرو به سوی عراق و مدینه می‌فرستد و روایات آنچه را از گسیل دو نیرو به سوی مدینه اظهار می‌کنند در واقع همان یک نیروی اصلی است که در ابتدا از دمشق به سوی مدینه گسیل شده است. در این صورت با توجه به زمان ظهور سفیانی در ماه رجب^۲ می‌توان زمان ارسال این نیروها را در فاصله دو تا چهار ماه از رجب یعنی از ماه رمضان تا ذی‌حجه دانست.

۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۸ - قال الباقر علیه السلام: «فبیناهم كذلك اذا قبلت رايات من قبل خراسان تطوى المنازل طياً حثيثاً و معهم نفر من اصحاب القائم، ثم يخرج رجل من موالی اهل الكوفة فى ضعفاء فيقتله امير جيش السفیانی بين الحيرة و الكوفة و يبعث السفیانی بعثاً الى المدينة فينقر المهدي منها الى الكوفة...»

۲. غیبت نعمانی، ص ۳۰۰.

بخش اول / فصل دوم: حمله سفیانی به عراق و عربستان ۲۵

۲. نیرویی که به ظاهر از دمشق به سوی مدینه حرکت می‌کند در واقع پیشقراول نیرویی است که از عراق می‌رود، ولی در روایت به دو نیرو تعبیر شده است. زیرا در ابتدا به دو مقصد جداگانه یکی عراق و دیگری مدینه ارسال شده‌اند.

۳. علت ارسال نیروی کمکی، به دلیل ضعف و ناتوانی آنان در پیدا کردن حضرت مهدی علیه السلام و یا مقاومت مردم مدینه می‌باشد.

وظیفه شیعیان در قیام سفیانی

همان‌گونه که در جلد اول اشاره شد، قیام سفیانی در راستای فتنه شام و جنگ جهانی سوم و چهارم می‌باشد^۱ و این حوادث از یک طرف انتقام الهی از دشمنان اهل بیت علیهم السلام است و از طرفی موجب تضعیف سپاه کفر و مخالفین آن حضرت علیه السلام در هنگام ظهورشان می‌شود. در واقع سفیانی هرچند از دشمنان حضرت مهدی علیه السلام است ولی رفتارش به گونه‌ای است که در اصل، دشمنان امام علیه السلام در منطقه را نابود می‌کند.

حضرت باقر علیه السلام می‌فرماید:

«...بشارت به شما (شیعیان) باد. هم‌چنان بشارت بر شما از هدفی که دارید، آیا نمی‌بینید دشمنان شما (شیعیان) در نافرمانی خداوند با یکدیگر می‌جنگند. همدیگر را برای دنیا به قتل می‌رسانند بدون این‌که به شما تعرضی کنند و شما در خانه‌هایتان به دور از آنان در امنیت به سر می‌برید و سفیانی به جهت انتقام‌گیری از جانب شما نسبت به دشمنانتان کافی است و (ظهور) او نشانه‌ای برای شماست.

۱. سیده دم ظهور، ج ۱، ص ۱۱۹، اثر مؤلف.

به گونه‌ای که هرگاه آن فاسق قیام کرد شما یک ماه یا دو ماه پس از قیامش صبر کنید، خطری متوجه شما نیست تا این که مردم بسیاری را غیر از شما به قتل برساند.

یکی از اصحاب گفت: در این صورت با خانواده‌مان چه کار کنیم؟ امام علیه السلام فرمودند: مردان شما از وی (سفیانی) پنهان شوند. زیرا دشمنی و حرص وی بر (مردان) شیعه ما است. ولی ان شاء الله بر زنان ترسی نیست.

سؤال شد: مردان به کجا رفته و از دست وی به کدام سو فرار کنند؟ فرمود: هر کس از شما می‌خواهد فرار کند به سوی مدینه یا مکه یا شهرهای دیگر رود.

سپس فرمود: شما را چه به مدینه، زیرا سپاه این فاسق به سوی آنجا خواهد رفت ولی شما باید به سوی مکه روانه شوید، زیرا آنجا محل اجتماع شما است.

فتنه وی به مقدار حاملگی یک زن، نه ماه خواهد بود و از آن مدت ان شاء الله تجاوز نخواهد کرد»^۱.

۱. غیبت نعمانی، ص ۳۰۰ و ۳۰۱ - عن محمد بن مسلم قال: سمعت ابا جعفر الباقر علیه السلام يقول: «... فأبشروا ثم أبشروا بالذی تريدون، أستم ترون اعدائکم يقتتلون فی معاصی الله و یقتل بعضهم بعضاً علی الدنیا دونکم و انتم فی بیوتکم آمنون فی عزلة عنهم و کفی بالسفیانی نعمة لکم من عدوکم و هو من العلامات لکم مع ان الفاسق لو قد خرج لمکتتم شهراً او شهرین بعد خروجه لم یکن علیکم بأس حتی یقتل خلقاً كثيراً دونکم.

فقال له بعض اصحابه: فکیف نضن بالعیال اذا کان ذلك؟ قال: یتغیب الرجال منکم عنه، فان حنقه و شرهه انما هی علی شیعتنا و اما النساء فلیس علیهن بأس ان شاء الله تعالی، قیل: فالی این منخرج الرجال و یهربون منه؟ فقال: من اراد منهم ان

نکات مهم این حدیث شریف:

۱. خدای تعالی همواره در طول تاریخ عنایت خاص خودش را به شیعیان داشته است. بخصوص در دوران معاصر ظهور که هرج و مرج و کشتار، تمام جهان و منطقه خاورمیانه را احاطه نموده است، این عنایت و توجه مشهودتر خواهد بود.

۲. مکان‌هایی که شیعیان زندگی می‌کنند بخصوص ایران، در گرداب این حوادث در امنیت نسبی خواهند بود.

۳. دشمنی سفیانی و رقیبانش با یکدیگر بوده و در آغاز حرکتش دشمنان اهل بیت و شیعیان را هدف می‌گیرد.

۴. شیعیان با این شرط در حوادث پیش از ظهور از گزند حوادث در امان هستند که به دستور ائمه اطهار علیهم‌السلام خود را از درگیری و کشمکش بر سر تصاحب دنیا و درگیری‌ها دور نگه دارند ولی اگر با آنان درگیر شدند این تضمین امنیتی وجود نخواهد داشت.

۵. اگر شیعیان خود را درگیر حوادث آخرالزمان تا پیش از ظهور نمایند، در واقع هم خود را در معرض هلاکت انداخته‌اند و هم برخلاف دستور و فرمان امام علیه‌السلام عمل نموده‌اند.

۶. سفیانی پایان دهنده انتقام و درگیری میان دشمنان اهل بیت علیهم‌السلام است و او برای این کار کافی است.

۷. مردان شیعه می‌بایست بدون مقاومت و درگیری از دست او فرار کنند

→ یخرج یخرج الی المدینة او الی مکه او الی بعض البلدان، ثم قال: ما تصنعون بالمدینة و انما یقصد جيش الفاسق الیها، ولكن علیکم بمكة، فانها مجمعکم و انما فتنته حمل امرأة: تسعة اشهر و لا یجوزها ان شاء الله».

ولی فرار زنان لزومی ندارد. هرچند به کسانی که در لبنان و سوریه و اردن و عراق زندگی می‌کنند، توصیه می‌شود تا فرصت باقی است آنجا را ترک کنند و به مناطق کم خطرتر نظیر ایران، یمن و عربستان مهاجرت نمایند.

۸. از این‌که آن حضرت علیه السلام توصیه فرمودند یک یا دو ماه پس از قیام سفیانی درنگ کنند و پس از آن می‌توانند از آنجا فرار نمایند، معلوم می‌شود که سفیانی در آغاز قیامش حدود دو ماه یعنی ماه رجب و شعبان و حداکثر رمضان، مشغول تثبیت حکومتش است و علیه شیعیان اقدام خاصی نمی‌کند و از این تاریخ است که پس از مستقر شدن حکومتش تصمیم می‌گیرد به عراق و مدینه حمله نماید. از این جهت حضرت باقر علیه السلام می‌فرماید، مردان دیگر در آن تاریخ، به مدینه نروند بلکه به سوی مکه حرکت کنند. این مطلب با آنچه قبلاً اشاره شد مبنی بر اینکه حمله سفیانی به عراق و مدینه در ماه رمضان یا شوال خواهد بود مطابق است. به هر حال شیعیان تا ماه شوال وقت دارند تا به سوی مدینه حرکت کنند و پس از ماه شوال، حتماً باید به سوی مکه حرکت کنند. زیرا امام عصر علیه السلام نیز از آن هنگام به سوی مکه هجرت خواهد کرد.

حضرت صادق علیه السلام فرمود:

«سفیانی از امور حتمی است و قیامش در ماه رجب خواهد بود و آغاز قیام تا پایان کارش پانزده ماه می‌انجامد. شش ماه می‌جنگد و هرگاه بر پنج منطقه مسلط شد، نه ماه حکومت می‌کند بدون این‌که یک روز بیشتر شود».^۱

۱. همان، ص ۳۰۰ - عن ابی عبدالله علیه السلام انه قال: «السفیانى من المحتوم و خروجه فى رجب و من اول خروجه الى آخره خمسة عشر شهراً سنة اشهر يقاتل فيها، فاذا ملك الكور الخمس ملك تسعة أشهر و لم يزد عليها يوماً».

با توجه به حدیث فوق، آغاز تا انجام حرکت سفیانی حدود پانزده ماه طول می کشد. شش ماه را در حال درگیری با نیروهای رقیب سپری می کند و از زمان به حکومت رسیدن تا نابودی وی توسط امام عصر علیه السلام نه ماه یعنی به اندازه مدت بارداری یک زن به درازا می کشد.

با توجه به این که آغاز قیام و حرکت وی در ماه رجب است، طبیعی است که شش ماه بعد ماه ذی حجه می شود. از آنجا که ظاهراً ظهور رسمی حضرت ولی عصر علیه السلام در ماه محرم واقع می شود و سفیانی در ماه ذی حجه بر مسند قدرت تکیه می زند، وی (سفیانی) با فاصله کمی پس از به قدرت رسیدن دستور حمله به عراق و مدینه را صادر می کند.

به این ترتیب و با توجه به شواهد مذکور، می توان این فرضیه را که سفیانی از همان ابتدا نیرویی به سوی مدینه می فرستد برتر دانست. زیرا یک ماه فاصله، مدت چندان طولانی نیست تا نیروها اول به عراق روند آنگاه به مدینه حمله ور شوند، بلکه از همان ابتدا و با تسلط کامل بر شام و سرکوب مصر، در ماه ذی حجه یک سپاه به سوی عراق و سپاه دیگری را به سوی مدینه روانه می کند و هدفشان نیز دستگیر کردن حضرت مهدی علیه السلام و سپس نابودی مکه و مدینه است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«پناهنده ای (حضرت مهدی علیه السلام) به خانه کعبه پناه می برد، سپاهی به سوی او گسیل می گردد. وقتی که به بیداء، بیداء مدینه رسیدند به زمین فرو می روند»^۱.

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۸۶ - قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «يعوذ عائذ بالبیت، فبيعت اليه جيش حتى اذا كانوا بالبیداء بیداء المدینة خسف بهم».

و نیز ابو حمزه از حضرت باقر علیه السلام در مورد سخن خداوند: «و فرصتی برای آنها از مکان دوری نبود»^۱ سؤال کردم. فرمود:

«آنها از جایی که نصیبشان نمی شود به دنبال مهدی علیه السلام هستند، در حالی که از جایی که (خداوند) می خواهد به آنها می رسد»^۲.

از دو حدیث فوق کاملاً مشخص است که هدف عمده سفیانی علاوه بر نابودی مکه، به چنگ آوردن حضرت مهدی علیه السلام می باشد. این مطلب روشن می نماید که امام عصر علیه السلام پیش از ظهور رسمی خود فعالیت گسترده ای در مدینه انجام می دهد و به همین دلیل است که سفیانی از ابتدا به مدینه حمله ور می شود.

حضرت صادق علیه السلام فرمود:

«هرگاه سفیانی آشکار شود (قیام کند) مهدی علیه السلام مخفی می گردد»^۳.

به این ترتیب روشن است که با آغاز قیام سفیانی، امام عصر علیه السلام که در آن لحظه در مدینه به سر می برند و ظاهراً به دلیل خلاء قدرت سیاسی ناشی از کشته شدن عبدالله پادشاه عربستان^۴ فرصت را مناسب دانسته و شروع به فعالیت گسترده کرده اند، مخفی می شوند. این مخفی شدن حکایت از آشکار بودن فعالیت ایشان قبل از آن دارد. البته منظور این نیست که ایشان با نام

۱. سبأ (۳۴): آیه ۵۱.

۲. همان، ص ۱۸۷ - عن ابی حمزه قال: «سألت أبا جعفر علیه السلام عن قوله ﴿وَأَنسَى لَهُمُ التَّنَاقُوشُ مِنْ مَّكَانٍ بَعِيدٍ﴾ قال: انهم طلبوا المهدي علیه السلام من حيث لا ينال و قد كان لهم مبدولاً من حيث ينال».

۳. غیبت طوسی، ص ۴۴۴ - قال الصادق علیه السلام: «إذا ظهر السفیانی اختف المهدي».

۴. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۰.

بخش اول / فصل دوم: حمله سفیانی به عراق و عربستان ۳۱

مهدی علیه السلام این فعالیت‌ها را رهبری می‌کنند، بلکه ممکن است به شکلی معمولی و به عنوان جوانی انقلابی و مبارز در راه اعتقاد و دینش تلاش کند. هرچند یاران خاص آن حضرت علیه السلام از شخصیت ایشان آگاهی دارند ولی بقیه مردم تا پیش از ظهور رسمی در تاریخ دهم محرم، ایشان را به عنوان مهدی علیه السلام نمی‌شناسند.

عملیات سپاه سفیانی در عراق

از آنجا که هدف اصلی سفیانی در لشکرکشی به عراق و سپس ایران از بین بردن شیعیان و سادات است. طبیعی است که کشتار وسیعی در عراق به راه اندازد. حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در خطبه‌ای پس از بیان فتنه شرقی و فتنه غربی^۱ و حوادث عراق می‌فرماید:

«و خروج سفیانی با پرچمی قرمز رنگ می‌باشد، فرمانده آن (پرچم) مردی از قبیله بنی‌کلب است. دوازده هزار نفر از سپاه سفیانی متوجه مکه و مدینه می‌شوند. فرمانده آنان مردی از بنی‌امیه است که به وی «خزیمه» می‌گویند. بدون این‌که چشم چپش توانایی دیدن داشته باشد، بر چشمش لکه غلیظی است (که مانع دیدن وی می‌شود). خود را مانند بزرگان (نجیب‌زادگان) می‌نماید. هیچ‌گاه شکست نمی‌خورد تا این‌که در مدینه در خانه‌ای که به آن خانه ابوالحسن اموی گویند،

۱. در کتاب سپیده دم ظهور به اندازه کافی در مورد فتنه شرقی و فتنه غربی شام سخن گفته‌ایم. هرچند این روایت خاص را بنا به دلایلی نیاوردیم ولی می‌توانید با مراجعه به بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۷۲ ابتدای این حدیث را مطالعه فرمایید. این حدیث تأییدی بر وقوع آن سه فتنه می‌باشد.

فرود می‌آید و سپاهی را در جستجوی مردی از آل محمد می‌فرستد در حالی که تعدادی از شیعیان اطراف وی را احاطه نموده‌اند، به سوی مکه باز می‌گردد. فرمانده آن سپاه مردی از غطفان است. وقتی به وادی سفید (وادی بیضاء) رسید، به زمین فرو می‌روند و کسی از آنها نجات نمی‌یابد مگر مردی که صورتش به پشت سرش برگشته تا آنان (سپاه سفیانی) را بترساند و نشانه‌ای برای باقی‌مانده سپاه سفیانی باشد. در این روز تاویل این آیه ظاهر خواهد شد: «و اگر بینی هنگامی که ترسیده‌اند، تأخیری نخواهد بود و آنها را از مکانی نزدیک می‌گیرند (نابود می‌کنند)»^۱ و (سفیانی هم‌زمان با ارسال سپاهی به مدینه) سپاهی با یکصد و سی هزار نفر به سوی کوفه می‌فرستد. آنها در منطقه روجاء و فاروق^۲ اردو می‌زنند. شصت هزار نفر از آنها به سوی کوفه می‌روند تا در محل دفن حضرت هود در نخيله اردو می‌زنند و در روز «زینت» (جشن عمومی) به مردم (کوفه) حمله می‌کنند و فرمانده مردم عراق، ستمگر سرکشی است که به وی، پیشگوی جادوگر می‌گویند. وی از شهر زوراء (بغداد) با پنج هزار نفر از پیشگویان به نیروهای مهاجم (سفیانی) حمله می‌کند و بر روی پل بغداد هفتاد هزار نفر کشته می‌شوند، به گونه‌ای که مردم با مشاهده خون و گندیدگی اجساد تا سه روز از آب فرات دوری می‌کنند. هفتاد هزار دوشیزه از کوفه اسیر می‌شوند، در حالی که تا کنون دست و صورتشان آشکار نشده بود، آنان را در وسایل نقلیه

۱. سبأ (۳۴): آیه ۵۱.

۲. مناطقی نزدیک بغداد است.

گذاشته و به سوی «ثویه» که همان «غری» است، منتقل می‌کنند. سپس تعداد یکصد هزار نفر مشرک و منافق از کوفه قیام می‌کنند تا وارد دمشق شده به گونه‌ای که هیچ کس مانع آنها نمی‌شود و آن شهر (دمشق) همان شهر ارم ذات‌العماد (باغ‌های دارای ستون‌ها یعنی همان مرکز قوم عاد) است...»^۱

نکات مهم مورد نظر در این حدیث:

۱. سفیانی سپاه عظیمی به سوی عراق می‌فرستد (۱۳۰ هزار نفر) در حالی که سپاه ارسالی به سوی مدینه دوازده هزار نفر است.
۲. این دو سپاه هم‌زمان و از دمشق ارسال می‌شوند. این مطلب فرضیه ما را

۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۷۳ و ۲۷۴ - قال امیرالمؤمنین علیه السلام: «و خروج السفیانی برایة حمراء امیرها رجل من بنی کلب و اثنی عشر الف عنان من خیل السفیانی یتوجّه الی مکة و المدینة امیرها رجل من بنی امیة یقال له: خزیمة، أطمس العین الشمال، علی عینه ظفرة غلیظة یتمثل بالرجال لا تردّ له رایة حتی ینزل المدینة فی دار یقال لها: دار ابی الحسن الاموی و یبعث خیلاً فی طلب رجل من آل محمد و قد اجتمع الیه ناس من الشیعة یرود الی مکة، امیرها رجل من غطفان اذا توسط القاع الابيض خسف بهم فلا ینجو الا رجل یحوّل الله ووجهه الی قفاه لینذرهم و یكون آية لمن خلفهم و یومئذ تأویل هذه الآية: ﴿وَلَوْ تَرَىٰ اِذْ فَزَعُوا فَلَافَوْتَ وَ اَخَذُوا مِنْ مَّكَانٍ قَرِيبٍ﴾ و یبعث مائة و ثلاثین ألفاً الی الکوفة و ینزلون الرّوحاء و الفارق، فیسیر منها ستون ألفاً حتی ینزلوا الکوفة موضع قبر هود علیه السلام بالنخلیة، فیهجمون الیهم یوم الزینة و امیر الناس جبّار عنید، یقال له: الکاهن الساحر، فیخرج من مدینة الزوراء الیهم امیر فی خمسة آلاف من الکهنة و یقتل علی جسرهما الفأ حتی تحمی الناس من الفرات ثلاثة ایام من الدماء و تنن الاجساد و یسبی من الکوفة سبعون ألف بکر، لا یکشف عنها کف و لاقناع، حتی یوضعن فی المحامل و یذهب بهنّ الی الثویة و هی الغری. ثم ینخرج من الکوفة مائة الف ما بین مشرک و منافق، حتی یقدموا دمشق لا یصدّهم عنها صاد و هی ارم ذات العما...»

ثابت می‌کند که سفیانی به محض استقرار حکومتش به سوی مدینه و عراق لشکرکشی می‌کند.

۳. کثرت سپاه ارسالی به عراق و کم تعدادی سپاهی که به سوی مدینه می‌رود نشان دهندهٔ مأموریت این دو سپاه است. اولی به قصد جنگ و خونریزی و مقابله با سپاه مقتدر عراق و ایران حرکت می‌کند، در حالی که سپاه دوم فقط برای تخریب دو شهر یعنی مکه و مدینه و دستگیری امام عصر علیه السلام ارسال می‌شود و سفیانی گمان می‌کند برای دستگیری ایشان همین مقدار سپاه کافی است.

۴. فعالیت امام عصر علیه السلام در مدینه مشهود بوده به همین جهت برای دستگیری وی حساس شده و تصمیم می‌گیرند تا با سپاه دوازده هزار نفری، ایشان را که در مدینه مخفی شده‌اند، دستگیر کنند.

۵. امام عصر علیه السلام در مدینه با تعدادی از اصحاب و یاران خویش به سر می‌برد و با نزدیک شدن سپاهیان سفیانی، امام علیه السلام و یارانش از مدینه فرار می‌کنند و به سوی مکه می‌روند.

۶. سپاهیان ارسالی به سوی عراق یکصد و سی هزار نفر است ولی تعداد شصت هزار نفر از آنها به سوی کوفه رهسپار می‌شوند. طبیعی است که سفیانی میان لشکر اصلی یعنی یکصد و سی هزار نفری باشد و خودش به سوی کوفه نیاید. وی با هفتاد هزار نفر نیروی باقی مانده در منطقهٔ «روحاء» و «فاروق» در اطراف بغداد باقی می‌ماند.

۷. عراقی‌ها که با کشته شدن اصهب توسط سفیانی بی‌سرپرست شده‌اند به سوی کاهنان یا پیشگویان می‌روند. شاید تعبیر کاهن و ساحر یا پیشگو و

جادوگر، حکایت از مکار و حيله گری باشد که با حيله گری و مکر، مردم عراق را محسور فکر و ادعاهای خویش و پیش‌بینی دروغین خویش از آینده‌ای زیبا برای عراق نموده است. شاید بسیاری از رهبران دروغین و حيله گر دنیا این‌گونه باشند و با وعده‌های دروغین و پیش‌بینی‌های دراز مدت مانند کاهنان و پیشگویان، آینده‌ای دروغین را برای مردم ارائه کنند در حالی که همگی خیانت‌کارند و مانند جادوگران مردم را جادو کرده‌اند.

۸. کشتار وسیعی در بغداد واقع می‌شود و همچنین در کوفه نیز جرم و جنایت بسیاری صورت می‌گیرد.

۹. خروج یکصد هزار نفر مشرک و منافق از کوفه، حکایت از گمراهی گسترده در میان شیعیان دارد. آنانی که دینشان به خطاست اما گمان می‌کنند پیرو اهل بیت علیهم‌السلام هستند. خروج آنها و رفتنشان به دمشق مقر اصلی سفیانی و این‌که مانع آنها نمی‌شود حکایت از انحراف آنها و توجه به سفیانی دارد. شاید حرکت آنها جهت جلب رضایت سفیانی باشد. همان‌گونه که اشاره شد وی در کنار سپاه خود است و به دلیل آگاهی از حمله خراسانی و یمانی و نابودی سپاهیان در اطراف مکه در منطقه «سرزمین بیداء و بیضاء» تصمیم به فرار به سوی دمشق می‌گیرد. شاید این تعداد نیرو از کوفه و عراق به همراه سفیانی به سوی دمشق می‌روند.

حضرت باقر علیه‌السلام پس از برشمردن نشانه‌های ظهور می‌فرماید:

«و سفیانی سپاهی را به سوی کوفه می‌فرستد که تعدادشان هفتاد هزار نفر است. مردم کوفه را دچار کشتار و اسارت می‌کنند... سپس مردی ایرانی ساکن کوفه با نیروی اندکی قیام می‌کند که به وسیله

فرمانده سپاه سفیانی میان حیره و کوفه کشته می‌شود...»^۱

نکات مهم این حدیث:

۱. چون در حدیث فوق حضرت باقر علیه السلام می‌فرماید، سفیانی تعداد هفتاد هزار سرباز به سوی کوفه روانه می‌کند. با توجه به حدیث قبل که امیرالمؤمنین علیه السلام تعداد سپاهیان ارسالی به عراق را یکصد و سی هزار نفر فرموده بود، معلوم می‌شود که نیروی اصلی همراه با سفیانی است و وی از این تعداد سپاهیان، تعداد شصت یا هفتاد هزار نفر به سوی کوفه روانه می‌کند. این حدیث نیز شاهی بر حضور سفیانی در عراق و اطراف بغداد است.

اما همچنان این مطلب به گونه‌ای مبهم باقی مانده است که چگونه و چه موقع سفیانی در عراق حضور می‌یابد؟ حدیث بعدی این مطلب را کاملاً روشن می‌نماید که سفیانی چگونه و چه موقعی وارد عراق می‌شود.

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام پس از بیان حوادث شام و ظهور سفیانی می‌فرماید:

«سپس سفیانی به دمشق باز می‌گردد در حالی که همه مردم تسلیم او شده‌اند. پس دو لشکر را آماده لشکرکشی می‌کند. لشکری به مدینه می‌فرستد و لشکری به سوی مشرق (عراق) می‌فرستد. لشکری که به سوی مشرق می‌رود در زوراء (بغداد) هفتاد هزار نفر را می‌کشند و شکم سیصد زن را می‌شکافند و پاره می‌کنند. سپس لشکر او به سوی کوفه می‌رود و مردم بسیاری را به قتل می‌رسانند.

۱. غیبت نعمانی، ص ۳۸۰ - قال الباقر علیه السلام: «و یبعث السفیانی جیشاً الی الکوفه و عدّتهم سبعون الفاً...».

اما لشکری که به سوی مدینه رفته بود هنگامی که به سرزمین بیداء رسیدند جبرئیل بر آنها فریاد می‌زند، به گونه‌ای که بر اثر آن همه لشکر به زمین فرو می‌روند و فقط دو نفر از لشکر وی باقی می‌مانند، به نام بشیر و نذیر. هنگامی که آن دو نفر نزدیک لشکر (سفیانی) می‌شوند هیچ کس را نمی‌بینند مگر سرهایی که از زمین بیرون آمده‌اند. آن دو از جبرئیل سؤال می‌کنند که چه بلایی بر سر سپاه آمده است؟ جبرئیل می‌پرسد: آیا شما هم جزء این سپاه هستید؟ می‌گویند: بله.

جبرئیل صیحه‌ای بر آنها می‌زند و صورتشان به پشت سر برمی‌گردد. یکی از آن دو یعنی بشیر به سوی مدینه می‌رود و به امام عصر علیه السلام بشارت شکست سپاه سفیانی را می‌دهد و دومی یعنی نذیر به سوی سفیانی بازمی‌گردد و خبر نابودی سپاهش را به وی می‌دهد.

سپس عده‌ای از فرزندان رسول الله صلی الله علیه و آله به سوی سرزمین روم (اروپا) پناهنده می‌شوند. اما سفیانی به پادشاه روم (رئیس اروپایی) پیغام می‌دهد که اسیران مرا تحویل دهید. پس از آن که آنها را تحویل گرفت همگی را نزد پله‌های شرقی مسجد دمشق گردن می‌زند و هیچ کس بر وی اعتراض نمی‌کند.

سپس با نیرویی هفتاد هزار نفره (شخصاً) به سوی عراق و کوفه و بصره حرکت می‌کند و آن‌گاه کشورها و مناطق بسیاری را می‌گردد و ریسمان‌های اسلام را یکی بعد از دیگری پاره می‌کند. اهل علم (علماء) را کشته و قرآن‌ها را به آتش می‌کشد و مساجد را خراب و حرام را حلال می‌کند. دستور می‌دهد در بازارها موسیقی و آواز

خوانده و شراب را بر سر راهها بیاشامند و تمام زشتی‌ها را حلال و تمام آن‌چه خداوند حرام کرده را حلال نمایند و از هیچ ظلم و فجوری خودداری نمی‌کند. بلکه در سرکشی و طغیان و عنان گسیختگی می‌افزاید و هر کسی را که اسمش محمد و احمد و علی و جعفر و حمزه و حسن و حسین و فاطمه و زینب و رقیه و ام‌کلثوم و خدیجه و عاتکه باشد به دلیل کینه و تنفر نسبت به اهل بیت پیامبر اکرم ﷺ می‌کشد.

سپس دستور می‌دهد تا کودکان را جمع کرده و برای آنها دیگهای روغن زیتون را بجوشانند. بچه‌ها می‌گویند اگر پدران ما خلاف دستور تو عمل کردند ما چه گناهی کرده‌ایم. آن‌گاه دو کودک از میان آنها را به نام حسن و حسین گرفته و به دار می‌کشد.

سپس به سوی کوفه می‌رود و در آنجا نیز همین کار را که با اطفال کرده بود، انجام می‌دهد و دو کودک را به نام‌های حسن و حسین بر درب مسجد کوفه به دار می‌زند. در آن وقت خون آنها به جوش می‌آید همچنان که خون یحیی بن زکریا به جوشش آمد. وقتی سفیانی این حالت را مشاهده کرد یقین به هلاکت و گرفتاری خود پیدا می‌کند و سپس از کوفه به سوی شام فرار می‌کند و در بین راه هیچ کس را مشاهده نمی‌کند تا با او مخالفت کند و هنگامی که داخل دمشق شد، شروع می‌کند به شراب‌خواری و گناهان بزرگ و به اصحابش نیز به همین کارها فرمان می‌دهد.

سفیانی (در میان مردم) ظاهر می‌شود. در حالی که اسلحه‌ای به دستش است و زن حامله‌ای را می‌گیرد و به دست یارانش می‌سپارد

و دستور می‌دهد تا در وسط راه با وی فجور کنند و آن‌گاه شکم وی را شکافته و جنین را از شکمش خارج می‌کنند، اما هیچ کس نمی‌تواند اعتراض کند.

در این هنگام ملائکه در آسمان مضطرب می‌شوند و خداوند متعال به جبرئیل فرمان می‌دهد تا بر دیوار مسجد دمشق صدا زند: ای امت محمد! فریادرس نزد شما آمد. ای امت محمد دادرس رسید، فرج رسیده است و وی مهدی علیه السلام است که از مکه قیام نموده، وی را اجابت کنید...»^۱

۱. الزام الناصب، ج ۲، ص ۱۹۶ و عقد الدرر، ص ۹۰ - قال امیرالمؤمنین علیه السلام: «ثم یرجع الی دمشق - و قد دان له الخلق، فیجیش - جیشین - جیش الی المدینة و جیش الی المشرق - فاما جیش المشرق فیقتلون بالزوراء سبعین الفاً و یبقرون بطون ثلاثمائة امرأة و ینخرج الجیش الی الکوفة فیقتل بها خلقاً و اما جیش المدینة اذا توسطوا البیداء صاح بهم صائح و هو جبرئیل علیه السلام فلا ینقی منهم احدا الاخسف الله به و ینكون فی اثر الجیش رجلان، ینقال لهما بشیر و نذیر، فاذا أتیا الجیش لم یریا الا رؤساً خارجة علی الارض فیسألان جبرئیل علیه السلام: ما اصحاب الجیش؟ فیقول: انتما منهم؟ فیقولان: نعم. فیصیح بهما فتتحول وجوههما القهقری و یمضی احدهما الی المدینة و هو بشیر فیبشرهم بما سلمهم الله عزوجل منه و الاخر نذیر. فیرجع الی السفیانی فیخبره بما نال الجیش عند ذلك قال و عند جهینة الخبر الیقین لانهما من جهینة. ثم ینهرب قوم من ولد رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم الی بلد الروم فیبعث السفیانی الی ملک الروم: رد الی عبیدی فیردّهم الیه فیضرب أعناقهم علی الدّرج شرقی و الاقطار و یحل عری الاسلام عروة بعد عروة و یقتل اهل العلم و یحرق المصاحف و یخرّب المساجد و تستبیح الحرام الله عزوجل علیهم من الفرائض و لا یرتدع عن الظلم و الفجور بل یزداد تمرداً و عتواً و طغیاناً و یقتل من كان اسمه محمداً و أحمد و علیاً و جعفر و حمزه و حسناً و حسیناً و فاطمه و زینب و رقیه و ام کلثوم و خدیجه و عاتکه، حنقاً و بغضاً (لبیت آل)

نکات مهم مورد نظر در این روایت:

۱. سفیانی در ابتدای گسیل داشتن دو سپاه به سوی مدینه و عراق همراه آنان نیست.

۲. پس از نابودی سپاه سفیانی در بیابان بیداء یعنی مقارن با ظهور رسمی حضرت ولی عصر علیه السلام است که سفیانی روانه عراق می‌شود و شروع به فساد و خونریزی در عراق می‌کند.

۳. پس از جنایت‌های متعدد دوباره به دمشق فرار می‌کند. در روایت دیگر غیر از این عامل، عوامل دیگری نیز برای فرار وی ذکر شده است. از جمله حمله خراسانی و یمانی به کوفه که موجب فرار سفیانی به دمشق می‌شود، البته ممکن است مجموعه‌ای از این عوامل باشد.

حضرت صادق علیه السلام می‌فرماید:

«مانند این است که سفیانی یا همراه وی را می‌بینم، در مرکز کوفه

→ رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم ثم یبعث فیجمع الاطفال و یغلی الزيت لهم فیقولون: ان کان اباؤنا عصوک فنحن ما ذنبنا؟ فیأخذ منهم اثین اسمهما حسناً و حسیناً فیصلبهما. ثم یرسیر الی الکوفه فیفعل بهم کما فعله بالاطفال و یقلب علی باب مسجدها طفلین اسمائهما حسن و حسین (فتغلی دماؤهما) کما غلی دم یحیی بن زکریا علیه السلام فاذا رأى ذلك، أیقن بالهلاک و البلاء فیخرج هارباً منها متوجهاً الی الشام فلا یری فی طریقہ احداً یخالفه فاذا دخل دمشق اعتکف علی شرب الخمر و المعاصی و یأمر اصحابه بذلك و یرج السفیانی و بیده حربه فیأخذ امرأة حاملاً فیدفعها الی بعض اصحابه و یقول: افجر بها فی وسط الطریق. فیفعل ذلك و یرقی بطنها فیسقط الجنین من بطن امه فلا یقدر احدان یرقی ذلك. فتضطرب الملائکة فی السماء فیأمر الله عزوجل جبرئیل علیه السلام فیصیح علی سور مسجد دمشق: الا قد جاءکم الغوث یا امة محمد قد جاءکم الغوث یا امة محمد قد جاءکم الفرج و هو المهدی علیه السلام خارج من مکة فاجیبوه...»

بخش اول / فصل دوم: حمله سقیانی به عراق و عربستان ۴۱

مستقر شده و از جانب او اعلان می‌کنند هر کس سر یک نفر از شیعیان علی علیه السلام را بیاورد هزار درهم به او می‌دهیم. پس کار به آنجا می‌رسد که همسایه، همسایه خود را می‌گیرد و می‌گوید این از شیعیان علی علیه السلام است. پس گردن او را می‌زند و هزار درهم می‌گیرد...»^۱

۱. غیبت طوسی، ص ۴۵۰ - قال الصادق علیه السلام: «کأني السقياني او لصاحب السقياني قد طرح رحله في رحبتكم بالكوفة، فنادي مناديه: من جاء برأس (رجل من) شيعة عليّ فله ألف درهم فيشب الجار علي جاره و يقول: هذا منهم، فيضرب عنقه و يأخذ ألف درهم...»

بخش دوم

ظهور خراسانی



فصل اول:

تئوری ظهور

حوادث هنگام ظهور گسترده و زنجیروار^۱ است. همه این حوادث پی‌درپی اتفاق می‌افتد. از اولین حادثه حتمی (ظهور دولت اسرائیل و فتنه شام) شروع می‌شود و به تدریج به سوی حوادث بعدی پیش می‌رود. با توجه به مجموع روایات نشانه‌های ظهور می‌توان به یک تئوری دست یافت. آن را «تئوری ظهور» نامیده‌ایم.

براساس تئوری ظهور، ظهور امام عصر^{علیه السلام} در سه مرحله واقع می‌شود:

مرحله اول: ظهور نام

مرحله دوم: ظهور شخصی

مرحله سوم: ظهور رسمی یا قیام حضرت مهدی^{علیه السلام}

مرحله اول: ظهور نام

اولین مرحله از ظهور کامل حضرت ولی عصر^{علیه السلام} پس از غیبت طولانی که بنا بر برخی روایات حتی نام ایشان نیز می‌میرد^۲ و هیچ‌کس توجهی به ایشان ندارد،

۱. سپیده دم ظهور، جلد اول.

۲. کمال الدین صدوق، ص ۳۷۸ - قال الرضا^{علیه السلام}: «...لانه یقوم بعد موت ذکره و ارتداد اکثر القائلین بامامته...». یعنی: ایشان (از این جهت قائم نامیده شده که) پس از مرگ نامش (و یادش) و برگشتن اکثریت کسانی که به امامت ایشان اعتقاد داشتند، قیام می‌کند.

مرحله ظهور نام و گسترش توجه به آن حضرت علیه السلام می باشد. به همین دلیل است که در برخی روایات، ظهور ایشان را از مشرق دانسته اند. هرچند ما می دانیم ظهور آن حضرت از مکه بوده و مشرق زمین عامل پیدایش و گسترش نام ایشان است. مشرق تعبیر دیگری از ایران زمین است.

محمد بن صفیه گوید:

«پرچمی از خراسان قیام می کند، سپس پرچم دیگری ظاهر می شود که لباسشان سفید و پیشاپیش آنها مردی از بنی تمیم است که حکومت را برای مهدی علیه السلام آماده می کند...»^۱

در حدیث زیر به وضوح، آشکار شدن نام حضرت را اولین گام در تحقق ظهور اعلام می فرمایند.

مفضل بن عمر از حضرت صادق علیه السلام پرسید:

«ای مولایم! آغاز ظهور مهدی علیه السلام و مستقر شدن حکومتشان چگونه است؟»

فرمود: ای مفضل ایشان در شبهه های آشکار می شود تا آن شبهه روشن (برطرف) شود، سپس نام وی بالا می گیرد و امر (مأموریت) وی آشکار می شود و به نام و کنیه و نسب ایشان ندا داده شده و این ندا بر زبان اهل حق و باطل موافق و مخالف افزوده می گردد تا حجت (دلایل و شواهد) برای شناخت ایشان تمام گردد (تا بدانند که) ما حقیقتاً ماجرای ایشان را گفته و برای وی راهنمایی نموده و نسبت و نام و کنیه اش را بیان کرده ایم که هم نام جدش رسول الله صلی الله علیه و آله و

۱. عقد الدرر، ص ۱۲۶ و ملاحم سید بن طاووس، ص ۴۹. پیش تر حدیث آمده است.

هم‌کنیه ایشان است. تا مبادا مردم (بعد از ظهور) بگویند: ما اسم و کنیه و نسبتش را نمی‌شناسیم.

سوگند به خداوند (به این وسیله شخصیت) ایشان و نام و نسبت و کنیه‌اش بر زبان مردم آشکار می‌شود، تا جایی که برخی از آنها برای برخی دیگر، ایشان را معرفی می‌نمایند. همه این کارها برای لازم شدن حجت بر علیه آنان است (تا عذر و بهانه‌ای نداشته باشند)، سپس خداوند ایشان را آشکار می‌سازد، همان‌گونه که به جدش صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وعده داده بود...^۱

نکات مهم حدیث:

۱. این حدیث بیان واضحی از فلسفه ظهور نام (مرحله اول ظهور) می‌باشد.
۲. پیش از ظهور رسمی، نام و صفات و فلسفه وجودی و شناخت کیفیت ظهور و نشانه‌های ظهور و تمامی مشخصات مربوط به حضرت ولی عصر عَلَيْهِ السَّلَام در میان مردم منتشر می‌شود.
۳. مردم برای یکدیگر از ایشان و صفاتشان گفتگو می‌کنند. همان‌گونه که ما و امثال ما در عصر حاضر پیرامون حضرت ولی عصر عَلَيْهِ السَّلَام و معرفی ایشان

۱. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۴ - عن المفضل بن عمر قال: «يا مولاي فكيف بدؤ ظهور المهدي عَلَيْهِ السَّلَام و اليه التسليم؟ قال عَلَيْهِ السَّلَام: يا مفضل يظهر في شبهة ليستبين، فيعلو ذكره و يظهر امره و ينادى باسمه و كنيته و نسبه و يكثر ذلك على افواه المحققين و المبطلين و الموافقين و المخالفين لتلزمهم الحجة لمعرفةم به على انه قد قصصنا و دللنا عليه و نسبناه و سميناه و كنيناه و قلنا سمي جده رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و كنيه لثلا يقول الناس: ما عرفنا له اسما و لا كنية و لا نسبا. والله ليتحقق الايضاح به و باسمه و نسبه و كنيته على ألسنتهم، حتى ليسميه بعضهم لبعض، كل ذلك للزوم الحجة عليهم، ثم يظهره الله كما وعد به جده صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ...»

تلاش می‌کنیم.

۴. این تلاش و معرفی حضرت علیه السلام بزرگ‌ترین وظیفه شیعیان راستین است.

۵. کسانی که هدفشان پیشگیری از نوشتن و گفتن شرایط ظهور و گسترش

نام حضرت علیه السلام است، بدون این‌که خودشان بفهمند بر علیه حضرت ولی عصر علیه السلام گام برمی‌دارند.

۶. از آنجا که اکثر مردم بعد از ظهور به بهانه عدم شناخت و آگاهی از

صفات و عملکرد امام علیه السلام متوسل می‌شوند و مخالفت خود را با امام علیه السلام توجیه می‌کنند، فعالیت‌های این چنین پیش از ظهور ادعای نادانی و بی‌خبری آنها را خنثی و باطل می‌کند.

۷. تمام مردم جهان اعم از دشمن و دوست با صفات و خصوصیات

مهدی علیه السلام آشنا می‌شوند.^۱

به این ترتیب در مرحله اول ظهور، نام ایشان از ناحیه مشرق یعنی ایران

آشکار می‌شود.

از چه زمانی ظهور نام ایشان یا به تعبیر دیگر ظهور صغری واقع

گشته است؟

با توجه به ظهور دولت اسرائیل یا همان فتنه شام که تمامی منطقه و

کشورهای اسلامی را تحت تأثیر قرار داد و از نشانه‌های حتمی ظهور و اولین

۱. متأسفانه ما در جامعه خویش برخی عالم‌نماهایی را می‌بینیم که داعیه محبت

اهل بیت علیهم السلام دارند ولی هیچ قدمی در راه ترویج آثار مهدویت بر نمی‌دارند که هیچ، با

ارائه این مباحث مخالفت نیز می‌ورزند، من می‌بینم که اینان چگونه با مهدی

جوان علیه السلام مبارزه می‌کنند و ایشان را نیز انکار می‌کنند.

بخش دوم / فصل اول: تئوری ظهور ۴۹

نشانه^۱ می‌باشد، می‌توان چنین نتیجه گرفت که از حدود دههٔ چهل میلادی با جنگ جهانی دوم بخصوص سال ۱۹۴۸ و ظهور دولت اسرائیل، مرحلهٔ اول ظهور یا ظهور صغری آغاز گشته است.

از آنجا که مشرق زمین و ایران نقش اساسی در گسترش نام آن حضرت علیه السلام و ظهور صغری دارد، اوج این ظهور را در سال ۱۹۷۹ مصادف با ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ و انقلاب اسلامی ایران مشاهده می‌کنیم.

در واقع ظهور انقلاب ایران نیز حلقه‌ای از ظهور صغری بود که به دلایل متعددی باید واقع می‌شد و آثار متعددی در تسریع وقوع ظهور رسمی و پیشبرد اهداف حضرت مهدی علیه السلام دارد.

ظهور انقلاب ایران اوج مرحلهٔ ظهور نام یعنی مرحلهٔ اول از ظهور حضرت مهدی علیه السلام است.

۱. عقد الدرر، ص ۱۲۶ و ملاحم سید بن طاووس، ص ۴۹. پیش‌تر حدیث آمده است.

فصل دوم:

انقلاب اسلامی ایران اوج تجلی ظهور صغری

همان‌گونه که در جلد اول این کتاب اشاره شد، انقلاب ایران پدیده‌ای نبود که با محاسبات عادی قابل پیش‌بینی باشد، در واقع این انقلاب و دگرگونی، امری آسمانی بود تا از یک طرف به خالص‌سازی شیعیان و پیروان حضرت مهدی علیه السلام پردازد و از طرفی شرایط جهانی و منطقه‌ای را برای ظهور آن حضرت آماده سازد.

به این ترتیب می‌توان آثار و نقش انقلاب ایران را در حوادث ظهور در سه بخش ارائه نمود:

۱. آماده‌سازی شیعیان

۲. آماده‌سازی منطقه

۳. آماده‌سازی جهان

۱. آماده‌سازی شیعیان

شیعیان به جهت نقش فوق‌العاده‌ای که در عرصه ظهور دارند می‌بایست تصفیه و خالص گردند. طبیعی است مهم‌ترین مسأله که شیعیان را از دیگران جدا می‌سازد، اندیشه و افکار تشیع و بخصوص مهم‌ترین اندیشه متمایز شیعیان یعنی مسأله «ولایت اهل‌بیت علیهم السلام» است که باید بازسازی و اصلاح شود. از

آنجا که پس از ظهور بزرگ‌ترین چالش اصحاب و یاران حضرتش مسأله سرسپردگی و انقیاد آنان به فرامین عجیب و غافل‌گیرانه ایشان است. تنها مسأله‌ای که می‌تواند اصحاب و یاران امام علیه السلام را از گزند انحراف و سرکشی در برابر ایشان مصون دارد، مسأله شناخت مقام امام و تابعیت بی‌چون و چرا در برابر مقام ولایت امام علیه السلام است.

زمانی اصحاب به درجه مطلوب از شناخت و سرسپردگی می‌رسند که در کوران حوادث قرار گرفته و اساسی‌ترین صفت در آنها یعنی «پیروی کامل از امام علیه السلام» به چالش و امتحان دچار شود. طبیعی است که چنین بحرانی و امتحانی عده فراوانی از شیعیان را از گردونه «ولایت امام علیه السلام» خارج نموده و عده دیگری را در شناخت اولیه و آزمون نشده خویش استوارتر و محکم‌تر نماید.

به این ترتیب هم‌زمان با گمراهی عده‌ای از شیعیان، عده دیگری به اوج آمادگی برای ظهور و استقبال از آن حضرت علیه السلام می‌رسند. زمینه امتحان نیز همان هدف را که اشاره شد دنبال می‌کند یعنی «تعیین میزان سرسپردگی به امام علیه السلام».

با این آزمایش و فتنه درجه اصحاب مشخص می‌شود. برخی به درجات عالی از تسلیم محض در برابر امام علیه السلام می‌رسند، برخی دیگر نیز در رده‌های پایین‌تر و برخی نیز بی‌تفاوت و در نهایت، عده بسیاری مخالف و سرکش در برابر آن حضرت ظاهر خواهند شد.^۱

این آزمایشات پیش از ظهور شروع شده و تا ورود امام علیه السلام به شهر نجف و

۱. بررسی کامل‌تر پیرامون فتنه‌ها و آزمایشات هنگامه ظهور را در کتاب جداگانه‌ای به نام «فتنه‌های عصر ظهور» می‌آوریم.

بخش دوم / فصل دوم: انقلاب اسلامی ایران اوج تجلی ظهور صغری ۵۳

فرود آمدن نیروهای امدادی آسمانی و سپس هنگام رویارویی سپاه امام علیه السلام با نیروهای سفیانی و در نهایت ظهور دجال ادامه خواهد یافت. اما سخت‌ترین آزمایشات و فتنه‌ها در پیش از ظهور قرار دارد. از این جهت سخت‌ترین آزمایش این است که امام عصر علیه السلام تشریف نداشته و شیعیان به شدت بر سر افکار و ایده‌های خویش اصرار می‌ورزند و در نتیجه عده فراوانی از شیعیان بدون این که با نظر امام علیه السلام آشنا باشند، راه اختلاف و انحراف را در پیش می‌گیرند.

به طور خلاصه راه نجات از این مهلیکه این است که آنچه از اهل بیت علیهم السلام رسیده است را کاملاً در نظر گرفته و با روایات ایشان به طور صریح و آشکار مخالفت نکنیم و سعی کنیم به مجموع روایات پایبند باشیم و هیچ یک از روایات منقول از کتب شیعه حتی آنها که گمان می‌کنیم ضعیف هستند، مخالفت صریح و آشکار ننماییم. این تنها راه نجات است.

هرچند با کمال تأسف، امروز می‌بینیم برخی شیعیان از این جهت، به چالش وحشتناکی افتاده‌اند و به شکل‌های مختلف سعی در بی‌اعتبار نمودن کتاب‌های روایی شیعه از قبیل کافی، احتجاج، توحید صدوق و... دارند تا از این طریق روایات موجود در آنها را با دیده شک و سپس انکار بنگرند.

در حالی که اینان نمی‌دانند با دست خود چه خاکی بر سر خویش می‌ریزند و چگونه در اثر مخالفت با روایات اهل بیت علیهم السلام خود را از دایره ولایت آنان خارج می‌سازند.

حضرت باقر علیه السلام فرمود:

«بدانید، سوگند به خداوند محبوب‌ترین اصحابم نزد من

پرهیزکارترین و رازدارترین آنها نسبت به احادیث ما است و بدترین و دشمن‌ترین آنها در نزد من کسی است که هرگاه حدیثی را شنید به ما نسبت داده‌اند و از جانب ما روایت می‌شود و آن را درک نکرده و نمی‌تواند تشخیص دهد، از آن ناراحت شده و انکار نمود و هر کس آن را پذیرفت انکار نماید، در حالی که نمی‌داند شاید این حدیث از جانب ما صادر شده باشد و واقعاً منسوب به ما باشد، و با این انکار از ولایت ما خارج می‌شود»^۱.

روایات بسیاری بر این اختلاف و درگیری تأکید دارد. انقلاب ایران مهم‌ترین وسیله برای دگرگون نمودن شیعیان و آزمایش آنان در زمینه میزان تسلیم و سرسپردگی به «مقام ولایت امام عصر علیه السلام» می‌باشد و شیعیان را تا پیش از آمدن آن حضرت به شدت تصفیه و پاکسازی می‌کند.

حضرت امام حسین علیه السلام فرمود:

«امری که شما منتظر آن هستید واقع نمی‌شود مگر آن که برخی از شما از برخی دیگر بیزاری جسته و در صورت یکدیگر آب دهن اندازید و عده‌ای بر کفر عده دیگر شهادت داده و همدیگر را لعنت نمایید. (راوی گوید) به ایشان گفتم: در آن زمان خیری نیست. امام حسین علیه السلام فرمود: تمام خیر در آن زمان است، قائم ما قیام می‌کند و

۱. تمحیص اسکافی، ص ۶۷ - عن الحذاء عن ابی جعفر علیه السلام، قال سمعته یقول: «أما والله ان أحب اصحابی الی اورعهم و اکتهم لحدیثنا و ان اسوأهم عندی حالا و امقتهم الی الذی اذا سمع الحدیث نسب الینا و یروی عنا فلم یعقله و لم یقبله قلبه، اشمأزمنه و جحده و کفر بمن دان به، و هو لایدری لعل الحدیث من عندنا خرج و الینا اسئد، فیکون بذلك خارجاً عن ولایتنا».

همه این مسائل را دفع می‌کند»^۱.

شاید گمان می‌کنید این اختلاف شیعه صرفاً در مسائل دنیوی است، در حالی که این‌گونه نیست بلکه ممکن است رقابت بر سر مسائل دنیوی موجب درگیری و ایجاد اختلاف در مسائل مهم اعتقادی و مهم‌ترین آنها یعنی «امر ولایت اهل بیت علیهم‌السلام» شود. ولی آنچه شیعه واقعی را از غیر واقعی جدا می‌سازد، تعریف و شناخت «ولایت ائمه اطهار علیهم‌السلام» می‌باشد.

حضرت باقر علیه‌السلام فرمود:

«ای شیعه آل محمد، شما آنچه‌تان تصفیه (پاک) می‌شوید که مانند پاک شدن سرمه در چشم. زیرا کسی که سرمه کشیده می‌داند چه موقعی سرمه در چشم رفته ولی نمی‌داند کدام موقع از چشمش خارج می‌شود. همین‌گونه کسی (صبح) بر روشی از امر (ولایت) ما قرار می‌گیرد، اما شب از آن خارج می‌شود و همچنین شب را با (اطاعت) از امر ما می‌گذرانند در حالی که صبح از آن خارج شده است»^۲.

۱. غیبت نعمانی، ص ۲۰۶ - عن عميرة بنت نفيل قالت: سمعت الحسين بن علي عليه‌السلام يقول: «لا يكون الامر الذي تنتظرونه حتى يبرأ بعضكم من بعض و يتفل بعضكم في وجوه بعض و يشهد بعضكم على بعض بالكفر، و يلعن بعضكم بعضاً. فقلت له: ما في ذلك الزمان من خير، فقال الحسين عليه‌السلام: الخير كله في ذلك الزمان، يقوم قائمنا و يدفع ذلك كله».

۲. همان، صص ۲۰۶ و ۲۰۷ - عن ابي جعفر عليه‌السلام انه قال: «لتمحصن يا شيعة آل محمد تمحيص الكحل في العين و ان صاحب العين يدري متى يقع الكحل في عينه و لا يعلم متى يخرج منها، و كذلك يصبح الرجل على شريعة من امرنا و يمسي و قد خرج منها و يمسي على شريعة من امرنا و يصبح و قد خرج منها».

این حدیث شریف کاملاً مطلب را آشکار می‌سازد که عامل اصلی گمراهی شیعه پیش از ظهور که بسیار شایع و خطرناک است، مسأله «امر ولایت اهل بیت علیهم‌السلام» است، که عده‌ای ناآگاهانه به ظاهر وارد می‌شوند ولی چون شناخت درستی ندارند به راحتی شب از آن خارج می‌گردند.

جمله «لایکون الامر الذی تنتظرونه حتی...» یعنی «امر ظهوری که منتظرش هستید واقع نمی‌شود مگر...» نشان می‌دهد که مسأله اختلاف و درگیری شیعه و تصفیه آنان از نشانه‌های حتمی ظهور است که چاره‌ای جز وقوع آن نیست.

راه حل چیست؟

همان‌گونه که اشاره شد، راه حل بسیار آسان است، اما در عمل بسیار مشکل.

حضرت صادق علیه‌السلام می‌فرماید:

«هر کس دینداری خداوند کند، بدون شنیدن (مسائل خداشناسی و...) از عالم راستگویی (از جانب خداوند)، خداوند وی را در بیابان سرگردانی (فکری) به دشواری می‌افکند، و هر کس ادعا کند که حقیقت را از غیر دروازه‌ای که خداوند بر مخلوقاتش گشوده، شنیده است، به خداوند مشرک می‌باشد. آن دروازه همان (امام) امین و مورد اعتماد بر اسرار مخفی الهی است»^۱.

این حدیث شریف به وضوح آشکار می‌سازد که هر کسی شناخت خود از

۱. غیبت نعمانی، ص ۱۳۴ - عن المفضل بن عمر قال: قال ابو عبد الله علیه‌السلام: «من دان الله بغیر سماع من عالم صادق الزمه الله التیه الی العناء و من ادعی سماعاً من غیر الباب الذی فتحه الله لخلقہ فهو مشرک به، و ذلك الباب هو الامین المأمون علی سرّ الله المکنون».

بخش دوم / فصل دوم: انقلاب اسلامی ایران اوج تجلی ظهور صغری..... ۵۷

دین و مسائل آن، اعم از خداشناسی و اعتقادات و احکام را به وسیله‌ای غیر از دروازه علم الهی یعنی امام معصوم علیه السلام که از جانب خداوند به این سمت منصوب شده کسب کند، مشرک و کافر است. هرچند به ظاهر نام خود را شیعه می‌گذارد اما در عمل و فکر برداشت و افکار خود را بر پایه افکار فلاسفه یا صوفیه و... بنا می‌کند و با این کار از دین حقیقی یعنی ولایت امام علیه السلام خارج می‌شود.

نکات مهم این حدیث:

۱. هر کسی که به دنبال کشف حقیقت یا راز هستی است، ولی از دانش امام علیه السلام استفاده نکند، جز سرگردانی و حیرت چیزی به دست نمی‌آورد.
 ۲. کسانی که بدون رجوع به امام معصوم علیه السلام به دنبال کشف حقایق و عرفان الهی هستند، به خداوند شرک ورزیده‌اند.
 ۳. امام علیه السلام تنها مخزن اسرار الهی است و هیچ کس هم‌ردیف و شریک با ایشان نیست.
- حضرت باقر علیه السلام، روش خاصی برای شناخت افراد و میزان راهنمایی نمودن آنها ارائه می‌نمایند.

ایشان به یکی از اصحاب خود می‌فرمایند:

«حدیث شما (از اهل بیت علیهم السلام) قلب‌های افراد (غیر شیعه) را مضمّن می‌کند. مقداری از این احادیث را به افراد عرضه کنید. اگر به آن اذعان کردند، پس مقدار بیشتری به آنها عرضه کنید ولی اگر کسی انکار کرد، وی را رها سازید. زیرا به ناچار فتنه‌ای خواهد رسید که هر رازدار و شریکی نابود می‌شود تا جایی که افرادی (که در دقت نظر)

موها را از یکدیگر جدا می‌کنند نیز ساقط می‌شوند و (فتنه ادامه می‌یابد) تا این که کسی (بر امر ولایت ما) باقی نماند مگر ما و شیعیان (خالص) ما.^۱

نکات مهم این حدیث:

۱. کسانی به روایات بدبین و بی‌اعتماد هستند که شیعه نباشند و از شنیدن احادیث دل نگران می‌گردند.

۲. میزان ارزش افراد و شیعیان و علماء به مقدار فهم و درک و دریافت احادیث می‌باشد.

۳. شیعیانی که در برابر احادیث به اِما و اگر دچار شوند، پیداست شایسته دریافت احادیث بیشتر نیستند و با دست خود جلوی تربیت الهی و تکامل خویش را می‌گیرند.

۴. اگر می‌خواهید تحت تربیت امام عصر عجل الله فرجه و ائمه اطهار علیهم السلام باشید، به آنچه گفته‌اند سرسپرده و تسلیم محض باشید و به یاد داشته باشید یک حدیث ضعیف به مراتب بهتر از سخنان فریبنده دیگران است. زیرا بر فرض اگر به حدیثی ضعیف عمل کردید و گمان کردید امام فرموده، ولی اشتباه کردید در روز قیامت به دلیل تسلیم بودن، به شما یک پاداش می‌دهند، هرچند اشتباه عمل کرده باشید. ولی اگر به سخنان دیگران عمل کنید دو حالت دارد، یا آنها اشتباه

۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۱۵ - عن ابي جعفر عليه السلام قال: قال لي: «ان حديثكم هذا لتشمتز منه القلوب قلوب الرجال. فانبدوا اليهم نبذاً فمن أقر به فزيدوه، و من أنكره فذروه، انه لا بد من ان تكون فتنة يسقط فيها كل بطانة و وليجة حتى يسقط فيها من يشق الشعره بشعرتين حتى لا يبقى الا نحن و شيعتنا».

گفته‌اند، در نتیجه شما دو بار مجازات می‌شوید، یکی بخاطر عدم رجوع به امام و شریک کردن دیگران با امام علیه السلام و نیز بار دیگر به جهت اشتباه کردن، مجازات می‌شوید و اگر آنها درست گفته باشند، باز هم شما را به دلیل پیروی کردن از غیر امام و شریک قرار دادن در برابر امام مجازات می‌کنند و اعمال درست شما نیز نادیده گرفته می‌شود، زیرا از راه تعیین شده از جانب خداوند، خارج شده و سخن دیگران را بر سخن امام علیه السلام ترجیح داده‌اید.

پس اگر عاقل باشید، راهی که صد در صد پاداش در آن است را با راهی که حتماً مجازات دارد، عوض نمی‌کنید. در این جا است که عقل به کار می‌آید، نه در کنکاش و جستجوی غیب و نادیده‌ها که عقل را راهی به آنها نیست.^۱ برخلاف فلاسفه و صوفیه و دیگر اندیشمندان بشری که به اصرار خود، خواسته‌اند حقیقت را از راه اختراعی خویش یا دیگرانی همانند خود کسب کنند و یکسره و یا مقداری از راه ائمه اطهار علیهم السلام فاصله گرفته‌اند و دیگران را نیز به اشتباه انداخته‌اند.^۲

۲. آماده‌سازی منطقه

از مهم‌ترین آثار انقلاب ایران، تأثیرات منطقه‌ای است. هرچند به ظاهر برخی

۱. این استدلال به شکل‌های مختلف در روایات آمده است. برای آگاهی بیشتر می‌توانید به کتاب اثبات الهداة شیخ حرّ عاملی مراجعه فرمایید.

۲. فتنه‌های عصر ظهور بسیار گسترده و عمیق و نامحسوس است و افرادی از این فتنه‌ها نجات می‌یابند که به معنای واقعی به سفارش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم یعنی «تمسک به کتاب و سنت» دست یازند. توضیح کامل این مطالب و فتنه‌ها و راه‌های نجات از این فتنه‌ها را در کتاب جداگانه‌ای (ان‌شاءالله) خواهیم آورد.

حوادث منطقه به طور مستقیم توسط ایران صورت نگرفته‌اند ولی حرکت حوادث به گونه‌ای بوده که ایران به طور غیرمستقیم در بروز و ظهور حوادث پیش از ظهور در منطقه نقش اساسی و کلیدی داشته است و اگر انقلاب ایران نبود، روند حوادث به این گونه سرعت نمی‌گرفت.

با ظهور انقلاب ایران و صدور جو انقلابی به منطقه، کشورهای غربی بخصوص کشورهای منطقه، احساس خطر کردند و صدام حسین به دلیل شرایط انقلابی در ایران و درگیری ایران با مسائل داخلی از شرایط استفاده کرده و به ایران لشکرکشی نمود و باعث بروز جنگ ۸ ساله‌ای شد.

در طول این جنگ، ایرانیان قسمت‌هایی از خاک عراق را آزاد ساختند، این احتمال وجود داشت که رفته رفته تمامی خاک عراق را تصرف و آزاد سازند. از این رو کشورهای غربی با تمام قوا به صدام حسین جاه‌طلب کمک کردند و در نتیجه به وسیله اسلحه شیمیایی و دخالت مستقیم امریکا در جنگ، ایرانیان ناچار شدند آتش‌بس را بپذیرند.

پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت و آتش‌بس توسط ایران، ناگهان غربی‌ها متوجه شدند که با عراقی قدرتمند و سرکش روبرو هستند. صدام جاه‌طلب می‌بایست از قدرتش تخلیه شود، اما به گونه‌ای که هم‌زمان نیروهای غربی به سرکردگی امریکا نیز در منطقه مستقر شوند و رویاهای اسرائیل، که از نیل تا فرات را می‌خواهد، تحقق بخشند.

به این ترتیب عراق با چراغ سبز امریکا به کویت حمله کرد و در نتیجه با ورود نیروهای امریکایی به منطقه و کشور عربستان، گروه‌هایی تندرو از جمله بن‌لادن و نیروهای تحت فرمانش که در دفاع از افغانستان در برابر شوروی

بخش دوم / فصل دوم: انقلاب اسلامی ایران اوج تجلی ظهور صغری ۶۱

آموزش دیده بودند، تبدیل به نیروهای ضد امریکایی و عربستانی شدند. بن‌لادن از خانواده‌ای که با سران دولت امریکا و خانواده بوش ارتباط نزدیک داشت، به عنوان دشمن قسم خورده امریکایی‌ها در آمد. بن‌لادن با خروج از عربستان و حمله به سفارت امریکا در نایروبی پایتخت کنیا بود که دولت امریکا را با پدیده جدیدی به نام سازمان تروریستی القاعده به رهبری اسامه بن‌لادن روبرو نمود.

با گسترش فعالیت القاعده و حمله به دو برج تجارت جهانی واقع در نیویورک در سال ۲۰۰۱، جهان وارد عرصه جدیدی از جنگ جهانی شد و به این ترتیب حوادث به گونه‌ای رقم خورد که شرایط جنگ سوم و چهارم و ظهور سفیانی در منطقه و در نهایت ظهور حضرت مهدی علیه السلام برای نجات بشریت و اسلام فراهم شد.

همان‌گونه که مشهود است همه این حوادث از جنگ ایران و عراق و در پی انقلاب ایران واقع شدند. به این ترتیب روند حوادث و ارتباط آنها از انقلاب ایران تا ظهور حضرت مهدی علیه السلام کاملاً معلوم می‌شود.

۳. آماده‌سازی جهانی

ظهور انقلاب ایران و به دنبال آن مسأله گروگان‌گیری سفارت امریکا در تهران نه تنها شرایط منطقه را تغییر داد، بلکه جهان نیز شاهد تحولاتی عمیق و بی‌سابقه گردید، به گونه‌ای که حوادث بعدی را زنجیروار در پی داشت.

با ظهور انقلاب ایران و پدید آمدن گروگان‌گیری اعضاء و کارکنان سفارت امریکا در تهران و شکست مفتضحانه طرح جیمی کارتر رئیس‌جمهور امریکا

در حمله به ایران از طریق طیس و آزادسازی گروگان‌ها موجب شد تا محبوبیت کارتر و حزب دموکرات در امریکا تنزل یافته و رقیب وی یعنی رونالد ریگان کاندیدای حزب جمهوری خواه در انتخابات ریاست جمهوری امریکا پیروز شود. این پیروزی که به طور غیرمستقیم تحت تأثیر شرایط ایران واقع شد، منشأ تحولات اساسی در جهان گردید.

ریگان جهت از میدان بیرون کردن رقیب دیرینه کشور خویش یعنی اتحاد جماهیر شوروی، اقدام به اجرای طرح «جنگ ستارگان»^۱ کرد. این طرح در حجب مسابقه تسلیحاتی جدیدی برای شوروی گردید که در نهایت این کشور را از رقابت با جهان غرب در زمینه تسلیحاتی و تکنولوژی بازداشت و در پایان دهه هشتاد یعنی سال ۱۹۹۰ بود که ما شاهد فروپاشی شوروی شدیم. با فروپاشی شوروی، جهان تک قطبی در صحنه سیاسی متولد شد و امریکا توانست به عنوان تنها ابرقدرت جهانی بدون رقیب مشخصی در سراسر جهان اعمال نفوذ کند.

هرچند به نظر برخی افراد چنین جهانی به مراتب تلخ تر از جهان دو قطبی است، ولی اگر به دقت به شرایط جهانی و رقابت‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی

۱. طرح جنگ ستارگان شامل قرار دادن ماهواره‌هایی در اطراف سیاره زمین بود که با توان پرتاب اشعه لیزر می توانستند حملات موشکی متخاصم را ره گیری نموده و در خارج از جو نابود سازند. به این ترتیب موشک‌های اتومی شوروی و دیگر کشورهای متخاصم بی ارزش می شدند. این طرح در دولت کلینتون لغو شد اما در دولت جورج دبلیو بوش طرح ساده تری به نام «سپر دفاعی» در حال اجرا است که بر اساس آن ماهواره‌ها نقش ره گیری داشته و دفاع موشکی مستقر بر روی زمین کار نابودسازی موشک‌های مهاجم را به عهده خواهند داشت.

بخش دوم / فصل دوم: انقلاب اسلامی ایران اوج تجلی ظهور صغری ۶۳

جهان نظری بیافکنیم متوجه می‌شویم، جهان نمی‌تواند برای مدت مدیدی شرایط تک قطبی را تحمل کند و دیر یا زود کشورهای مقتدر دیگر بخصوص چین و روسیه در مقابل چنین نظم نوین جهانی تک قطبی خواهند ایستاد و آنگاه است که با شروع جنگ سوم (همان‌گونه که در جلد اول اشاره شد) شرایط را برای ظهور حضرت مهدی علیه السلام فراهم خواهند کرد.

به این ترتیب ما در هر دو عرصه یعنی منطقه و جهان شاهد تأثیرگذاری خارق‌العاده ایران هستیم که در هر دو مورد شرایط ظهور را آماده‌تر نموده و در نهایت شرایط جهانی و منطقه‌ای به یک نقطه ختم می‌شود، یعنی «ظهور سفیانی» در منطقه خاورمیانه.^۱

۱. برای شناخت ارتباط جنگ سوم با ظهور سفیانی به جلد اول کتاب سپیده دم ظهور
مراجعه فرمایید.

فصل سوم:

حمله سفیانی به ایران

سفیانی چرا و چگونه به ایران حمله می‌کند؟ البته در گذشته دلایل سیاسی این حمله را مطرح نمودیم و آن‌گونه که در روایات مشاهده می‌شود عوامل ظاهری و مشهود چنین درگیری موارد ذیل می‌باشد:

(الف) رقابت بر سر تصرف عراق

(ب) سیاست‌های از قبل دیکته شده از جانب غرب و اسرائیل به سفیانی

مبنی بر مقابله با غرب‌ستیزی ایران

(ج) ضعف عمومی و دو دستگی در جناح‌های سیاسی و اجتماعی ایران

مجموعه دلایل فوق عواملی هستند که موجب می‌شوند، سفیانی پس از

تصرف عراق، نیروهایش را به سوی ایران روانه کند.

امیر المؤمنین علیه السلام می‌فرماید:

«سفیانی بر شام مسلط می‌شود. آن‌گاه میان سفیانی و دشمنانش

جنگی در قرقیسیا روی می‌دهد، به گونه‌ای که پرنندگان آسمان و

درندگان زمین از باقی‌مانده‌های کشته‌ها سیر می‌شوند. سپس در

سپاهیان (دشمن سفیانی) شکستگی در پشت (جبهه) رو می‌دهد در

نتیجه گروهی از آنان (ایرانیان) فرار می‌کنند تا این که وارد سرزمین

ایران می‌شوند و سپاه سفیانی در جستجوی مردم خراسان (ایران) بر می‌آیند و شیعیان اهل بیت محمد صلی الله علیه و آله را به قتل می‌رسانند. سپس مردم ایران در جستجوی مهدی علیه السلام قیام می‌کنند.^۱

نکات مهم حدیث:

۱. سفیانی پس از تسلط بر شام دچار جنگ قرقیسیا می‌شود.
۲. از آنجا که قرقیسیا در مرز مشترک عراق و سوریه و ترکیه بر ساحل فرات قرار دارد، این جنگ در طول مسیر یا آغاز حمله به عراق است.
۳. احتمالاً نیروهایی از جانب ایران نیز در این جنگ دخالت دارند. زیرا در فرازهای بعدی حدیث به ره‌گیری سفیانی از نیروهای ایرانی و خراسانی اشاره شده است، پیداست این ره‌گیری در ادامه شکست اولیه نیروهای ایرانی در برابر سپاه سفیانی باشد.
۴. از آنجا که قبلاً اشاره کردیم سفیانی در مرحله‌ی نهایی به سوی عراق حرکت می‌کند، ممکن است نبرد قرقیسیا در همان زمان واقع شود که در نهایت منجر به حمله سپاه سفیانی به ایران می‌شود.

۱. عقد الدرر، ص ۸۷ - عن امیرالمؤمنین علی علیه السلام قال: «یظهر السفیانی علی الشام ثم یكون بینهم بقرقیسیا حتی تشیع طیر السماء و سباع الارض من جیفتم ثم ینفتق علیهم فتق من خلفهم فتقبل طائفة منهم حتی یدخلوا ارض خراسان و تقبل خیل السفیانی فی طلب اهل خراسان و یقتلون شیعة آل محمد صلی الله علیه و آله ثم ینخرج اهل خراسان فی طلب المهدی».

در نسخه مستدرک حاکم نیشابوری ج ۴ ص ۵۰۱ آمده که «یقتلون شیعة آل محمد صلی الله علیه و آله بالكوفة» یعنی شیعیان را در کوفه به قتل می‌رسانند و سپس مردم خراسان قیام می‌کنند، این نقل به نظر گویا و واضح‌تر می‌آید و کشتار در کوفه بیشتر از ایران خواهد بود.

بخش دوم / فصل سوم: حمله سفیانی به ایران ۶۷

۵. سپاه ایرانی که با سپاه سفیانی درگیر شده و شکست خورده‌اند، به ایران می‌گریزند. ظاهراً عامل شکست این نیروها، اختلافات درونی در پشت جبهه باشد.

۶. وقتی نیروهای سفیانی به داخل ایران نفوذ می‌کنند به قتل و خونریزی شیعیان اقدام می‌کنند.

۷. مردم در اثر ناامیدی از بهبود اوضاع در نهایت به فراست جستجو و طلب ظهور مهدی علیه السلام می‌افتند، در نتیجه یکصدا به همراه خراسانی در طلب ظهور مهدی علیه السلام قیام می‌کنند.

علاوه بر این نبرد، نبرد دیگری نیز در قرقیسیا پیش از قیام سفیانی در روایت آمده است.

عبدالله بن ابی‌یعفور گوید: حضرت باقر علیه السلام فرمود:

«برای فرزندان عباس و مروان نبردی در قرقیسیا است که جوان تازه رسیده را پیر می‌سازد. خداوند پیروزی را از آنها می‌گیرد، و به پرنندگان آسمان و درندگان خشکی وحی می‌کند که خود را از گوشت ستمگران سیر گردانید، پس از آن سفیانی قیام می‌کند»^۱.

نکات مهم حدیث:

۱. این نبرد سهمگین و پر تلفات است از این جهت هیچ کدام از طرفین

احساس پیروزی نخواهند کرد.

۱. غیبت نعمانی، ص ۳۰۳ - عن عبدالله بن ابی‌یعفور قال: قال لی ابو جعفر الباقر علیه السلام: «ان لولد العباس و المروان لوقعة بقرقیسیاء یشیب فیها الغلام الحزور، یرفع الله عنهم النصر، و یوحی الی طیر السماء و سباع الارض اشبعی من لحوم الجبارین، ثم ینخرج السفیانی».

۲. هر دو طرف تضعیف شده و از نبرد ناتوان می‌گردند و این تضعیف به ظهور سفیانی می‌انجامد.
۳. سفیانی پس از این جنگ ظاهر می‌شود، و نبرد دیگر سفیانی در این محل نیز ممکن است در ادامه همین نبرد باشد.

فصل چهارم:

ظهور خراسانی

شرایط ایران هنگام قیام خراسانی

در فصل دوم، اشاره نمودیم که انقلاب ایران از مهم‌ترین عوامل پیدایش و سرعت دهنده حوادث پیش از ظهور است. شاید هیچ حادثه‌ای تا این حد در گسترش و تسریع روح و احساس مهدی‌خواهی مؤثر نباشد، و در کنار آن در آزمایش و پاکسازی اصحاب نیز تأثیر می‌گذارد.

اصولاً جهت اصلی ظهور انقلاب در ایران آماده ساختن ایران و منطقه و جهان برای استقبال از ظهور امام عصر علیه السلام است. با انقلاب ایران هم منطقه وارد عرصه آشکار ظهور گشت و هم تمامی جهان در اثر این انقلاب به سوی برخوردهای نظامی و ایجاد شرایط خطرناک پیش از ظهور رفتند.

حادثه مشخص و شاید مهم‌ترین حادثه در ایران پس از انقلاب ایران، ظهور خراسانی باشد. حوادث سیاسی در ایران به همین‌گونه که اکنون وجود دارد تا هنگام ظهور خراسانی ادامه می‌یابد.

نام خراسانی همواره با نام شعیب بن صالح عجین است. آنها دو نفر هستند که یکی پس از دیگری قیام می‌کنند. اما آن‌گونه که از روایات آشکار است، شعیب بن صالح پیش از سفیانی حرکت و ظهور خواهد و مقدمات را برای ظهور خراسانی آماده می‌کند.

شعیب بن صالح

وی جوانی است از ایران (خراسان بزرگ) با صورتی زرد رنگ، کم‌مو^۱ که محل خروج وی را در روایات، طالقان^۲ و سمرقند^۳ و ری^۴ بیان کرده‌اند. البته اگر طالقان موجود در روایات را شهری در افغانستان بدانیم می‌توان محدوده طالقان و سمرقند را یکی دانست. در این صورت می‌توان گفت که حرکت شعیب بن صالح منشأ غیرایرانی دارد.

اما با توجه به حدیث زیر می‌توان منشأ شعیب بن صالح را سمرقند ولی قیامش را از ایران دانست.

پیامبر اکرم ﷺ فرمود:

«از ری مردی میانه، گندمگون از بنی تمیم که کوسه (کم ریش) است و به او شعیب بن صالح می‌گویند، چهار هزار نیرو و پرچم‌های سیاه و لباس‌های سفید قیام می‌کند...»^۵

به این ترتیب و با توجه به احادیث دیگر می‌توان منشأ وی را (اطراف) سمرقند دانسته ولی قیام و شروع حرکتش را از تهران و ری یا حتی طالقان بدانیم.

هرچند حرکت وی با حرکت خراسانی عجین شده است، اما آن‌گونه که از

۱. مجمع احادیث امام مهدی علیه السلام، ج ۲، ص ۵۰۳.

۲. جهان در آینده، ص ۱۵۸.

۳. غیبت شیخ طوسی، ص ۴۴۳.

۴. ملاحم و فتن سید بن طاووس، باب ۹۵.

۵. کتاب الفتن ابن حماد، ص ۱۸۹ - عن الحسن قال: «ینخرج بالری رجل ربعة اسمز مولی لبنی تمیم کوسج یقال له شعیب بن صالح فی اربعة آلاف ثیابهم بیض و رایاتهم

سود...».

بخش دوم / فصل چهارم: ظهور خراسانی ۷۱

اخبار و روایات استفاده می‌شود، ظهور شعیب بن صالح چند سال پیش از خراسانی خواهد بود یا حداقل حرکتش پیش از خراسانی شروع می‌شود. محمد بن حنفیه گوید:

«پرچمی از خراسان ظاهر می‌شود، پس از آن پرچم دیگری که لباس‌هایشان سفید است، حرکت می‌کند. جلودار آنها مردی از تمیم است که زمینه حکومت حضرت مهدی علیه السلام را آماده می‌سازد و فاصله میان قیام وی تا تسلیم شدن مردم به امام عصر علیه السلام، هفتاد و دو ماه است.»^۱

از حدیث فوق آشکار می‌شود که تقریباً پنج سال پیش از ظهور امام عصر علیه السلام، شعیب بن صالح در ایران و از طریق تهران یا حومه آن، خود را آشکار می‌کند. ما اطلاع دقیقی از شرایط اجتماعی و سیاسی موجود در ایران هنگام قیام شعیب بن صالح نداریم ولی طبیعی است که ایشان به عنوان یک معترض به اوضاع جاری کشور قیام می‌کند. زیرا هنگام قیام وی هنوز اثر و خبری از سفیانی نیست تا حرکت وی را به ظهور سفیانی نسبت دهیم، بلکه شرایط سیاسی و اجتماعی و فرهنگی ایران از عوامل اصلی حرکت اعتراضی شعیب بن صالح است.

در برخی روایات، فاصله میان شعیب بن صالح و ظهور مهدی علیه السلام را هفتاد و دو روز تعیین کرده‌اند.

۱. ملاحم ابن طاووس، ص ۴۹؛ عقد الدرر، ص ۱۲۶ - عن محمد بن الحنفیه قال: «تخرج رایة من خراسان ثم تخرج اخری ثیابهم بیض، علی مقدمتهم رجل من تمیم یوطی للمهدی سلطانه بین خروجه و بین ان یسلم الناس للمهدی سلطانه اثنان و سبعون شهراً».

محمد بن حنفیه گوید:

«میان قیام پرچم سیاه از خراسان و سعید بن صالح و قیام مهدی علیه السلام
و تسلیم امر به ایشان، هفتاد و دو روز خواهد بود».^۱

همان‌گونه که مشاهده می‌شود، این حدیث تا حدود بسیاری شبیه به حدیث قبل است و بخصوص گوینده هر دو حدیث یعنی محمد بن حنفیه فرزند امیرالمؤمنین علیه السلام نیز یکی هستند. اگر فرض کنیم این دو حدیث متفاوت هستند، در این صورت می‌تواند منظور قیام شعیب بن صالح در برابر سپاه سفیانی باشد که به داخل ایران نفوذ کرده‌اند. در این صورت هفتاد و دو روز یا دو ماه و دوازده روز پیش از قیام رسمی امام مهدی علیه السلام، حدوداً مصادف با اوایل ماه ذی‌قعدة می‌گردد (زیرا ظهور حضرت در دهم ماه محرم است). سپاهیان سفیانی وارد ایران می‌شوند، آنگاه خراسانی به اتفاق شعیب بن صالح (در ماه ذی‌قعدة یعنی ۷۲ روز پیش از ظهور) در مقابل وی برخاسته و او را به عقب می‌رانند.

به این ترتیب می‌توان نتیجه گرفت که شعیب بن صالح پنج سال پیش از ظهور در اثر حوادث داخلی ایران ظاهر می‌شود. اما حدود دو ماه پیش از ظهور رسمی در برابر سپاه سفیانی قیام می‌نماید (در این صورت دو قیام است یکی پنج سال پیش از ظهور برای مقابله با شرایط داخلی ایران و دیگری دو ماه پیش از ظهور برای مقابله با سپاه سفیانی).

۱. ملاحم و فتن سید بن طاووس، ص ۴۹ - عن ابی حنیفه قال: «بین خروج الراية السوداء من خراسان و سعید بن صالح و خروج المهدي و بین ان یسلم الامر للمهدي اثنان و سبعون يوماً».

محدوده زمانی خروج شعیب بن صالح

همان‌گونه که اشاره شد، شعیب بن صالح حدود پنج سال پیش از ظهور رسمی امام عصر علیه السلام قیام می‌کند. با توجه به آنچه در جلد اول این کتاب اشاره شد، می‌توان چنین گفت که با توجه به تعیین تقریبی حمله امریکایی‌ها به سوریه، پس از انتخاب مجدد جورج بوش^۱ در حدود دو سال آینده به سوریه و لبنان حمله می‌کنند و سپس تقریباً ۶ تا ۸ سال دیگر سفیانی از خاکستر جنگ چهارم برمی‌خیزد. در این صورت احتمالاً حدود دو تا سه سال آینده ما شاهد ظهور و مشاهده شعیب بن صالح خواهیم بود. شاید به این ترتیب علت ظهور و حضور شعیب بن صالح در صحنه سیاسی - اجتماعی ایران آشکار شود. زیرا در آنجا گفتیم که پس از حمله به سوریه در حدود دو تا چهار سال آینده حمله‌ای ایدائی به ایران خواهند نمود. شاید در اثر این حمله و خراب شدن اوضاع امنیتی یا سیاسی در ایران باشد که شعیب بن صالح مکان سیاسی و نظامی ایران را به دست می‌گیرد. این روند در ظهور و علت قیام شعیب بن صالح به گونه‌ای منطقی جلوه می‌کند.

تأیید این تحلیل را در حدیث زیر نیز می‌توان مشاهده نمود.

حذلم بن بشیر گوید:

«به حضرت سجاد علیه السلام عرض کردم: قیام مهدی علیه السلام را توصیف کنید

و بفرمایید علائم و نشانه‌های آن چیست؟

ایشان فرمودند: پیش از قیام مهدی، مردی به نام عوف سلمی در

عراق ظهور می‌کند که جایگاه اصلی وی تکریت و محل قتلش در

۱. هم اینک به تازگی جورج بوش همان‌گونه که در جلد اول این کتاب پیش‌بینی کردیم به ریاست جمهوری امریکا انتخاب شده است.

مسجد دمشق است. سپس شعیب بن صالح از سمرقند قیام می‌کند و

سپس سفیانی ملعون از بیابان خشک قیام خواهد کرد...»^۱

در این حدیث آشکارا روند حوادث سه گانه با ترتیب زمانی تشریح شده است. در ابتدا عوف سلمی در عراق ظاهر می‌شود که جایگاه اصلی وی تکریت است. در جلد اول اشاره کردیم که عوف سلمی با اسامی متعدد همان صدام حسین است. محل کشته شدن وی نیز تعیین شده است، یعنی مسجد دمشق.

در آنجا گفتیم با توجه به این که محل کشته شدن وی را دمشق اعلام کرده‌اند و با توجه به این که صدام حسین اکنون در دست امریکائی‌ها اسیر است، می‌توان نتیجه گرفت که احتمالاً پس از حمله به سوریه، صدام را به آنجا منتقل می‌کنند و در دمشق کشته می‌شود.

پس از کشته شدن صدام یا عوف سلمی است که شعیب بن صالح قیام می‌کند. ارتباط منطقی میان این دو حادثه یعنی کشته شدن عوف سلمی (صدام) در دمشق و قیام شعیب بن صالح در ایران می‌تواند این گونه باشد که امریکائی‌ها پس از حمله به سوریه، به سوی ایران حمله‌ور می‌شوند و در اثر حمله محدود به ایران، بدون این که سیستم سیاسی و مذهبی ایران واژگون شود، شعیب بن صالح به عنوان شخصی مؤثر در فضای سیاسی و نظامی ایران برخاسته و با

۱. غیبت شیخ طوسی، ص ۴۴۳ - روی حذلم بن بشیر قال: «قلت لعلی بن الحسین علیه السلام:

صف لی خروج المهدي و عرفنی دلائله و علاماته؟ فقال: یکون قبل خروجه خروج

رجل یقال له: عوف السلمی بارض الجزیره و یکون ماواه تکریت و قتله بمسجد

دمشق ثم یکون خروج شعیب بن صالح من سمرقند. ثم ینخرج السفیانی الملعون من

الوادی الیابس...».

اعمال حکومت نظامی^۱ و نمایش قدرت، فضای ناامن و متشنج کشور را که در اثر حملات و تحریم‌های گسترده غربی‌ها آسیب دیده است، ترمیم نماید و چون حمله محدود به ایران را پس از حمله به سوریه و در محدوده زمانی دو تا سه سال آینده پیش‌بینی کردیم، می‌توان ظهور شعیب را نیز در همین محدوده قرار داد که در این صورت با فاصله حدوداً پنج سال تا ظهور سفیانی و تصرف منطقه توسط او سازگار می‌شود.

حرکت و فعالیت شعیب بن صالح ادامه می‌یابد تا این‌که خراسانی قیام می‌کند و شعیب بن صالح فرمانده نظامی وی می‌گردد.

خصوصیات خراسانی

در مورد خصوصیات شخص خراسانی روایات مختلفی وجود دارد. برخی از علامت‌ها و نشانه‌ها، حکایت از وجود خالی در کف دست راست وی^۲ است و برخی دیگر این علامت را در دست چپ^۳ وی و برخی در کتف او^۴ ذکر کرده‌اند. دلایل ذکر چنین نشانه‌ای با این اختلاف را می‌توان در چند مورد اشاره کرد: ۱. به دلیل متغیر بودن این نشانه، انتظار تغییرات دیگری در نشانه‌های

۱. از این جهت به تشکیل حکومت نظامی توسط شعیب بن صالح اشاره کردیم. زیرا ایشان با توجه به روایات متعدد یک شخصیت نظامی و فرمانده سپاه خراسانی و همان‌گونه احتمالاً سپاه امام عصر^{علیه السلام} خواهد بود. طبیعی است که حرکت و رفتار وی نیز برخاسته از همین ایفای وظیفه در آینده باشد.

۲. ملاحم ابن حماد، ص ۸۸؛ عقد الدرر، ص ۱۲۷.

۳. ملاحم ابن حماد، ص ۸۵.

۴. ملاحم، ص ۵؛ معجم، ج ۳، ص ۷۸.

ظاهری خراسانی می‌رود.

۲. این نشانه‌ها به عنوان نشانه تعیین کننده مورد توجه نیست زیرا ممکن است تغییر یابند.

۳. شخصیت خراسانی متغیر و متحول است. ممکن است وی از نظر فکری و رفتاری دو دوره مختلف داشته باشد. به گونه‌ای که پیش از این تحول روش اشتباهی داشته و سپس در اثر یک تحول بنیادی، افکار و رفتار وی دگرگون شود و در جهت آمادگی ظهور تلاش کند.

شاهد این مطلب روایت خاصی است که در مورد خراسانی و قیام پرچم سیاه آمده است.

حضرت امیرالمؤمنین در خطبه‌ای پس از بیان ماجرای حرکت سفیانی و حمله به عراق می‌فرماید:

«در زمانی که آنها این‌گونه هستند ناگهان سپاه یمانی و خراسانی، مانند اسب‌های مسابقه، با یکدیگر (بر سر رسیدن به کوفه) مسابقه می‌دهند. در حالی که ژولیده و غبارآلود از نژادی پاک و خالص هستند، هنگامی فردی از آنها به پای خود می‌نگرد می‌گوید: دیگر از امروز خیری در نشستن ما نیست خدایا ما به سوی تو باز می‌گردیم (توبه می‌کنیم)، آنها همان ابدال هستند که خداوند در کتاب عزیزش می‌گوید: «خداوند بسیار توبه‌کنندگان و پاک شونده‌گان را دوست دارد»^۱ و همانند آنان که از آل محمد صلی الله علیه و آله هستند»^۲.

۱. بقره (۲): آیه ۲۲۲.

۲. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۷۴ - قال امیرالمؤمنین علیه السلام: «فبینما هم علی ذلك اذا قبلت

بخش دوم / فصل چهارم: ظهور خراسانی ۷۷

این نیروها که تحت فرمان خراسانی هستند، پس از حمله سفیانی به ایران و مشاهده درگیری‌ها و اختلافات درونی با تحوّل اساسی و روحی مواجه می‌شوند و در نتیجه می‌فهمند که با غیبت امام عصر علیه السلام دیگر هیچ موفقیتی ارزش ندارد و درمان تمام دردها و رنج‌های بشریت و رهایی انسان‌ها از فقر و ظلم در گرو ظهور آن حضرت علیه السلام است.

با این تحوّل درونی است که خراسانی و اصحابش یکصدا تقاضای ظهور نموده و برای درخواست ظهور ایشان قیام می‌کنند. امید که هرچه زودتر این تحوّل در میان شیعیان بخصوص ایرانیان رخ دهد. آرزوی ما این است که مردم شیعه ایران به این درک برسند که تمام مشکلاتشان ناشی از نبودن و غیبت امام علیه السلام است و برای تعجیل در ظهور ایشان یکصدا و یکدست حداقل سیالی یک بار در نیمه شعبان راهپیمایی عمومی نمایند و همگی از خداوند ظهور ایشان را طلب کنند. چیزی که به زودی با رشد بصیرت مردم، واقع خواهد شد.

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمایند:

«هرگاه پرچم‌های سیاه که شعیب بن صالح در آن است، قیام کردند، مردم آرزوی (ظهور) مهدی علیه السلام کرده و در جستجوی او برمی‌آیند. مهدی علیه السلام نیز از مکه قیام می‌کند در حالی که پرچم رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم همراهشان است. با مردم دو رکعت نماز می‌گزارد. پس از

→ خیل الیمانی و الخراسانی یستبقان کانهما فرسی رهان شعث غیر جرد اصلاب نواطی و أقداح اذا نظرت أحدهم برجله باطنه فیقول: لا خیر فی مجلسنا بعد یومنا هذا اللهم فانّا التائبون و هم الابدال الذین وصفهم الله فی کتابه العزیز: ﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَ يُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ﴾ و نظراؤهم من آل محمد».

آن که مردم از قیامش ناامید گشته‌اند زیرا گرفتاری (و رنج) بر آنها طولانی گردیده است...»^۱

نکته مهمی که از این روایت به دست می‌آید این است که در اثر قیام شعیب بن صالح و خراسانی، نه فقط خراسانی و یارانش برای تسریع در ظهور حرکت می‌کنند بلکه عموم شیعیان ایران به این بصیرت و آگاهی می‌رسند و با قیام خراسانی، عموم مردم ایران در جهت طلب ظهور امام عصر علیه السلام قیام می‌کنند. این حرکت عمومی با هجوم سفیانی به ایران و وحشت مردم ایران از تسلط سفیانی بر کشور به نقطه اوج خود می‌رسد.

همان‌گونه که اشاره شد مشخصات کاملی از خراسانی در دست نیست، تنها علامت و نشانه‌ای که از وی در روایات نقل شده است وجود خال در کف دست راست وی است. البته برخی در کتف و دست چپ وی نیز این علامت را ذکر کرده‌اند. از مجموع این روایات چنین استنباط می‌شود که این علامت نشانه آشکار و واضحی نخواهد بود، به همین دلیل به صورت‌های مختلف آورده شده و این خال نشانه صد در صدی نیست. بنابراین جز محل خروج و برنامه‌ها و عملکرد وی نشانه و علامت مشخصی را نمی‌توان برای وی ذکر کرد.

حضرت باقر علیه السلام فرمود:

«جوانی از بنی هاشم قیام می‌کند که در کف دست راستش خالی است

۱. کنز العمال، ج ۱۴، ص ۵۹۰؛ ملاحم سید بن طاووس، ص ۶۳ - عن امیرالمؤمنین علی علیه السلام: «إذا خرجت الرايات السود التي فيها شعیب بن صالح تمنی الناس المهدي فيطلبونه فيخرج من مكة و معه راية رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فيصلی (بالناس) ركعتین بعد ان ییأس من خروجه لما طال علیهم من البلیاء...».

و از خراسان با پرچم‌های سیاه می‌آید در حالی که در کنار وی شعیب بن صالح قرار دارد با اصحاب سفیانی می‌جنگد و آنها را متواری می‌سازد»^۱.

حرکت خراسانی ارتباط مستقیم با حمله سفیانی به ایران دارد. حضرت باقر علیه السلام فرمود:

«به ناچار بنی‌عباس حکومت (مجدد پیدا) می‌کنند. پس هرگاه حکومت یافتند دچار اختلاف شده و حکومتشان پریشان می‌گردد. (در نتیجه) خراسانی و سفیانی بر آنها می‌شورند یکی از مشرق و دیگری از مغرب برای رسیدن به کوفه مسابقه می‌دهند. یکی از آنجا و دیگری از آنجا تا این که هلاکت بنی‌عباس به دست آنها (سفیانی و خراسانی) خواهد بود. بدانید آنها هیچ یک از بنی‌عباس را باقی نخواهند گذاشت»^۲.

نکات مهم این حدیث:

۱. هنگام قیام سفیانی و خراسانی، حکومت بنی‌عباس دچار اختلاف

می‌گردد.

۱. ابن حماد، ص ۸۴؛ عقد الدرر، ص ۱۲۸؛ ملاحم سید بن طاووس، ص ۵۳ - عن جابر

بن ابی جعفر علیه السلام قال: «یخرج شاب من بنی‌هاشم بکفه الیمنی خال و یأتی من خراسان برایات سود، بین یدیه شعیب بن صالح یقاتل اصحاب السفیانی فیهزمهم».

۲. غیبت نعمانی، ص ۲۵۹ - عن ابی بکر الحضری عن ابی جعفر الباقر علیه السلام انه سمعه

یقول: «لابد ان یملك بنو العباس، فاذا ملکوا و اختلفوا و تشتت أمرهم خرج علیهم الخراسانی و السفیانی هذا من المشرق و هذا من المغرب یتبقان الی الکوفة کفرسی رهان، هذا من ههنا و هذا من ههنا حتی یكون هلاکهم علی ایدیهم، أما انهما لا یبقون منهم احداً ابداً».

۲. همان‌گونه که در جلد اول اشاره شد، حکومت بنی‌عباس می‌تواند تعبیر دیگری از اتحادیه عرب در عصر حاضر باشد.
۳. با حرکت سفیانی و خراسانی، اتحادیه عرب فروپاشیده و دیگر حکومت عربی در سطح جهان نخواهیم دید.
۴. سفیانی به حکومت‌های عربی در شرق^۱ پایان می‌دهد و خراسانی نیز به حکومت‌های عربی در غرب^۲ پایان خواهد داد.
۵. البته با توجه به اختلافات موجود در کشورهای عربی، می‌توان پیش‌بینی کرد که به زودی اتحادیه عرب متلاشی شود و بقایای آن با ظهور سفیانی نیز نابود گردد.

وظیفه شیعیان در برابر قیام خراسانی

خراسانی در شرایط اضطراری و ناامنی قیام می‌کند. بسیاری از شیعیان با قیام وی به حرکت درآمده و به یاریش می‌شتابند. اما وظیفه ما شیعیان چیست؟ نکته مهمی که در مسأله خراسانی خودنمایی می‌کند این است که به دلیل معرفی اجمالی وی در روایات، برخی در تشخیص و شناسایی ایشان دچار اشتباه می‌شوند. آنها گمان می‌کنند حتماً باید به یاری خراسانی بشتابند. البته در برخی روایات این‌گونه ترسیم شده است.

ابوظفیل به نقل از امیرالمؤمنین علیه السلام می‌گوید:

«هرگاه شنیدید پرچم‌ها از جانب خراسان پیش می‌آیند، چنان‌چه در

۱. شامل کشورهای مصر، سودان، لیبی، اردن، سوریه، لبنان، فلسطین و... می‌شود.
۲. شامل کشورهای حاشیه خلیج فارس و عمان و امارات متحده عربی و کویت که توسط خراسانی و ایرانی‌ها منقرض خواهند شد.

صندوق قفل شده‌ای باشید، قفل و صندوق را شکسته تا در زیر آن پرچم مبارزه کنید. اگر نتوانستید (آنها را بشکنید) خود را بغلطانید تا در زیر آن پرچم بجنگید»^۱.

با توجه به حدیث فوق و احادیث دیگری شبیه این حدیث که حمایت و یاری نمودن خراسانی را الزامی دانسته‌اند، می‌توان چنین برداشت کرد که یاری نمودن خراسانی، لازم و فاصله گرفتن و دوری نمودن از ایشان حرام و ممنوع است. اگر این‌گونه برداشت کنیم و نتوانیم وی را درست شناسایی کنیم، طبیعی است که خسارت بسیاری وارد می‌آید. زیرا حتی کوتاهی در شناسایی و کمک کردن به وی گناه بزرگی خواهد بود.

ولی در واقع این‌گونه که تصور می‌شود نیست.

حضرت باقر علیه السلام فرمود:

«قیام سفیانی و یمانی و خراسانی در یک سال و یک ماه و یک روز خواهد بود. مانند دانه‌های تسبیح، به دنبال یکدیگر پیش می‌آیند. درگیری از هر طرف پیش می‌آید. وای بر کسی که به چنگ آنها بیافتد.

در میان این پرچم‌ها هیچ یک، از پرچم یمانی هدایت یافته‌تر نیست و آن همانا پرچم هدایت است، زیرا به سوی صاحب شما (حضرت مهدی علیه السلام) دعوت می‌کند. پس هرگاه یمانی قیام کرد، فروش اسلحه بر (مردم و) هر مسلمانی حرام می‌شود، و هرگاه یمانی حرکت کرد به

۱. کنز العمال، ج ۶، ص ۶۸ - عن ابی طفیل عن امیرالمؤمنین علی علیه السلام قال له: «یا عامر! اذا سمعت الرايات مقبله من خراسان فکنت فی صندوق مقفل عليك فاکسر ذلك القفل و ذلك الصندوق حتی تقتل تحتها فان لم تستطع فند حرج حتی تقتل تحتها».

سوی وی بشتابید، زیرا پرچمش پرچم هدایت بوده و برای هیچ مسلمانانی شایسته نیست که خود را از وی مخفی کند و هر کس این گونه عمل کرد از اهل آتش (کافر) خواهد بود زیرا وی (یمانی) به حق و راه مستقیم دعوت می‌کند.^۱

نکات مهم در این حدیث:

۱. سفیانی و خراسانی و یمانی در یک تاریخ در قلمرو اولیه خویش، حرکت خود را آغاز می‌کنند.

۲. هیچ کدام از پرچم‌ها، هدایت‌گرت‌تر از پرچم یمانی نیست.

۳. علت این هدایت یافتگی همانا دعوت به حضرت حجت علیه السلام و نادیده گرفتن خویش است.

۴. با حرکت یمانی، باید هر مسلمانانی به هر وسیله شده خود را به وی برسانند. چون دعوت به حق یعنی امام عیضه علیها السلام که همانا صراط مستقیم هستند، می‌کند.

۵. هر کس از وی (آگاهانه و به عمد) دوری‌گزیند، کافر بوده و از اهل آتش است. از جمله اهل آتش است، معلوم می‌گردد وی کافر می‌شود. زیرا جز کفار

۱. غیبت نعمانی، ص ۲۵۶ - عن ابی بصیر عن ابی جعفر علیه السلام انه قال: «خروج السفیانی و الیمانی و الخراسانی فی سنة واحدة و فی شهر واحد فی یوم واحد و نظام کنظام الخرز یتبع بعضه بعضاً فیکون البأس من کل وجه و یل لمن ناواهم. و لیس فی الرايات اهدی من رایة الیمانی هی رایة هدی لانه یدعو الی صاحبکم، فاذا خرج الیمانی حرم بیع السلاح علی [الناس و] کل مسلم و اذا خرج الیمانی فانھض الیه فان رأیته رایة هدی، ولا یحلّ لمسلم ان یتلوی علیه، فمن فعل فهو من اهل النار، لانه یدعوا الی الحق و الی طریق مستقیم».

کسی دیگر اهل (و جاودانه) در آتش نخواهد بود.

همان‌گونه که مشاهده می‌شود در این حدیث شریف مقام ویژه‌ای برای یمانی اعلام شده است. که حتی خراسانی نیز حائز آن نیست. تمام رمز مطلب در علتی است که در حدیث آمده است. یعنی «زیرا یمانی به سوی امام دعوت می‌کند».

شاید این جمله برای برخی مفهوم چندانی نداشته باشد ولی از آنجا که تمامی مردم جهان در حرکت و قیامشان خود را مقدم داشته و مردم را به پیروی و اطاعت از خویش دعوت می‌کنند تا حقی را اعاده نموده یا باطلی را دفع کنند، از این رو حرکت آنان به نام خویش و دعوت به پیروی از خویش است، حتی حرکت خراسانی.

اما یمانی این‌گونه نیست او هیچ امتیازی حتی درخواست فرمان‌برداری از خویش را ندارد، بلکه کاملاً مردم را به قیام برای خدمت به حضرت مهدی علیه السلام دعوت می‌کند و هدف واقعی وی نیز ریاست یا رهبری گروه خاصی نیست. بلکه فقط خود را در خدمت امام عصر علیه السلام می‌داند. در حالی که خراسانی این‌گونه نیست. هرچند خراسانی با حرکت سفیانی به طرف ایران و روشن‌ضمیری که پیدا می‌کند به این نتیجه می‌رسد که باید امام عصر علیه السلام ظهور کند تا مشکلات حل شود ولی هم‌چنان هدفش سرپرستی و اعمال قدرت بر نیروهای تحت فرمانش است. به همین دلیل به نوعی با چنین حرکتی دعوت به اطاعت از خویش می‌نماید. به همین دلیل است که امام باقر علیه السلام در حدیث فوق، یمانی را به دعوت به سوی امام مهدی علیه السلام نسبت می‌دهد ولی خراسانی را به این صفت، توصیف نمی‌کند در نتیجه مقامش نیز تنزل می‌یابد.

شاید به همین دلیل است که در روایت دیگر، حضرت باقر علیه السلام می فرماید اگر من وی (خراسانی) را درک کنم. موقعیت خودم را حفظ کرده (و خودم را به خطر نمی اندازم) تا در خدمت حضرت مهدی علیه السلام قرار گیرم.

حضرت باقر علیه السلام فرمود:

«من مردمی را می بینم که از مشرق قیام نموده اند. حق را می طلبند ولی به آنها داده نمی شود، سپس حق را می خواهند ولی به آنان داده نمی شود. وقتی این چنین می بینند، شمشیرهایشان را بر گردن می آویزند (مبارزه می کنند). در این هنگام حق درخواستی شان را می دهند ولی دیگر نمی پذیرند تا قیام نموده و آن را منتقل نمی کنند مگر به صاحب شما (حضرت مهدی علیه السلام)، کشته هایشان شهید هستند. بدانید اگر من در شرایط آنها باشم خودم را برای صاحب این امر (حضرت مهدی علیه السلام) حفظ خواهم کرد»^۱.

همان گونه که حضرت باقر علیه السلام می فرماید، حرکت خراسانی شایسته است. آنان که هدفشان رسیدن به خدمت حضرت مهدی علیه السلام است، چندان توجهی به حرکت خراسانی یا هر حرکت دیگری نکرده تا مبادا از حرکت حضرت صاحب الامر علیه السلام عقب بمانند.

از این استدلال حضرت، در مورد حرکت خراسانی چنین می توان نتیجه

۱. غیبت نعمانی، ص ۲۷۳ - عن ابی خالد الکابلی عن ابی جعفر علیه السلام انه قال: «کأنتی بقوم قد خرجوا بالمشرق یطلبون الحق فلا یعطونه، ثم یطلبونه فلا یعطونه، فاذا رأوا ذلك وضعوا سیوفهم علی عواتقهم فیعطون ما سألوه لا یقبلونه حتی یقوموا، ولا یدفعونها. الا الی صاحبکم، قتلاهم شهداء، أما انی لو أدركت ذلك لا ستبقيت نفسی لصاحب هذا الامر».

گرفت که حتی شناختن خراسانی یا یاری رساندن ایشان با این قصد یعنی قصد به خدمت امام عصر علیه السلام رسیدن اشکالی ندارد ولی با توجه به دو روایت گذشته، چنانچه کسی که از شناخت یا یاری خراسانی خودداری می‌کند، هدفش یاری رساندن به امام عصر علیه السلام نباشد عمل وی در یاری نکردن خراسانی جرم و حرام است.

همین وضعیت را در مورد یمانی نیز می‌توان پیش‌بینی کرد. یعنی یاری رساندن یمانی واجب و ضروری است (از خراسانی نیز ضروری‌تر و لازم‌تر است) ولی اگر کسی می‌خواهد به سوی امام علیه السلام حرکت کند، دیگر مشمول این تحریم نمی‌شود، بخصوص اگر بدانیم که هم‌زمان با حرکت خراسانی و یمانی، امام علیه السلام نیز در مدینه و سپس مکه حضور فیزیکی دارند^۱ و کسانی که می‌خواهند خود را به کمک ایشان برسانند طبیعی است که از یاری کردن خراسانی و یمانی باز بمانند.

اما شاید بپرسید چرا حضرت در خصوص پرچم‌های سیاه خراسانی که از ایران قیام می‌کنند، فرموده اگر من آن هنگام را درک کردم، خودم را برای یاری رساندن به حضرت مهدی علیه السلام حفظ می‌کنم ولی در مورد یمانی چنین چیزی فرموده‌اند؟

بسیار مطلب واضح است، زیرا خراسانی و نهضت وی که به وسیله شعب بن صالح رهبری و برنامه‌ریزی می‌شود مدت‌ها پیش از ظهور و آشکار شدن حضرت مهدی علیه السلام در مدینه آشکار می‌شود ولی نهضت یمانی هم‌زمان با حضور حضرت صاحب‌الامر علیه السلام در مدینه شروع می‌گردد، طبیعی است که موردی برای حفظ خویش تا ظهور آن حضرت باقی نماند در حالی که هنگام

۱. شرح ماجرا را در فصل بعد خواهیم آورد.

ظهور نهضت خراسانی که از ایران برمی‌خیزد، فرصت مدیدی تا حضور حضرت مهدی علیه السلام باقی مانده است و کسانی که می‌خواهند به یاری آن حضرت بشتابند طبیعی است که با درک بالاتری از یاران خراسانی، خود را درگیر ماجرا نمی‌کنند، تا بتوانند با خیالی راحت و آسوده در هنگامه ظهور حضرت مهدی علیه السلام شرکت جویند. همان‌گونه که اشاره کردیم نهضت شعیب بن صالح که به قیام خراسانی منجر می‌شود حدود پنج سال پیش از ظهور رسمی در ایران آشکار می‌شود و یاران مهدی علیه السلام هنگام قیام ایشان خود را از ماجرای خراسانی و شعیب بن صالح کنار کشیده و منتظر نشانه‌های قیام مهدی علیه السلام می‌مانند و با آشکار شدن نشانه‌های آن قیام سراسیمه و بدون توجه به قیام یمانی یا حمله سفیانی و یا ناامنی گسترده‌ای که در منطقه مستولی است، خود را به قبله آمال خویش یعنی خورشید فروزنده حیات و هستی، امام عصر علیه السلام می‌رسانند. آنان صفات متعددی دارند. بصیرت در دین و هوشمندی گسترده از مهم‌ترین خصوصیت آنان^۱ است که در طول جریان‌های پیش از ظهور خود را حفظ نموده، تا خود را به یاری پادشاه هستی یعنی حضرت بقیه الله الاعظم علیه السلام برسانند.

۱. این رفتار آنان نشانه هوش و بصیرت آنان و اعتقاد جازم آنها در امر ظهور امام عصر علیه السلام است. زیرا با وجودی که نهضت خراسانی یا یمانی را حق می‌دانند هوشمندانه جلوی احساسات و رفتار خود را می‌گیرند تا با صبر و تحمل و گذشت، زمان خود را به عرصه ظهور و خدمت آن حضرت علیه السلام برسانند. کسانی به این درجه از شعور و ایمان می‌رسند که فوق‌العاده بصیرت در دین داشته باشند. زیرا اکثریت افراد مؤمن با آغاز حرکت خراسانی به وی می‌پیوندند و به این وسیله از فیض درک آغاز ظهور در مکه محروم می‌شوند و طبیعی است جزء یاران خاص نیز قرار نمی‌گیرند.

حرکت یمانی

در روایات بسیاری قیام و حرکت یمانی و خراسانی و سفیانی را هم‌زمان^۱ اعلام کرده‌اند ولی از نظر تقدم و تأخر زمانی و هنگامه قیام آنان، می‌توان خراسانی و یمانی و سفیانی را در پیدایش و آشکار شدن به ترتیب دانست. یعنی در ابتدا خراسانی و نهضت وی در ایران آشکار شده، سپس یمانی در یمن و آن‌گاه سفیانی در شام مسلط می‌شوند.

عبید بن زراره گوید:

«نزد حضرت صادق علیه السلام نام سفیانی گفته شد. امام فرمود: کجا سفیانی قیام می‌کند، در حالی که هنوز شکننده (کورکننده) چشم وی از صنعاء قیام نکرده است»^۲

براساس روایت فوق یمانی پیش از سفیانی و از شهر صنعاء در یمن قیام خواهد نمود.

روایات در مورد یمانی بسیار اندک است. شاید چنین کمبود اطلاعات نسبت به یمانی به دلیل مخفی‌کاری و رازداری حرکت وی باشد و عده کمی از حرکت ایشان با خبر شده یا در مسیر حرکتی وی قرار گیرند. با توجه به روایات موجود در مورد یمانی و حرکت وی تا رسیدن به کوفه می‌توان موارد زیر را به دست آورد:

۱. یمانی پس از خراسانی و پیش از سفیانی حرکت خواهد کرد.

۱. غیبت نعمانی، ص ۲۵۵.

۲. غیبت نعمانی، ص ۲۷۷ - عن عبید بن زرارۃ قال: «ذکر عند ابی عبد الله علیه السلام السفیانی، فقال: ائی یخرج ذلك؟ و لما یخرج کاسر عینیه بصنعاء».

۲. یمانی با اجازه یا هماهنگی حضرت مهدی علیه السلام حرکت می‌کند. شاید تأکید بر یاری وی نیز به همین دلیل باشد.

۳. یمانی به سرعت خود را به کوفه می‌رساند. وی از شهر صنعاء در یمن قیام می‌کند. از آنجا که آغاز ظهور امام علیه السلام نیز در روایاتی از یمن آمده، شاید ظهور حضرت و حرکت یمنی ارتباط نزدیکی با یکدیگر داشته باشند.

۴. از آنجا که یمانی هم‌زمان با آشکار شدن حضرت مهدی علیه السلام در مدینه، حرکت خود را آغاز می‌کند، می‌بینیم که ایشان از کنار امام علیه السلام می‌گذرد و به سوی کوفه و نجف حمله‌ور می‌شود، در حالی که برای وی راحت‌تر این است که به خدمت حضرت ولی عصر علیه السلام برسد. اما چرا این کار را نمی‌کند؟ در حالی که می‌دانیم مدینه و مکه نیز در مسیر حرکتی وی یا حداقل نزدیک به آن است، زیرا یمانی از صنعاء به طرف کوفه حرکت می‌کند.

۵. شاید بتوان علت را در رابطه‌ی رازگونه بودن حرکت یمانی جستجو کرد. چون یمانی به گونه‌ای سرّی با حضرت هماهنگ است و برای پنهان نگه داشتن حرکت امام عصر علیه السلام، قیام و حرکت می‌کند و به گونه‌ای که یمانی با قیام خود افکار عمومی را به سوی خویش جلب می‌کند و امام عصر علیه السلام می‌تواند با آرامش و خفای بیشتری به حرکت خویش از مدینه به مکه و سپس قیام نهایی اقدام کند.

یعقوب بن سراج گوید:

«از حضرت صادق علیه السلام پرسیدم: رهایی شیعیان شما چه موقعی خواهد بود؟ فرمود: هنگامی که فرزندان عباس (حکومت بنی‌عباس) دچار اختلاف شدند و حکومتشان سست شد و کسانی که در

حکومتشان طمع نداشتند به طمع افتادند و اعراب عنان گسیخته شوند و هر صاحب اسلحه‌ای، اسلحه خود را بردارد و سفیانی آشکار شده و یمانی رو آورد و حسنی حرکت کند، (در آن هنگام) صاحب الامر علیه السلام از مدینه به سوی مکه به همراه میراث رسول اکرم صلی الله علیه و آله حرکت می‌کند...»^۱

نکات مهم حدیث:

۱. اختلاف فرزندان عباس اشاره به دولت عباسیان در آخرالزمان است که پیش‌تر و در جلد اول اشاره نمودیم که به احتمال بسیار همان اتحادیه عرب در عصر حاضر است.
۲. هرگاه اتحادیه عرب دچار اختلاف شدند و حکومت‌های عربی با هم درگیر شدند، حکومت همگی سست شده و بیگانگان از جمله امریکائیان و یهودیان و حتی کشورهای ضعیف‌تر در همسایگی اعراب به فکر تصرف یا بهره بردن از منابع اعراب می‌افتند.^۲
۳. اعراب عنان گسیخته می‌شوند، یعنی آنچه‌شان تحت فشار و تجاوز قرار

۱. روضه کافی، ص ۲۲۵ - عن یعقوب با السراج قال: «قلت لابی عبد الله علیه السلام: متى خرج شیعتکم؟ قال: اذا اختلف ولد العباس و هی سلطانهم و طمع فیهم من لم یکن یطمع و خلعت العرب أعتها و رفع کل ذی صیصیه صیصیه و ظهر السفیانی و الیمانی و تحرك الحسنى خرج صاحب هذا الامر من المدینه الی مکه بتراث رسول الله صلی الله علیه و آله...»

۲. شما در حمله به عراق مشاهده می‌کنید که اعتلاف امریکا و متحدانش بر علیه عراق چقدر مضحک بود. حتی کشورهای ضعیفی مثل کاستاریکا یا رومانی و لهستان نیز جزء اعتلاف بودند. پس از این با حمله به سوریه و لبنان، کشورهای ضعیف‌تر دیگری نیز به طمع بهره بردن از منابع کشورهای عربی می‌افتند.

می‌گیرند که گروه‌های مختلف عرب دست به شورش و طغیان می‌زنند و حملات تروریستی امروز حکایت از چنین عنان گسیختگی دارد. بخصوص وقتی در ادامه حدیث امام علیه السلام می‌فرماید هر کسی اسلحه دارد، اسلحه خویش را برای مبارزه برمی‌دارد. زیرا عملیات ترور و جنگ و خونریزی به دنبال یکدیگر تمامی اعراب را به چالش و درگیری می‌کشانند.^۱

۴. سفیانی به دنبال آشوب و درگیری شدید اعراب ظاهر می‌شود. همان‌گونه که در جلد اول اشاره شد، پس از جنگ سوم و چهارم و ایجاد خلاء قدرت در منطقه، سفیانی ظاهر می‌شود.

۵. با آشکار شدن سفیانی، یمانی که پیش‌تر آشکار شده است، به سوی او رو آورده و حمله‌ور می‌شود. آنگاه حسنی نیز در کشور ایران به جنبش و تکاپو می‌افتد.

۶. در همین حال و هم‌زمان با این تحرکات است که حضرت مهدی علیه السلام از مدینه به سوی مکه حرکت می‌کند.

حرکت خراسانی و شعیب بن صالح در ایران

خراسانی و شعیب بن صالح با حرکت خویش و جوئی که در اثر تهدیدات خارجی در ایران ایجاد می‌شود، تعدادی از مردم مناطق مختلف ایران به آنها می‌پیوندند.

مفضل به امام صادق علیه السلام گفت: پس از آن، سرورم چه اتفاقی می‌افتد؟
فرمود:

«سپس حسنی آن جوان خوش‌رو از دیلم قیام می‌کند. با صدایی که

۱. به زودی و با حمله به سوریه، اتحادیه عرب نیز متلاشی و چند پاره می‌شود.

متعلق به اوست فریاد می‌زند: ای آل محمد اجابت کنید این غمگین را. در حالی که فریاد زننده در اطراف ضریح است، گنج‌های طالقان او را اجابت می‌کنند، گنج‌هایی که از طلا و نقره نیستند بلکه مردانی مانند پاره‌های آهن می‌باشند. مانند این است که من آنها را می‌بینم در حالی که بر مرکب‌های تندرو و محکم سوار هستند و در دست‌هایشان اسلحه است. آنچنان علاقه به جنگ دارند که مانند گرگ‌ها هنگام حمله فریاد برمی‌آورند. فرمانده آنها مردی از تمیم است که به وی شعیب بن صالح می‌گویند. پس سید حسنی به سوی آنان می‌آید و صورتش مانند قرص ماه است. وی بر ظالمان حمله کرده و آنها را می‌کشد تا به کوفه وارد گردد»^۱.

نکات مهم در این حدیث:

۱. سید حسنی از دیلمان یا کرانه جنوبی دریای مازندران حرکت می‌کند.
۲. ممکن است این حسنی غیر از خراسانی باشد که از خراسان می‌آید.
۳. از خصوصیات ظاهری وی خوش‌چهره بودن است.
۴. پیام و ندای وی دعوت به حضرت مهدی علیه السلام است. اما در حدیث نکته‌ای وجود دارد که شاید مراد و منظور سید حسنی از جمله «اجابت کنید آن شخص

۱. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۵۵ - قال المفضل (للامام الصادق علیه السلام): «ثم يكون ماذا يا سیدی: فقال علیه السلام: ثم يخرج الحسنی الصبیح الذی من نحو الدیلم فیصیح بصوت له فصیح - یا آل محمد اجیبوا الملهوف و المنادی حول الضریح فتجیبه کنوز الله بالطالقان، کنوز لا من ذهب و لا من فضة بل رجال کزیر الحدید، لکانی انظر الیهم علی البرازین الشهب بایدیهم الحراب یتعاون شوقاً الی الحرب کما تتعاون الذئاب، امیرهم رجل من تمیم یقال له شعیب بن صالح. فیقبل الحسنی فیهم و وجهه کدائرة القمر فیأتی علی الظمة فیقتلهم حتی یرد الکوفه».

غمگین و نداکننده‌ای که از اطراف ضریح فریاد می‌زند» امام عصر علیه السلام نباشد بلکه شخص دیگری (شاید سید خراسانی) باشد. در این صورت ما با دو شخصیت معنوی در نهضت شعیب بن صالح مواجه هستیم، یکی خراسانی و دیگری سید حسنی.

۵. از دعوت سید حسنی مبنی بر یاری رساندن به سید خراسانی غمگین که در کنار ضریح فریاد کمک می‌زند، متوجه می‌شویم که سید خراسانی یعنی همان سید حسینی مذکور در روایات دیگر می‌باشد که در اثر تضعیف شدن چهره و جایگاهش در ایران به ضریح پناه می‌برد. اما این ضریح چیست و در کجا قرار دارد؟

۶. ممکن است این ضریح، ضریح پناه دهندة ملت ایران یعنی حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام باشد. ایشان در اثر بی‌پناهی و تنهایی به حرم پناه می‌برد و سید حسنی از شمال ایران به سوی او دعوت می‌کند و ممکن است ایشان خودشان چنین دعوتی را اعلام کنند.

۷. گنج‌های طالقان، عبارت از نیروهایی است که از طالقان، سید حسنی را اجابت می‌کنند. شاید منظور از طالقان، صرفاً منطقه طالقان از توابع قزوین نباشد بلکه به طور کلی منطقه قزوین و ری و تهران مراد باشد که در این صورت تمامی این منطقه در دفاع از سید حسنی و به دنبال آن سید خراسانی قیام می‌کنند.

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در خطبه ملاحم می‌فرماید:

«حسنی، سرپرست طبرستان (مازندران) با تعداد بسیاری سواره و پیاده حرکت می‌کند تا به نیشابور می‌رسد، آنجا را تصرف می‌کند و اموال آن را تقسیم کرده و سپس به اصفهان آن‌گاه به قم می‌آید.

میان وی با مردم قم درگیری بزرگی پیش می‌آید که مردم بسیاری کشته می‌شوند. مردم قم فرار کرده و در نتیجه حسنی اموال آنان را تصرف کرده و خانواده‌ها و زنان آنها را اسیر و خانه‌هایشان را خراب می‌کند. مردم قم به کوهی به نام وراردهار پناه می‌برند. حسنی چهل روز در شهر قم اقامت می‌کند و بیست نفر مرد را کشته و دو نفر مرد را به دار می‌آویزد و آن‌گاه از آن شهر کوچ می‌کند.^۱

نکات مهم این حدیث:

۱. اگر بپذیریم سید حسنی غیر از سید حسینی یا خراسانی است، با رفتارهایی که از خود نشان می‌دهد، با مردم ایران و افکارشان برخورد نسبتاً تندی خواهد داشت.
۲. ایشان در ابتدا خراسان را پاکسازی می‌کند و سپس به اصفهان می‌آید.
۳. آمدن وی به اصفهان و سپس رفتن به قم، نشان می‌دهد که ایشان از مسیر تهران و قم به سوی اصفهان نرفته بلکه از مسیر طبرستان و یزد به اصفهان و بعد از اصفهان به سوی قم می‌آید.
۴. با مردم قم به شدت برخورد می‌کند. اگر این‌گونه روایات^۲ را مربوط به

۱. بحارالانوار، ج ۵۳، ص - قال امیرالمؤمنین علی علیه السلام فی خطبة الملاحم التي خطب بها بعد وقعة الجمل بالبصرة: «يخرج الحسنی صاحب طبرستان مع جم كثير من خيله و رجله حتى یأتی نيسابور فيفتحها و يقسم اموالها ثم یأتی اصفهان ثم الى قم فيقع بينه و بين اهل قم وقعة عظيمة يقتل فيها خلق كثير فينهزم اهل قم فينهب الحسنی اموالهم و يسبي ذراريهم و نسائهم و يخرب دورهم فيفرع اهل قم الى جبل يقال له وراردهار فيقيم الحسنی ببلدهم اربعين يوماً و يقتل منهم عشرين رجلاً و يصلب منهم رجلين و يرحل عنهم».

۲. روایات مربوط به برخورد سپاه حسنی یا خراسانی با مردم ایران و قم در آغاز حرکت خویش.

- آینده بدانیم، در این صورت باید علت چنین رفتاری را حدس بزنیم.
۵. چرا سید حسنی بخصوص با مردم قم با این شدت برخورد می‌کند و سپس مردم اصفهان و خراسان (نیشابور)؟
۶. این نوع برخورد به رفتار خاص و افکار عمومی در شهر قم مربوط می‌شود، که به دلیل همان عکس‌العمل سید حسنی، قابل گفتن نیست، تا ایشان خودشان در سطح عموم مطرح کنند.
۷. از آنجا که در هیچ شهری اقامت دائم نمی‌کند، پیداست که هدفش کسب قدرت نیست بلکه به سوی عراق حرکت می‌کند.

مبارزه خراسانی با سفیانی

حوادث ظهور خراسانی و حرکت وی ابهامات بسیاری دارد. شاید علت آن پیچیدگی اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران باشد که هر اظهار نظر قطعی را مشکل می‌سازد. بهترین روش در یافتن سرنوشت درست، پیروی از توصیه‌های اهل بیت علیهم‌السلام بخصوص سفارش حضرت ولی عصر علیه‌السلام در توقیعی که به نام شیخ مفید صادر شده است، می‌باشد که در آن ما را به پیروی از تقیه و حفظ آرامش دعوت نموده است.^۱

با توجه به الزامی نبودن حمایت از خراسانی و حفظ جان و منافع خویش جهت همگامی با ظهور حضرت ولی عصر علیه‌السلام می‌توان کنار نشستن از نهضت خراسانی را یکی دیگر از عوامل مبهم بودن ماجرای خراسانی دانست.

اگر حمایت و امداد خراسانی الزامی بود در این صورت شخصیت و رفتار

۱. سپیده دم ظهور، جلد ۱، ص ۱۰۰؛ احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۳۲۳.

وی کاملاً روشن می‌شد، مانند آنچه در مورد سفیانی ارائه شده است، اما به دلیل آسان بودن مسأله خراسانی و عدم لزوم و اجبار در مساعدت وی، حوادث اطراف ظهور ایشان و شعیب بن صالح چندان روشن و آشکار نیست.

البته این‌گونه پنهان شدن اطلاعات، ضروری به اصحاب واقعی حضرت مهدی علیه السلام نمی‌زند. زیرا همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد آنان جان و مال خویش را برای روز ظهور و رسیدن به خدمت حضرت علیه السلام حفظ می‌کنند و دیگر نیازی به همکاری یا عکس‌العمل خاصی نسبت به خراسانی و جریان حرکتی وی نمی‌بینند. به همین جهت ما در مورد مغزقی خراسانی و شعیب بن صالح به همین مقدار بسنده می‌کنیم.

به هر حال با وارد شدن سفیانی به کوفه و کشتار شیعیان، خراسانی و سپاهیان‌ش نیز به سوی کوفه حمله‌ور می‌شوند.^۱

اما شاید علت اصلی حمله آنان به سپاهیان سفیانی فقط تصرف عراق و کشتار شیعیان کوفه نباشد بلکه علت اصلی آن تجاوز بخشی از سپاهیان سفیانی به ایران باشد.^۲ حال سپاه سفیانی تا چه مقدار وارد ایران می‌شوند کاملاً مشخص نیست. البته در برخی روایات نبرد سفیانی و خراسانی را در منطقه و بیابان اصطخر و دروازه اصطخر^۳ بیان کرده‌اند که در این صورت ممکن است این درگیری در محدوده لرستان تا خوزستان واقع شود که این استان‌ها دروازه‌های ورود به فارس و اصطخر (تخت جمشید فارس) هستند.

۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۲ و ۲۳۷.

۲. کنز العمال، ج ۶، ص ۶۷.

۳. عقد الدرر، ص ۱۲۷؛ حرف الوری، ج ۲، ص ۶۹.

به هر ترتیب سپاه خراسانی با جمع کردن نیرو و ایجاد اتحاد میان مردم ایران، در مقابل سپاه سفیانی ایستاده و از پیشروی وی در ایران جلوگیری می‌نمایند و آنگاه هم‌زمان با قیام مردم در طلب حضرت مهدی علیه السلام و اعلام عمومی مبنی بر درخواست ظهور، سپاهیان سفیانی رو به هزیمت می‌گذارند و سپاهیان خراسانی نیز به دنبال آنان وارد کوفه شده و شیعیان عراق را از چنگال سپاه سفیانی آزاد می‌سازند.^۱

همان‌گونه که اشاره شد حمله سپاه سفیانی به ایران حدود ماه شوال خواهد بود و مبارزات خراسانی و سپاه وی علیه سپاه سفیانی در همین مدت و تا فاصله ماه محرم که آغاز زمان ظهور رسمی است، واقع می‌شود.

به این ترتیب وقتی خراسانی در کوفه و عراق مستقر می‌شود، تقریباً مقارن با زمان ظهور رسمی خواهد بود. از این جهت با ظهور حضرت علیه السلام در مکه، تعدادی از نیروهای خراسانی به سوی حضرت مهدی علیه السلام می‌شتابند.

حضرت باقر علیه السلام فرمود:

«پرچم‌های سیاه که از خراسان قیام کرده‌اند در کوفه مستقر می‌شوند و زمانی که مهدی علیه السلام آشکار شد، برای بیعت به سوی وی می‌روند».^۲

البته پس از حضور حضرت مهدی علیه السلام در کوفه ملاقات و برخوردی میان حضرت علیه السلام و حسنی واقع می‌شود که در جای خودش بررسی خواهد شد.

۱. جهان در آینده، ص ۱۶۷.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۷ - عن ابی جعفر علیه السلام قال: «تنزل الرايات السود التي تخرج من خراسان الى الكوفة فاذا ظهر المهدي بعث اليه بالبيعة».

فصل پنجم:

تئوری ظهور

براساس تئوری ظهور، هر زمان که امام عصر علیه السلام ظهور کند، همانند غیبت^۱ ایشان دارای سه مرحله است، همانند طلوع خورشید، همان گونه که در روایات ظهور را به طلوع خورشید تشبیه کرده‌اند.

کاهلی گوید: از حضرت صادق علیه السلام پرسیدم:

«ظهور حضرت مهدی علیه السلام چه موقعی خواهد بود؟ فرمود: هنگامی که

امام خود را از دست دادید همواره این چنین (سرگردان) خواهید بود تا

ایشان بر شما طلوع کند، همان گونه که خورشید طلوع می‌کند...»^۲

به این ترتیب می‌بینیم که ظهور حضرت مهدی علیه السلام را به طلوع خورشید

تشبیه نموده‌اند. از این تشابه می‌توان مراحل مختلف ظهور را تشخیص داد.

مراحل طلوع خورشید عبارتند از:

۱. غیبت امام عصر علیه السلام سه مرحله داشت: مرحله اول: آمادگی برای غیبت؛ مرحله دوم:

غیبت صغری؛ مرحله سوم: غیبت اصلی یا غیبت کبری، همانند غروب خورشید که

سه مرحله دارد، مرحله اول: ضعیف شدن نور خورشید؛ مرحله دوم: پنهان شدن

قرص خورشید همراه با روشنایی افق؛ مرحله سوم: تاریکی و ظلمت فراگیر.

۲. غیبت نعمانی، ص ۱۵۱ - عن الكاهلی عن ابی عبد الله علیه السلام: «فقلت: و انی یكون ذلك؟

فقال: عند فقدكم امامکم فلا تزالون كذلك حتی یطلع علیکم كما تطلع الشمس...»

مرحله اول: روشنایی افق؛ مرحله دوم: برآمدن و ظهور قرص خورشید بدون گزندگی و خیره کنندگی نور؛ مرحله سوم: بالا آمدن در افق و خیرگی چشم‌ها.

ظهور امام عصر علیه السلام نیز دارای سه مرحله است:

مرحله اول: ظهور نام آن حضرت و گسترش روز افزون نام ایشان.

مرحله دوم: برآمدن قرص خورشید امامت از افق غیبت بدون این‌که همگان متوجه این ظهور شوند.

مرحله سوم: ظهور رسمی از مکه و خلع سلاح شدن مردم در برابر حضرت علیه السلام که دیگر قدرت رقابت را با آن حضرت نخواهند داشت. این سه مرحله را به طور تلویحی در روایات مشاهده می‌کنیم.

مرحله اول: ظهور نام

همان‌گونه که در گذشته اشاره شد پیش از ظهور رسمی امام علیه السلام و پس از یک دوره طولانی که از فراموش شدن نام ایشان می‌گذرد، در ابتدا نام آن حضرت در سطح جهان و بر زبان دوستان و دشمنانش گسترش می‌یابد و هر مقدار که به ظهور نزدیک می‌شویم این ظهور نام گسترش می‌یابد.

مهم‌ترین حادثه‌ای که در جهت تسریع چنین ظهوری مؤثر بوده است، ظهور انقلاب ایران می‌باشد، به گونه‌ای که انقلاب ایران، حتی مسیحیان و یهودیان افراطی را که در جهت ظهور موعود مذهب خویش یعنی «مسیح موعود» تلاش می‌کنند به تکاپو انداخت. بی‌جهت نیست وقتی می‌بینیم در برخی روایات، ظهور امام علیه السلام را از شرق یا ایران می‌دانند. در واقع ظهور نام آن حضرت و ظهور

صغری است که از منطقه شرق یا ایران واقع می‌شود. آثار مختلفی پیرامون نزدیکی ظهور نوشته شده و نوشته خواهد شد و هر روز ازدحام مردم جهان بخصوص ایران در مراکز مذهبی جهت یادآوری نام و یاد مهدی علیه السلام گسترش می‌یابد.

به این ترتیب می‌توان پیش‌بینی کرد که به زودی راهپیمایی‌ها و تظاهرات خیابانی گسترده‌ای جهت طلب و دعا برای ظهور حضرت مهدی علیه السلام پدیدار شود و عموم مسلمانان بخصوص ایرانیان در آرزوی ظهور حضرتش متحد و یکصدا شوند.

سال ۲۰۱۲ تحول عظیم در جهان

تاکنون بر اساس روایات و منابع اسلامی در مورد حوادث و نشانه‌های ظهور امام علیه السلام گفت‌وگو کرده‌ایم، اما در جهان غیر اسلام نیز شواهد و مطالب بسیاری وجود دارد که بیان‌گر پایان تاریخ ظلم و ستم و این بخش از تاریخ جهان است. از جمله شواهد مذکور و از همه جالب‌تر پیش‌بینی‌هایی است که بر اساس دو نوع تقویم جداگانه «مایاها»^۱ و «آی چینگ»^۲ صورت گرفته است که هر کدام متعلق به چند هزار سال پیش می‌باشد.

مایاها اقوام بومی آمریکای لاتین و کشور پرو هستند. بر اساس اعتقادات و تقویم آنان روز ۲۱ دسامبر سال ۲۰۱۲ پایان جهان و تاریخ معاصر است. جالب این که تقویم «آی چینگ» نیز که متعلق به کشور چین باستان است،

1. Mayans Calender

2. I Ching Calender

سال ۲۰۱۲ را به عنوان پایان تاریخ معاصر قلمداد می‌کند.
۲۱ دسامبر مصادف با اول دی ماه می‌باشد که در سال ۲۰۱۲ این روز
حدوداً مصادف با روز جمعه اول دی ماه و محرم سال ۱۳۹۱ می‌باشد. هرچند
نمی‌توان به پیش‌بینی‌های چنین منابعی اعتماد کامل داشت ولی با توجه به
تقارن دو تقویم جداگانه فوق با پیش‌بینی‌هایی که در جلد اول این کتاب اشاره
شد مبنی بر این که تا حدود هفت سال دیگر یعنی سال ۱۳۹۱ شاهد تحولات
عظیمی در صحنه جهان و منطقه و وقوع جنگ سوم و چهارم خواهیم بود،
قابل توجه می‌باشد. امیدواریم که عصر حاضر شاهد برپایی نظام عدل حضرت
مهدی علیه السلام در سطح جهان باشیم.^۱

۱. برای آگاهی بیشتر در مورد دو تقویم فوق به این سایت مراجعه فرمائید:



بخش سوم

ظهور حضرت مهدی علیه السلام

همان‌گونه که در گذشته اشاره شد، ظهور امام عصر علیه السلام دارای سه مرحله است:

مرحله اول: ظهور نام حضرت

مرحله دوم: ظهور غیر رسمی

مرحله سوم: ظهور رسمی

مرحله اول را در بخش پیش توضیح دادیم.

مرحله دوم شامل ظهور ابتدایی حضرت ولی عصر علیه السلام و استقرار در مدینه و

سپس حرکت ایشان به سوی مکه و حوادث بعدی تا ظهور رسمی می‌باشد.

فصل اول:

آغاز آشکار شدن

روایاتی مشخص و واضح پیرامون این مرحله در دست نیست. تنها یک روایت در این مورد آمده است:

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید:

«به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم گفتم: وضعیت وی (مهدی علیه السلام) هنگام غیبتش چگونه است؟ فرمود: صبر می کند تا خداوند اجازه قیام دهد، آن گاه از یمن از روستایی به نام کرعة خروج خواهد نمود...»^۱

براساس این روایت، امام عصر علیه السلام در ابتدا از یمن از روستایی به نام کرعة آشکار می شود. با توجه به حضور و قیام یمانی از صنعای یمن، این احتمال وجود دارد که امام عصر علیه السلام با هماهنگی یمانی حرکت خویش را آغاز می کند. همان گونه که در روایات مشخص شده است، خروج یمانی پیش از سفیانی خواهد بود.

۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۰ - قال امیرالمؤمنین علیه السلام فقلت: «یا رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فما یكون [حاله] عند غیبتہ؟ قال: یصبر حتی یأذن الله له بالخروج، فیخرج [من الیمن] من قریة یقال لها کرعة...»

عبید بن زرارة گوید:

«در نزد حضرت صادق علیه السلام نام سفیانی مطرح شد. امام علیه السلام فرمودند: او کجا قیام خواهد کرد در حالی که هنوز نابینا کننده وی از صنعاء خروج نکرده است»^۱.

با توجه به این که سفیانی در ماه رجب قیام می کند و در ماه محرم، ظهور رسمی واقع می شود، می توان چنین نتیجه گرفت که یمانی پیش از ماه رجب یعنی پیش از هفت ماه از ظهور رسمی به سوی کوفه، محل استقرار نیروهای سفیانی حرکت می کند و حضرت مهدی علیه السلام نیز همان موقع از یمن آشکار می گردد و ناشناس به مدینه می آید.

سفیانی بلافاصله پس از استقرار در دمشق دو سپاه تدارک می بیند که یکی به سوی عراق و دیگری به سوی مدینه و مکه رهسپار می شوند.

هدف سپاهی که به سوی مدینه و مکه حمله می کند، علاوه بر تخریب آنجا، دستگیری امام عصر علیه السلام است. در نتیجه امام به طور مخفی از مدینه فرار کرده و به سوی مکه رهسپار می شود. اما سپاه سفیانی همچنان به تعقیب آن حضرت ادامه می دهد.

بنابراین می توان نتیجه گرفت که امام عصر علیه السلام پیش از حرکت سپاه سفیانی در مدینه حضور فیزیکی داشته اند. هرچند به احتمال زیاد کسی جز یاران خاص ایشان از نام و خصوصیات واقعی ایشان اطلاعی ندارد ولی جامعه و سپاه سفیانی ایشان را به عنوان یک فرد انقلابی و ضد حکومت می شناسد. در نتیجه

۱. غیبت نعمانی، ص ۲۷۷ - عن عبید بن زرارة قال: «ذکر عند ابی عبدالله علیه السلام السفیانی فقال: انی ینخرج ذلک؟ و لما ینخرج کاسر عینیه بصنعاء».

در صدد مقابله با آن حضرت علیه السلام برمی آیند.

اگر ظهور اولیه امام علیه السلام را پیش از هفت یا هشت ماه از ظهور رسمی بدانیم در این صورت با ظهور و حرکت یمانی از صنعا^۱ نیز مطابق خواهد بود. به هر شکل این احتمال^۲ هر چند در روایات مطرح نشده ولی با توجه به مجموع روایات و حوادث مقارن یکدیگر، این احتمال قوت می یابد و سکوت روایات شاید دلایل امنیتی و پوششی برای حرکت حضرت مهدی علیه السلام داشته باشد.

استقرار در مدینه

هیچ مدرک و سندی مبنی بر آغاز حضور امام عصر علیه السلام در مدینه مشاهده نشده است. اما آنچه تقریباً قطعی به نظر می رسد، حضور امام عصر علیه السلام به مدت هشت تا دوازده ماه در مدینه پیش از ظهور رسمی ایشان در مکه است.

حضرت سجاد علیه السلام می فرماید:

«هرگاه سفیانی آشکار شد، مهدی علیه السلام مخفی می گردد»^۳.

می دانیم که سفیانی حتماً در ماه رجب قیام می کند.

حضرت صادق علیه السلام فرمود:

«وجود سفیانی حتمی است و وی قیام نمی کند مگر در ماه

رجب...»^۴.

۱. حدود هشت ماه قبل از ظهور رسمی.

۲. احتمال هماهنگی حرکت اولیه امام علیه السلام با یمانی.

۳. غیبت شیخ طوسی، ص ۴۴۴ - قال علی بن الحسین علیه السلام: «فاذا ظهر السفیانی اختفی المهدی ثم ینخرج بعد ذلك».

۴. غیبت نعمانی، ص ۳۰۲ - قال: «السفیانی لا ید منه و لا ینخرج الا فی رجب...».

با توجه به دو حدیث فوق نتیجه می‌گیریم که امام عصر علیه السلام پیش از ظهور سفیانی، در مدینه حضور فیزیکی و فعالیت داشته‌اند به گونه‌ای که هرگاه سفیانی قیام می‌کند، حضرت مهدی علیه السلام مخفی می‌گردد. این مطلب چند نتیجه مهم به همراه دارد:

۱. حضرت مهدی علیه السلام پیش از سفیانی در مدینه حضور دارند.
 ۲. حضرت مهدی علیه السلام با فعالیت‌های خود برای مردم شناخته شده هستند، زیرا دلیلی ندارد که امام علیه السلام با قیام سفیانی پنهان شود. ایشان پنهان می‌شوند چون می‌دانند سفیانی نیروهایش را به دنبال وی خواهد فرستاد. البته ایشان هرچند به نام «مهدی» علیه السلام فعالیت نمی‌کند ولی برای مردم مدینه یا سفیانی شناخته شده است.
 ۳. پنهان شدن امام علیه السلام این نکته را برای ما روشن می‌کند که امام عصر علیه السلام از زمان آشکار شدن می‌بایست با ابزار و امکانات ظاهری خود را پنهان سازد و به دلیل پایان یافتن عصر غیبت، ایشان با امکانات موجود و ظاهری عمل می‌کند.
- امام عصر علیه السلام در فاصله قیام سفیانی و ارسال سپاه به سوی مدینه، به صورت مخفی و پنهانی فعالیت خویش را ادامه می‌دهد. اصحاب براساس میزان اخلاص و توجه و آگاهی خویش نسبت به نزدیک بودن ظهور به سوی امام علیه السلام حرکت می‌کنند. طبیعی است که این حرکت در آغاز به سوی مدینه خواهد بود. دوست‌داران حضرت علیه السلام که مشتاق جان‌فشانی در رکاب ایشان هستند، از هیاهوی منطقه از قبیل حمله سفیانی به عراق و ایران و حرکت یمانی و خراسانی به سوی کوفه، دست کشیده و فکر خود را بر رسیدن به خدمت امام

عصر علیه السلام متمرکز می‌کنند.

حضرت صادق علیه السلام فرمود:

«... سوگند به خداوند، صاحب شما کسی نیست جز آن که (اصحابش) به گردش جمع می‌شوند. هرگاه ماه رجب شد به نام خداوند (به سوی مهدی علیه السلام) حرکت کنید و اگر دوست داشتید تا شعبان تأخیر اندازید عیبی ندارد و اگر دوست داشتید میان خانواده‌تان روزه بگیرید، برای ما بهتر باشد. (اما) سفیانی به عنوان نشانه (حرکت به سوی ما) برای شما کافی است»^۱.

نکات مهم حدیث فوق:

۱. وظیفه اصلی شیعیان خالص حرکت به سوی امام علیه السلام است.
۲. این حرکت می‌تواند از ماه رجب یعنی ماهی که سفیانی قیام می‌کند، باشد. در این صورت پیش از هفت ماه تا ظهور رسمی، پیش‌قراولان اصحاب، خود را به امام علیه السلام که در مدینه مستقر است، می‌رسانند.
۳. با تأخیر می‌توان تا ماه شوال نیز صبر کرد اما با سپری شدن ماه شوال، ماه ذی‌قعدة یعنی یک ماه پیش از مراسم حج تنها فرصت باقی مانده برای کسانی است که می‌خواهند درک فیض آغاز ظهور رسمی را داشته باشند.
۴. طبیعی است کسانی که در نزدیکی ظهور می‌خواهند به خدمت امام علیه السلام

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۲؛ شرح اصول کافی، صالح مازندرانی، ج ۱۲، ص ۲۶۵ - احمد بن الحسین قال: سمعت ابا عبد الله علیه السلام يقول: «... فوالله ما صاحبکم الا من اجتمعوا علیه، اذا کان رجب فأقبلوا علی اسم الله عزوجل و ان احببتم ان تتأخروا الی شعبان فلا ضیر، و ان احببتم ان تصوموا فی اهلکم فلعل ذلك ان یکون أقوى لکم، و کفاکم بالسفیانی علامة».

برسند می‌بایست در مکه خود را به امام علیه السلام برسانند.

۵. مهم‌ترین علامت برای حرکت به سوی امام علیه السلام ظهور و قیام سفیانی می‌باشد و دیگر علائم نسبت به علامت ظهور سفیانی چندان مورد توجه نیستند، زیرا با ظهور سفیانی ما باید متوجه باشیم که هم‌زمان، امام عصر علیه السلام در مدینه حضور دارند.

حوادث مدینه پیش از حمله سفیانی

در زمانی که امام عصر علیه السلام در مدینه مستقر می‌گردد، مرگ ملک عبدالله حوادث را به تشنج و ناآرامی شدید می‌کشاند.
ام سلمه گوید:

«هنگام مرگ خلیفه، اختلاف آشکار می‌شود. مردی از اهالی مدینه به سوی مکه فرار می‌کند. عده‌ای از اهل مکه نزد وی رفته و ایشان را با اکراه خارج می‌کنند و میان رکن و مقام با وی بیعت می‌کنند».^۱
نکته‌ای که در این روایت مورد نظر است، مسأله مرگ خلیفه است. با مرگ خلیفه در عربستان درگیری و تشنج بالا می‌گیرد. شاید یکی از علل پنهانی عجله سفیانی برای حمله به عربستان و مدینه نیز همین تشنجات و خلاء قدرت در عربستان باشد. این خلیفه در جایی دیگر کاملاً معرفی شده است و او احتمالاً کسی نیست جز ملک عبدالله که آخرین پادشاه عربستان خواهد بود و با مرگ وی، ظهور حضرت مهدی علیه السلام نیز قطعی می‌گردد.^۲

۱. عقد الدرر، ص ۱۰۳ - عن ام سلمة زوج النبي صلى الله عليه وآله قال: «بكون اختلاف عند موت خليفة فيخرج رجل من اهل المدينة هارباً الى مكة، فيأتيه ناس من اهل مكة فيخرجونه و هو كاره، فيبايعونه بين الركن و المقام».

۲. غیبت طوسی، ص ۴۴۷.

بخش سوم / فصل اول: آغاز آشکار شدن ۱۰۹

به این ترتیب با مرگ ملک عبدالله که اکنون ولیعهد عربستان است، بشارت قطعی ظهور داده خواهد شد و پس از تشنجات موجود در عربستان و حمله سفیانی به مدینه، امام علیه السلام به سوی مکه حرکت می‌کند.

حضرت صادق علیه السلام فرمود:

«زمانی که مردم در موقف عرفات وقوف دارند، ناگهان سواری بر شتری سریع آمده و خبر مرگ خلیفه را به مردم می‌دهد. هنگام مرگ او، نجات آل محمد علیهم السلام و تمامی مردم خواهد رسید»^۱.

به این ترتیب می‌توان زمان مرگ ملک عبدالله را در حدود ایام ذی‌حجه یعنی ده روز اول ماه ذی‌حجه دانست که مردم در عرفات وقوف دارند، و طبیعی است در این زمان حضرت مهدی علیه السلام در مکه و شاید در همان بیابان عرفات باشند و اصحاب نیز گرداگرد آن حضرت قرار دارند، بدون آن‌که جلب توجه کسی نمایند.

حوادث سال ظهور

از آنجا که هدف ما در این کتاب بررسی علائم و نشانه‌های خاص ظهور حضرت ولی عصر علیه السلام بوده است، و به دلیل حجم زیاد علائم و نشانه‌های عمومی، از پرداختن به این نوع نشانه‌ها خودداری کردیم. اما به دلیل اهمیت نشانه‌های عمومی در دو سال منتهی به ظهور در این فصل تعدادی از این نشانه‌ها را بررسی می‌کنیم. در واقع این نشانه‌ها هرچند در ادامه همان

۱. غیبت نعمانی، ص ۲۶۷؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۴۰ - عن ابی بصیر عن ابی عبدالله علیه السلام انه قال: «بینا الناس وقوفاً بعرفات اذا اتاهم راكب علی ناقة ذعلبة یخبرهم بموت خلیفة، عند موته فرج آل محمد علیهم السلام و فرج الناس جميعاً».

نشانه‌های عمومی قبلی است ولی برجسته‌تر و واضح‌تر از آن نشانه‌ها واقع خواهد شد.

گسترش زلزله و طوفان

زلزله‌ها و طوفان‌های سهمگین که موجب وحشت و تلفات گسترده می‌گردد، پیش از سال ظهور نیز واقع می‌شود، ولی در سال‌های منتهی به ظهور بر شدت و گستره این زلزله‌ها و طوفان‌ها افزوده می‌گردد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«ظهور واقع نخواهد شد، مگر موقعی که طوفانی برپا شود و مردم را به دریا افکند»^۱.

زلزله‌هایی که واقع شد در واقع نتیجه اعمال مردم است و جالب این است که مردم برای تبرئه خود، زلزله‌ها را به طبیعت و خشم آن نسبت می‌دهند. زهی تأسف، کسانی که معتقدند بدون اراده الهی برگگی از درخت نمی‌افتد و آن را در قرآن همیشه می‌خوانند ولی وقتی به مسأله مهمی همچون زلزله و تلفات صدها هزار نفری آن می‌رسند می‌گویند خشم طبیعت است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«هرگاه در میان شما پنج رفتار ظاهر شد، با پنج بلاء مورد حمله قرار می‌گیرید (عذاب می‌شوید): هرگاه ربا خوردید، به زلزله مبتلا می‌شوید و اگر زنا میان شما (مسلمانان) آشکار شد به مرگ (ناگهانی) دچار می‌شوید و اگر حاکمان شما ظلم کردند، حیوانات شما (با امراض

۱. نوائب الدهور، ج ۱، ص ۲۱۴ - قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «لا تقوم الساعة حتى يخرج ریح یلقى الناس فی البحر».

و دلایل مختلف) نابود و منقرض می‌شوند و اگر اهل دین (مسلمانان) به همدیگر ظلم کردند شوکت و دولتشان از میان می‌رود و اگر سنت (حق) را رها کردید بدعت آشکار (جایگزین آن) می‌شود»^۱.

طبیعی است که این مجازات‌ها در انتظار همه انسان‌ها بخصوص ما مسلمانان و بالاخص شیعیان خواهد بود. در حدیث فوق ارتباط مستقیمی میان ربا و زلزله و زنا با مرگ‌های ناگهانی ذکر شده است.

نکات مهم حدیث:

۱. از آنجا هدف که از ربا توسعه اقتصادی و ایجاد عمران و آبادی در کشورها و بنگاه‌های اقتصادی است، خداوند علیه نیت مردم همان هدف را از میان برمی‌دارد یعنی زلزله را می‌فرستد تا اهداف عمران و آبادی را از میان بردارد و تخریب عمومی ایجاد می‌کند.

۲. هدف از زنا، لذت و زندگی راحت‌تر و مطلوب‌تر است. خداوند زندگی را هدف قرار می‌دهد و مرگ را می‌فرستد تا افراد از زنا لذت نبرند. بخصوص وقتی می‌بینیم روابط جنسی منجر به گسترش ایدز شده و مرگ نتیجه اصلی آن خواهد بود، و مرگ‌های مختلف از قبیل سرطان، حمله‌های قلبی و مغزی و بیماری قند و فشارخون و تصادفات رانندگی و تلفات آن و... همگی حکایت از خشم الهی در نابودی انسان‌ها دارد. در نظر داشته باشید خداوند عذاب مستقیم

۱. همان، ص ۲۵۷ - قال رسول الله ﷺ: «إذا كانت فيكم خمس رميتم بخمس إذا اكلتم الربا رميتم بالخسف فإذا ظهر فيكم الزنا اخذتم بالموت و إذا جارت الحكام ماتت البهائم و إذا اظلم أهل الملة ذهب الدولة و إذا تركتم السنة ظهرت البدعة».

نازل نمی‌کند ولی ظهور و گسترش این عوامل مرگ نیز تحت کنترل و نظارت الهی است.

۳. وقتی حکام و صاحب‌منصبان ظلم نمودند آنچنان تبعیض و اختلاف طبقاتی و فاصله میان محرومان و ثروتمندان ایجاد می‌شود، که ضعیف‌ترین موجودات در این دنیا یعنی حیوانات نیز از بین می‌روند.

۴. وقتی مردم به یکدیگر ظلم نمودند، اختلاف گسترش یافته و در نتیجه یک حکومت مقتدر و یکدست به وجود نمی‌آید و دشمنان خارجی به حکومتشان حمله می‌کنند.

۵. وقتی سنت‌های صحیح فراموش شده یا نادیده گرفته شوند، مردم به ناچار از فکر و تشخیص خود استفاده می‌کنند و بدعت و نوآوری جای سنت را می‌گیرد. همان‌گونه که در جامعه ما، کلمه بدعت و نوآوری نزد برخی افراد جزء کلمات باارزش شده است، حتی در احکام دین.

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

«زلزله‌ها و گرفتن ماه و خورشید و طوفان‌های سهمگین از نشانه‌های ظهور است. هرگاه آنها را دیدید متوجه برپا شدن ظهور باشید و به مساجد پناه ببرید»^۱.

همان‌گونه که در حدیث فوق اشاره شده است، اگر هنگام چنین حوادث سهمگینی در محل حاضر بودید به مساجد پناه ببرید زیرا مساجد امن‌ترین مکان‌ها هستند.

۱. نواب‌الدهور، ج ۲، ص ۴۰۹ - قال امیرالمؤمنین علیه السلام: «ان الزلازل و الکسوفین و الریاح الهائلة من علامات الساعة فاذا رأیتم من ذلك فتذكروا قیام الساعة و افزعوا الی مساجدکم».

کثیر بن مرة گویند:

«نشانه دو حادثه (خسوف و کسوف) در رمضان نشانه‌ای در آسمان است که پس از آن اختلاف میان مردم واقع می‌شود. اگر با آن مواجه شدید تا می‌توانید غذا ذخیره کنید».^۱

همان‌گونه که در حدیث فوق اشاره شده است. در یک سال پیش از ظهور از ماه رمضان حوادث خارق‌العاده و جنگ‌های سختی در می‌گیرد و راه نجات از این حوادث ذخیره کردن غذا برای یک سال است تا به این وسیله نیازی به بیرون رفتن و کار کردن نباشد، زیرا امکانات متعارف از بین می‌رود.

سعید بن جبیر گوید:

«سالی که مهدی علیه السلام در آن سال قیام می‌کند، ۲۳ روز پیاپی باران می‌بارد به گونه‌ای که اثر و برکت آن مشاهده می‌گردد».^۲

در روایات بسیاری باران‌های متعدد بخصوص در ماه جمادی‌الآخر و ده روز از ماه رجب^۳ را متذکر شده‌اند.

حضرت صادق علیه السلام فرمود:

«پیشاپیش قائم علیه السلام سالی پر باران است که خرما بر درخت نخل فاسد می‌شود، در این باره شک نکنید».^۴

۱. همان، ج ۳، ص ۳۸۸ - قال کثیر بن مرة: «آية الحدیثان فی رمضان علامة فی السماء

یکون بعدها اختلاف الناس فان ادركتها فاکثر من الطعام ما استطعت».

۲. همان، ج ۳، ص ۴۰۶ - قال سعید بن جبیر: «السنة التي يقوم فيها المهدي تمطر اربعاً و عشرين مطرة بری اثرها و برکتها».

۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۷.

۴. غیبت طوسی، ص ۴۴۹ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال: «ان قدام القائم لسنة غیداة یفسد التمر فی النخل فلا تشکوا فی ذلك».

البته این سال پر باران پس از خشک سالی‌های متعددی خواهد بود و این باران بسیار لازم نیست در تمام نقاط جهان واقع شود بلکه ممکن است در منطقه خاورمیانه یا عراق یا عربستان باشد.

حرکت به سوی مکه

با نزدیک شدن سپاه سفیانی به مدینه، امام عصر علیه السلام و تعدادی از اصحابشان به ناچار و به صورت مخفی رفته رفته از مدینه خارج شده و در اطراف مکه پنهان می‌شوند.

از آنجا که سفیانی در ماه رجب قیام می‌کند و تا زمان تسلط یافتن وی بر شام و سپس ارسال سپاه به سوی مدینه که احتمالاً یک تا دو ماه طول می‌کشد، امام عصر علیه السلام ممکن است در حدود ماه رمضان یا حداکثر شوال به سوی مکه روان شوند و چون هنوز ایام حج فرا نرسیده است، به جهت استتار در کوه‌های اطراف مکه مخفی می‌شوند.

یعقوب بن سراج گوید:

«به حضرت صادق علیه السلام گفتم: رهایی شیعیان شما چه موقعی خواهد بود؟ فرمود: هرگاه... سفیانی و یمانی آشکار شده و سید حسنی به جنبش درآید، صاحب این امر با میراث پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از مدینه به سوی مکه خارج خواهد شد. گفتم: میراث پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چیست؟ فرمود: شمشیر، سپر، عمامه، عبا، عصا، اسب، وسیله جنگی و زین ایشان»^۱.

۱. غیبت نعمانی، ص ۲۷۰؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۴۲ - عن یعقوب بن السراج قال:

این‌ها لوازمی است که امام علیه السلام به همراه خود از مدینه خارج می‌کند.
حضرت باقر علیه السلام می‌فرمایند:

«... سفیانی با همراهی یارانش آشکار می‌شود و هدفی جز نابودی اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و شیعیانشان را ندارد، پس سپاهی به کوفه می‌فرستد... و سپاهی نیز به سوی مدینه گسیل می‌دارد و مردی را در این شهر به قتل می‌رساند و مهدی علیه السلام به همراه منصور از آنجا بیرون می‌روند، در حالی که (سپاه سفیانی) اعضاء کوچک و بزرگ آل محمد علیهم السلام را دستگیر می‌کنند و هیچ‌کدام را نمی‌گذارند مگر آن‌که زندانی می‌کنند و (سپس) سپاه آنان در جستجوی آن دو نفر (مهدی علیه السلام و منصور) از مدینه خارج می‌شوند.

مهدی علیه السلام برابر سنت موسی در حال ترس و مراقبت از مدینه خارج می‌شود تا به مکه می‌رسد...»^۱

نکات مهم حدیث:

۱. هدف اصلی سفیانی مبارزه با شیعیان اهل بیت علیهم السلام است. با توجه به

→ «قلت لابی عبدالله علیه السلام: متى فرج شیعتکم؟ قال: اذا... ظهر السفیانی و الیمانی و تحرك الحسنی، خرج صاحب هذا الامر من المدینه الی مکه بتراث رسول الله صلی الله علیه و آله، قلت: و ما تراث رسول الله صلی الله علیه و آله؟ فقال: سیغه و درعه و عمامته و برده و قضیبه و فرسه و لأمته و سرجه».

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۳ - عن ابی جعفر علیه السلام یقول: «... و ینظر السفیانی و من معه حتی لا یكون له همة الا آل محمد صلی الله علیه و آله و شیعتهم فیبعث بعثاً الی الکوفه... و یبعث بعثاً الی المدینه، فیقتل بها رجلاً و یهرب المهدی و المنصور منها و یؤخذ آل محمد صغیرهم و کبیرهم، لایترک منهم احد الا حبس و ینخرج الجیش فی طلب الرجلین و ینخرج المهدی منها علی سنه موسی خائفاً یترقب حتی یقدم مکه...».

احادیث قبل و تعقیب امام عصر علیه السلام و این که ظهور رسمی شروع نشده است، نتیجه می‌گیریم که امام علیه السلام مورد توجه و هدف سفیانی و سپاهیانش می‌باشد، هر چند به حقیقت ایشان را نمی‌شناسند.

۲. سپاه سفیانی شیعیان مدینه را گرفتار و اسیر می‌کند.

۳. حضرت مهدی علیه السلام و وزیرش به نام منصور به صورتی مخفیانه از مدینه خارج می‌شوند.

۴. حضرت مهدی علیه السلام همانند روش و سنت موسی علیه السلام که پس از کشتن یک نفر از فرعونیان با ترس و وحشت از مصر فرار نمود، با ترس و وحشت از مدینه خارج می‌شود.

۵. ترس و وحشت امام علیه السلام همانند موسی بن عمران علیه السلام برای حفظ جان خویش نیست بلکه به دلیل گرفتار شدن و شکست برنامه‌های الهی و غلبه شیطان و نیروهای شیطانی است.^۱

۶. ترس و وحشت امام علیه السلام این مفهوم را دارد که ایشان پس از ظهور غیررسمی و آشکار شدن در مدینه مأمور هستند از ابزار معمولی و مادی برای محافظت خویش استفاده کنند و از آن زمان به بعد، شرایط غیبت که حمایت‌های غیرعادی و معجزه‌آسا همراه ایشان بود و در هر لحظه

۱. در آینده و همین‌طور در کتاب «فرازمینی‌ها در آیات و روایات» روشن کرده‌ایم که خطر شیطان و نیروهای فرازمینی تحت فرمان شیطان خطری آشکار است و امام علیه السلام فقط برای مبارزه با نیروهای شیطانی در روی زمین ظهور نمی‌کنند، بلکه برای مبارزه‌ای تدریجی با تمام نیروهای شیطانی در سراسر هستی و آسمان نیز ظهور خواهند کرد.

می توانستند پنهان شوند و یا بدون دیده شدن با کسی ارتباط برقرار کنند، مورد استفاده قرار نمی گیرد. ما اطلاع دقیقی از محدودیت های امام علیه السلام نداریم.^۱ ولی این مفهوم وجود چنین محدودیت هایی را در برنامه های ایشان، نشان می دهد. این محدودیت ها تا زمانی که امام عصر علیه السلام در کوفه «پرچم پیروزی» را می گشایند و نیروهای فرازمینی به امداد ایشان می آیند، ادامه می یابد.

ورود سپاهیان سفیانی به مدینه

هم زمان یا پس از خروج مهدی علیه السلام از مدینه، سپاهیان سفیانی وارد این شهر می شوند. هدفشان در وهله اول از بین بردن شیعیان و سادات و بخصوص حضرت مهدی علیه السلام است.^۲ زیرا هاشمی پیش از این، بسیاری از یاران سفیانی را به قتل رسانده است.

عبدالسلام بن مسلمه گوید:

«شنیدم اباقبیل گوید: سفیانی سپاهی به سوی مدینه رهسپار می کند و دستور می دهد تا هر کسی از بنی هاشم را که در آنجا هست، به قتل رسانند. وی می گوید: این بحران و کشته شدن نیروهایم به دلیل کشتار آنان (توسط سادات) است. پس دستور می دهد تا ساداتی

۱. منظور از محدودیت های امام علیه السلام این نیست که امام نسبت به مردم محدودیت دارد بلکه ایشان نسبت به مردم قدرت و توان نامحدودی دارند، ولی منظور محدودیت ایشان در برابر مشیت و برنامه های الهی است.

۲. در آینده خواهیم گفت که امام علیه السلام و طرفدارانشان را به عنوان تروریست و یاغی می شناسند و عموماً غیرمسلمانان با آنان دشمن بوده و مسلمانان نیز بخصوص اعراب نظر خوبی نسبت به ایشان ندارند.

کشته شوند و در نتیجه همگی را می‌کشند تا جایی که کسی از آنان در مدینه پیدا نمی‌شود و (سادات) حتی زنانشان از این شهر به صحراها و کوه‌ها و مکه فرار می‌کنند.

چند روز آنان را می‌کشند، بعد از آن، کشتار را متوقف کرده و هیچ‌کدام از مردم مدینه یافت نمی‌شود مگر این‌که در حال ترس است، تا این‌که حضرت مهدی علیه السلام در مکه آشکار می‌شود. وقتی مهدی علیه السلام در مکه ظاهر شد، شیعه‌ها (و ساداتی) که از چنگ سپاه سفیانی فرار کرده‌اند در مکه به ایشان می‌پیوندند.^۱

همان‌گونه که در حدیث مذکور مشهود است، عامل اصلی برای مبارزه با سادات، به ظاهر رفتار خراسانی و نیروهایش در برابر نیروهای سفیانی می‌باشد به گونه‌ای که سفیانی از شیعیان و سادات تنفر خاصی دارد. این مطلب نشان می‌دهد که در آینده و تا پیش از ظهور، قدرت شیعیان به طور عموم و بخصوص سادات در سطح متعطقه و ایران و عراق و سوریه و لبنان و حتی عربستان بیشتر گردد و این قدرت یافتن توأم با برخورد شدیدتر با غیرشیعیان و اعتراض دشمنان شیعه در این مناطق باشد. چیزی که هم اکنون در عراق نمایان‌تر شده است.

۱. عقد الدرر، ص ۸۸ - عن عبدالسلام بن مسلمة قال: «سمعت ابا قبیل يقول: یبعث السفیانی جیشاً الی المدینة فیامر بقتل کل من کان فیها من بنی هاشم حتی الحبالی و ذلك لما صنع الهاشمی الذی ینخرج علی اصحابه من الشرق. يقول: ما هذا البلاء کله! و قتل اصحابی الا من قتلهم. فیامر بقتلهم فیقتلون، حتی لا یعرف منهم بالمدينة احد، و یفترقوا منها هاربین الی البوادی و الجبال و الی مکه حتی نساؤهم یضع جیشه فیهم السیف ایاماً، ثم یکف عنهم، فلا یظهر منهم الا خائف حتی یظهر امر المهدی بمکه فاذا ظهر بمکه اجتمع کل من شد منهم الیه بمکه».

«هرگاه این خبر به سفیانی رسید با هفتاد هزار نیرو از کوفه خارج شده تا وقتی به محل بیداء^۱ رسید اردو می‌زند، در حالی که هدفش جنگ با ولی‌خدا (حضرت مهدی علیه السلام) و نابود کردن بیت‌الله (کعبه) است...»^۲

در واقع هدف اصلی و باطنی سفیانی، مقابله با حضرت مهدی علیه السلام و نابودی کعبه است. همان مأموریتی که سرپرستان غربی وی فرمانش را داده‌اند. اما در مسیر تخریب مکه، شهر مدینه را نیز ویران می‌سازد. به هر حال کشتار وی در مدینه بسیار وسیع و سهمگین خواهد بود.

حذیفه بن یمان از قول پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌گوید:

«سپاه دوم سفیانی سه شبانه روز در مدینه به غارت می‌پردازند»^۳
«در مدینه حادثه‌ای خواهد بود که سنگ‌های زیت^۴ در آن غرق خواهند شد. ماجرای حرّه^۵ در برابر آن مانند ضربه شلاق است، به مقدار زمان حرکت یک نامه‌رسان به طول خواهد انجامید سپس با مهدی علیه السلام بیعت خواهد شد»^۶.

۱. بیداء بیابانی میان مدینه و مکه می‌باشد. که حدود یک و نیم کیلومتر پس از مسجد شجره به طرف مکه واقع است.

۲. عقد الدرر، ص ۱۱۴ - «فاذا بلغ الخبر السفیانی خرج من الکوفة فی سبعین الفاً، حتی اذا بلغ البیداء عسکرها و هو یرید قتال ولی الله، و خراب بیت الله...».

۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۸۶ - انّ النبی صلی الله علیه و آله قال: «... و یحلّ الجیش الثانی بالمدينة فینتهبونها ثلاثة ايام بلیالیها».

۴. زیت محلی در بازار مدینه بوده است، الدر المنثور، اثر سیوطی، ج ۶، ص ۲۲۱.

۵. ماجرای حرّه، غارت و کشتار مدینه توسط سپاه یزید است.

۶. عقد الدرر، ص ۸۸ - عن ابی هریره قال: «یکون بالمدينة وقعة تفرق فیها احجار الزیت، ما الحرّه عنده الا کضربة سوط فینتحی عن المدينة قدر برید ثم یمایع الی المهدی».

به این ترتیب هم‌زمان با غارت و تخریب مدینه، حضرت مهدی علیه السلام در مکه و در آستانه اعلام رسمی ظهور هستند.

شرایط عربستان هم‌زمان با سال ظهور

همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، جنگ سوم و سپس جنگ چهارم و خروج حامی اصلی عربستان یعنی امریکا از منطقه و فعالیت‌های خراسانی و ایرانیان بر ضد اعراب منطقه و نیز خطرات ناشی از تحرکات سفیانی از سمت غرب در منطقه خاورمیانه، باعث پریشان حالی عربستان می‌گردد. این درگیری‌ها موجب کشمکش بر سر قدرت می‌شود تا جایی که خاندان سلطنتی به جان هم می‌افتند. بخصوص وقتی «ملک عبدالله»^۱ از میان می‌رود، شرایط پیچیده‌تر می‌گردد.

ابی بصیر از حضرت صادق علیه السلام نقل می‌کند:

«هرکس مرگ عبدالله را برای من تضمین کند، من ظهور قائم علیه السلام را برای او ضمانت می‌کنم. سپس فرمود: هرگاه عبدالله فوت کند، مردم پس از وی دور کسی جمع نشده و این حکومت به کسی جز صاحب شما (حضرت مهدی علیه السلام) نمی‌رسد، و (در آن وقت) حکومت سال‌ها از بین رفته و به حکومت ماه‌ها و روزها تبدیل می‌شود.
گفتم: آیا این وضعیت طولانی خواهد شد؟

۱. ملک عبدالله هم اینک ولیعهد عربستان سعودی است و به زودی و با مرگ فهد جانشین وی می‌گردد. آن‌گاه دیری نخواهد پاید که با روی کار آمدن سفیانی (و شاید پیش از آن) کشته شود.

فرمود: خیر.^۱

همان‌گونه که در این حدیث مشهود است، مرگ ملک عبدالله ارتباط مستقیمی با آشکار شدن قطعی امام عصر علیه السلام دارد.

چرا خلیفه کشته می‌شود؟

خاندان آل سعود در شهوت‌رانی دست‌گشادی دارند. ماجرای ازدواج‌های فهد پادشاه فعلی عربستان که در عمل از کار برکنار است و به جای وی ولیعهدش «ملک عبدالله» امور را می‌گرداند، مشهور است. طبیعی است که عامل این اختلاف، شهوت‌رانی افراطی یا هم‌راه آن، مسایل سیاسی نیز باشد.

حضرت باقر علیه السلام فرمود:

«نادانی از خاندان عباس در نهان کشته می‌شود، علت مرگش نیز رابطه جنسی وی با جوانی است. زمانی که می‌خواهد با او درآویزد، جوان وی را کشته و مرگ او را به مدت چهل روز مخفی می‌دارند. وقتی سپاهیان به دنبال جوان می‌روند هیچ‌کسی از آنها، از اول تا آخرشان باز نمی‌گردند. به این ترتیب حکومت آنها منقرض می‌شود.»^۲

۱. غیبت طوسی، ص ۴۴۷ - عن ابی بصیر قال: «سمعت ابا عبدالله علیه السلام يقول: من یضمن لی موت عبدالله ضمن له القائم. ثم قال: اذا مات عبدالله لم یجتمع الناس بعده علی احد و لم یتناه هذا الامر دون صاحبکم ان شاء الله، و یدهب ملک السنین و یصیر ملک الشهور و الایام. فقلت: یطول ذلك؟ قال: کلاً.»

۲. کمال الدین، ص ۶۵۵، اثر شیخ صدوق - عن ابی جعفر علیه السلام قال: «یموت سفیه من آل العباس بالسر، یکون سبب موته انه ینکح خصیاً فیقوم فیذبحه و یکتّم موته اربعین یوماً، فاذا سارت الرکیبان فی طلب الخصی لم یرجع اول من ینخرج الی آخر من ینخرج حتی یدهب ملکهم.»

نکات مهم این حده یث:

۱. این نادان با توجه به چهل روز مخفی نگه داشتن ماجرای مرگش، می‌تواند خلیفه یا همان ملک عبدالله باشد.

۲. سپاهیان که به دنبال آن جوان می‌روند، احتمالاً در یک درگیری قبیله‌ای با دشمنان داخلی خود یا سپاهیان سفیانی کشته می‌شوند. وضعیت حج نیز در آن سال خطرناک است. ابن مسعود از پیامبر ﷺ نقل می‌کند:

«زمانی بر مسلمانان فرا می‌رسد که در ماه رمضان صدایی شنیده می‌شود و در ماه شوال سکوت نسبی برقرار شده و در ذی‌قعدة قبیله‌ها با یکدیگر دوستی نشان می‌دهند و آن را سه مرتبه فرمود (و نیز اضافه کرد) دور است، دور است، در آن ماه مردم بسیار زیادی کشته می‌شوند»^۱.

وضعیت ماه‌های منتهی به محرم یعنی آغاز ظهور رسمی، در روایات بسیار زیادی مطرح شده و حکایت از تحولات فوق‌العاده در ماه‌های پایانی مرحله اول^۲ تاریخ دارد.

۱. کتاب الفتن ابن حماد، ص ۱۳۲ - عن ابن مسعود عن النبي ﷺ قال: «إذا كانت صيحة في رمضان فانه يكون معمعة في شوال و تتميز القبائل في ذی‌قعدة و تسفك الدماء في ذی‌الحجة و المحرم و ما المحرم يقولها ثلاثاً هيهات هيهات يقتل الناس فيها هرجاً هرجاً».

۲. تاریخ سه مرحله دارد، مرحله اول پیش از ظهور که با ظهور امام طایفه پایان می‌یابد. مرحله دوم از ظهور تا رجعت و مرحله سوم از زمان رجعت تا قیامت می‌باشد. برای آگاهی بیشتر به وبلاگ‌های اینجانب مراجعه فرمایید:

مردم در ایام حج به شکلی ناامن و متزلزل حج انجام می‌دهند. این حج زمانی است که امام عصر علیه السلام و برخی اصحاب ایشان در مکه و مراسم حضور دارند. اما هیچ کس آنها را نشناخته و مشغول درگیری‌های خویش هستند. به این ترتیب حج آن سال، حجی پرتلاطم و پر از درگیری و ناامنی است. البته چنین ناامنی برای استتار اصحاب ایده‌آل است. آنان از این ناامنی استفاده کرده و به گونه‌ای پنهانی با امام علیه السلام ملاقات و بیعت می‌نمایند. با توجه به تشابه فوق‌العاده حرکت امام علیه السلام با حرکت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌توان بسیاری از این حرکات را هرچند در روایات اشاره‌ای صریح به آنها نشده است، حدس زد. زیرا در بسیاری از روایات ظهور ایشان را مانند پیامبر صلی الله علیه و آله دانسته‌اند^۱، با توجه به این احادیث، می‌توان گفت در مراسم حج و عقبه (گردنه) منی، امام علیه السلام با اصحاب بیعت می‌کنند^۲ و نقباء را نیز در همین مکان و پس از بیعت تعیین کنند. همان‌گونه که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله انجام دادند.

۱. تشابهات میان ظهور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ظهور امام عصر علیه السلام را در جلد سوم خواهیم آورد.

۲. این مطالب منافاتی با وقوع بیعت در کوه طوی ندارد و ممکن است این دو محل در واقع یک محل یا نزدیک یکدیگر باشند.

فصل دوم:

مقدمات ظهور

امام مهدی علیه السلام با تعدادی از اصحاب خویش که در مدینه به ایشان پیوسته‌اند، مخفیانه و به صورت انفرادی^۱ از مدینه خارج می‌شوند تا در سرزمین موعود (مکه) حضور یابند. به تدریج به روز موعود که در آن ابلیس ناامید و دوران باطل برچیده می‌شود، نزدیک می‌گردیم.

احتمالاً این مهاجرت در ماه رمضان یا شوال خواهد بود و اصحاب در ماه رجب یا حداکثر در ماه شوال به ایشان می‌پیوندند.

هنگام ورود به مکه، در کوه‌های اطراف مکه پناه می‌گیرند.

حضرت باقر علیه السلام فرمود:

«صاحب این امر (مهدی علیه السلام) در برخی از این دره‌ها پنهان خواهد

شد و با دستش به ناحیه ذی طوی^۲ اشاره کردند...»^۳.

۱. همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، امام عصر علیه السلام به همراه منصور وزیرشان از مدینه خارج می‌شوند.

۲. محلی در کوه‌های اطراف مکه.

۳. غیبت نعمانی، ص ۱۸۲؛ کافی، ج ۸، ص ۳۱۳ - عن ابی جعفر محمد بن علی علیه السلام

قال: «... یكون لصاحب هذا الامر - یعنی المهدی علیه السلام - غیبة فی بعض هذه الشعاب و

أوماً بیده الی ناحیة ذی طوی...».

شاید پناه بردن به کوه‌های اطراف مکه به دلایل ذیل باشد:

۱. تشنج سیاسی بر عربستان حاکم است و حتی خلیفه ملک عبدالله ممکن است فوت نموده باشد و اوضاع سراسر عربستان ناامن و متشنج گردیده است. از این جهت امام عصر علیه السلام برای حفظ امنیت خویش و اصحابشان در کوه‌های اطراف مکه پنهان می‌شوند.
۲. از آنجا که هنوز تعداد اصحاب کامل نشده‌اند، پخش شدن آنان در سطح شهر مکه خطرناک است. از این رو، اصحاب در محلی اطراف مکه گرد هم جمع می‌شوند تا حساسیتی در شهر مکه ایجاد نشود.
۳. اطراف مکه محل اجتماع، بیعت و طراحی عملیات ظهور است، زیرا حفظ استتار آنجا آسان‌تر است.
۴. شیوه بیعت نمودن با امام علیه السلام و مسائلی که در این رابطه اتفاق می‌افتد نیز به گونه‌ای است که حضور در کوهستان و به دور از انظار عمومی را توجیه می‌سازد.

اجتماع اصحاب

عبدالله بن مسعود گوید:

«هرگاه راه‌های نجات قطع شد و فتنه‌ها فزونی یافت، هفت نفر از جوانمردان از مناطق مختلف بدون قرار، حرکت می‌کنند و به تعداد سیصد و چند نفر (سیزده نفر) با همگی بیعت می‌کنند تا در مکه حضور یابند. زمانی که در مکه مستقر شدند، برخی به یکدیگر می‌گویند چه چیزی شما را به این جا کشاند؟
می‌گویند: در جستجوی این مرد (مهدی علیه السلام) آمده‌ایم، که شایسته

است این فتنه‌ها به دست وی آرام گرفته و قسطنطنیه (استانبول) به وسیله او فتح گردد. ما او را به اسم خودش و پدرش و مادرش و صفاتش می‌شناسیم. آن هفت نفر (جوانمرد اولیه) بر این هدف اتفاق نظر دارند، در نتیجه به دنبال وی برمی‌آیند تا او را در مکه می‌یابند. به وی می‌گویند شما فلانی پسر فلانی هستید؟ می‌گوید: خیر، من مردی از انصار هستم، تا از دست آنها پنهان شود.

مشخصات وی را برای برخی افراد آگاه تشریح می‌کنند. به آنان گفته می‌شود، شخص مورد نظر شما که به دنبالش هستید، به مدینه رفته است.

دنبالش به مدینه می‌روند ولی امام علیه السلام به مکه باز می‌گردد. آنها نیز دنبالش به مکه می‌آیند و در نتیجه ایشان را می‌یابند.

به وی می‌گویند: شما فلانی پسر فلانی هستید و مادرتان فلان خانم دختر فلان خانم است، و در شما نشانه چنین و چنان است، یک بار از دست ما پنهان شدید، دستت را دراز کن تا با شما بیعت کنیم.

می‌گویند: من شخص مورد نظر شما نیستم، من فلان پسر فلان انصاری هستم. با من بیایید تا شما را به آن شخص برسانم. اما این بار هم از دست آنها پنهان می‌شود.

دوباره در جستجوی وی به مدینه می‌روند. ولی در نهایت ایشان را در مکه نزد رکن پیدا می‌کنند و می‌گویند گناه و خون ما بر گردن شما خواهد بود اگر دستت را دراز نکنی تا با شما بیعت کنیم. این سپاه سفیانی است که در جستجوی ما می‌باشد و فرماندهی از (قبیله) جرم، بر آنها است.

ایشان نیز بین رکن و مقام می‌نشینند و دستش را دراز می‌کند تا با وی بیعت کنند. در آن هنگام محبت ایشان در قلب مردم (اصحابش) می‌افتد و به همراه ایشان گروهی حرکت خواهند کرد که روزها مانند شیر (جنگاور و پر جرأت) و در شب عبادتگر (شب زنده‌دار) هستند.^۱

نکات مهم این حدیث:

۱. تعدادی از جوانان یا علماء راستین واسطه میان سیصد و سیزده نفر اصحاب خواهند بود.

۲. اصحاب امام عصر علیه السلام پیش از ظهور به شکلی خارق‌العاده با یکدیگر

۱. عقد الدرر، ص ۱۷۶؛ کتاب الفتن ابن حماد، ص ۲۱۴ - عن عبدالله بن مسعود قال:

«إذا انقطعت التجارات للطرق، وكثرت الفتن، خرج سبعة غلمان (علماء) من آفاق شتى على غير ميعة، يبائع لكل رجل منهم ثلاثمائة و بضعة عشر رجلاً، حتى يجتمعون بمكة فيقول بعضهم لبعض: ما جاء بكم؟

فيقولون: جئنا في طلب هذا الرجل الذي ينبغي ان تهدا على يديه هذه الفتن و تفتح له القسطنطينية، قد عرفناه باسمه و اسم ابيه و امه و حليته. فتتفق السبعة على ذلك، فيطلبونه فيصیبونه بمكة فيقولون له: انت فلان ابن فلان؟

فيقول: لا، انا رجل من الانصار حتى يفلت منهم. فيصفونه لاهل الخبرة و المعرفة، فيقال: هو صاحبكم الذي تطلبونه، و قد لحق بالمدينة و يطلبونه بالمدينة، فيخالفهم الى مكة، فيطلبونه بمكة فيصیبونه، فيقولون له: انت فلان ابن فلان، و امك فلانة بنت فلانة، و فيك آية كذا و كذا فقد أفلت منا مرة، فمدّ يدك نبايعك.

فيقول: لسبت بصاحبكم، انا فلان ابن فلان الانصاري، مرّوا بنا اذلكم على صاحبكم. حتى يفلت منهم، فيطلبونه بالمدينة، فيصیبونه بمكة عند الركن. فيقولون: ائمتنا عليك و دماؤنا في عنقك، ان لم تمدّ يدك نبايعك. هذا عسكر سفیانی، قد توجه في طلبنا، عليهم رجل من جرم. فيجلس بين الركن و المقام، فيمدّ يده، فيبائع له.

و يلقى الله محبته في صدور الناس، فيسير مع قوم اسد بالنهار و رهبان بالليل».

آشنا و دوست می‌شوند و هرچند نفر از آنان توسط یک نفر از اصحاب سرپرستی و کنترل و هدایت می‌شوند.

۳. آنها به تدریج به سوی وعده‌گاه خویش یعنی مکه حرکت می‌کنند بدون آن‌که این گروه‌ها همدیگر یا اهداف یکدیگر را بشناسند.

۴. قسطنطنیه یا استانبول پیش از ظهور، مرکز قدرت مسیحیان خواهد شد و در واقع اثری از اسلام در این شهر نخواهد ماند. به همین خاطر تصرف آن از اهداف اصلی اصحاب خواهد بود.

۵. بی‌توجهی حضرت به اصحاب، مربوط به نقباء که در مدینه به ایشان پیوسته‌اند نیست، بلکه نسبت به اصحاب تازه واردی است که در مکه به دنبال ایشان آمده‌اند.

۶. حرکت امام علیه السلام از مکه به مدینه و بالعکس نشان از عدم حضور سپاه سفیانی در این مسیر و یا حضور آنها در مدینه است. به این ترتیب می‌توان گفت سپاه سفیانی تا این زمان هنوز به مدینه نرسیده‌اند و یا تعداد آنها در مدینه بسیار اندک است و امام علیه السلام و اصحابشان می‌توانند میان مکه و مدینه رفت و آمد کنند.

۷. پس از چند بار آمد و شد میان مکه و مدینه، امام را در مکه می‌یابند و این جمله که، سپاه سفیانی به دنبال ما است، نشان می‌دهد در این هنگام که نیروهای سفیانی در مدینه مستقر شده‌اند به حضور و رفت و آمد آنها پی برده و در پی آنان روانه مکه شده‌اند.

۸. این روایت به وضوح کراهت داشتن حضرت علیه السلام به بیعت را نشان می‌دهد.

۹. این حدیث موقعیت زمانی حادثه را بیان نمی‌کند ولی می‌توان آن را در

محدوده ماه‌های ذی‌قعدة یا شوال دانست.

۱۰. این بیعت با بیعت همگانی که با شرایط خاصی صورت می‌گیرد تفاوت دارد، شاید این بیعت حکایت از بیعت اولیه باشد و هنوز تا بیعت رسمی پس از ظهور رسمی فاصله دارد.

حضرت باقر علیه السلام فرمود:

«صاحب این امر در یکی از دره‌ها پنهان می‌شود و با دستش اشاره به ذی‌طوی کردند، تا دو شب پیش از قیامش، یکی از کارگزارانی که همراه ایشان است نزد برخی از اصحابش رفته و به آنها می‌گوید: شما چند نفر هستید؟

می‌گویند: نزدیک به چهل نفر مرد.

می‌گوید: اگر مولایتان را ببینید چه می‌کنید؟

می‌گویند: سوگند به خداوند، اگر به کوه‌ها درآید با ایشان خواهیم بود. سپس روز دیگر می‌آید و می‌گوید: از میان بزرگان و نیکانتان تعداد ده نفر را برگزینید. آنها را برمی‌گزینند و با او حرکت می‌کنند تا به صاحبشان (حضرت مهدی علیه السلام) می‌رسند و شب بعد را به عنوان قرار ملاقاتشان تعیین می‌کنند»^۱.

۱. غیبت نعمانی، ص ۱۸۲ و کافی، ج ۸، ص ۳۱۳ - عن ابی جعفر محمد بن علی علیه السلام قال: «یکون لصاحب هذا الامر غیبة فی بعض هذه الشعاب، ثم أوماً بیده الی ناحية ذی طوی، حتی اذا کان قبل خروجه بلیلتین انتهى المولی الذی یکون بین یدیه حتی یلقى بعض اصحابه، فیقول: کم انتم ههنا؟ فیقولون: نحو من اربعین رجلاً. فیقول: انتم لو قد رأیتم صاحبکم؟ فیقولون: والله لو یاوی بنا الجبال لأویناها معه. ثم یأتیهم من القابله فیقول لهم: اشیروا الی ذوی أسنانکم و اخیارکم عشرة فیشیرون له الیهم فینطلق بهم، حتی یأتون صاحبهم و بعدهم الی اللیلة الی تلیها».

نکات مهم این حدیث:

۱. امام علیه السلام پیش از ظهور رسمی خویش، در دره‌های اطراف مکه بخصوص منطقه ذی طوی پنهان می‌شود.
 ۲. اصحاب خاص ایشان و شاید دوازده نفر نقیب در کنار آن حضرت هستند، ولی بقیه اصحاب هنوز نزد ایشان نیامده‌اند.
 ۳. آنان فقط می‌دانند که امام علیه السلام در مکه است ولی از دیگر خصوصیات ظاهری و رفتاری وی آگاه نیستند.
 ۴. امام علیه السلام کسی از یارانش را نزه آنان که حدود چهل نفر مرد هستند می‌فرستند.
 ۵. هنوز تا این مرحله زنان در یاران امام علیه السلام نیستند. البته این مسأله نیز طبیعی است زیرا شرایط کوهستانی و این‌گونه پنهان شدن، ایجاب می‌کند که فقط مردان در اطراف ایشان باشند.
 ۶. اصحاب به تدریج و گروه گروه به خدمت آن حضرت می‌رسند تا وقتی همگی جمع شوند، آن‌گاه به طور کلی با همگی بیعت می‌کنند.
 ۷. این بیعت‌ها همان‌گونه که اشاره شد بیعتی مقدماتی برای بیعت نهایی و جمعی پس از ظهور رسمی، است.
 ۸. اشاره به دو شب پیش از قیام شاید منظور قیام اصلی و نهایی نباشد. بلکه منظور پیش از تعیین قطعی برنامه ظهور و قیام باشد که با ارسال نفس زکیه به مدت پانزده روز پیش از قیام، ظهور نیز رسمیت می‌یابد.
- حضرت باقر علیه السلام فرمود:

«قائم علیه السلام با اصحابش به تعداد سیصد و سیزده نفر مرد همانند تعداد

اصحاب بدر، در دره ذی طوی جمع می‌شوند تا به حجر (کعبه) تکیه داده و پرچم پیروزی را به اهتزاز در آورد.^۱

نکات مهم این حدیث:

۱. امام مهدی علیه السلام تا زمانی که تعداد سیصد و سیزده نفر اصحاب خاص کامل نشده است اقدام به ظهور نمی‌کند.
۲. تا زمانی که تعداد سیصد و سیزده نفر جمع نشده‌اند، امام عصر علیه السلام در اختفا و در دره‌های اطراف مکه باقی می‌مانند.

آیا اصحاب همگی با هم جمع می‌شوند؟

برخی بر این باورند که اصحاب امام عصر علیه السلام در یک شب و با یک کیفیت به خدمت ایشان می‌رسند. شاید این استناد آنان به روایت زیر باشد.

حضرت صادق علیه السلام می‌فرماید:

«هنگامی که جوانان شیعه بر پشت‌بام‌ها خواب هستند، ناگهان در یک شب بدون قرار گذاشتن به خدمت صاحبشان می‌رسند و صبح در مکه قرار دارند».^۲

۱. اثبات الهداة، اثر شیخ حرّ عاملی، ج ۳، ص ۵۴۷؛ غیبت نعمانی، ص ۳۱۵ - عن ابی جعفر علیه السلام قال: «انّ القائم یهبط من ثنّیة ذی طوی فی عدّة اهل بدر ثلاثمئة و ثلاثة عشر رجلا حتی یسند ظهره الی الحجر، و یهزّ الراية الغالبية».

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۰؛ غیبت نعمانی، ص ۳۱۶ - قال ابو عبدالله جعفر بن عبدالله علیه السلام: «بینا شیاب الشیعة علی ظهور سطوحهم نیام اذا توافوا الی صاحبهم فی لیلة واحدة علی غیر مبعاد فیصبحون بمکة».

نکات مهم این حدیث:

۱. زمان ظهور نباید در وسط زمستان باشد، زیرا در اکثریت مناطق خاورمیانه در زمستان نمی‌توان بر بالای پشت‌بام در هوای سرد زمستانی خوابید. بنابراین باید در پاییز، تابستان و یا بهار با ظهور رسمی مواجه شویم. (به دلایلی که اشاره خواهد شد، احتمالاً پاییز خواهد بود).

۲. با توجه به ظاهر این حدیث، اصحاب در یک شب در مکه حاضر می‌شوند.

۳. از آنجا که با یکدیگر قرار نمی‌گذارند، معلوم می‌شود آنان اطلاع دقیقی از لحظه ظهور نداشته و در ضمن با یکدیگر آشنا نیستند.

اما با توجه به احادیث گذشته، اصحاب امام عصر علیه السلام در مدینه به خدمت امام علیه السلام می‌رسند و در مکه نیز بسیاری از آنان به دنبال امام و بیعت کردن با ایشان خواهند بود. پس حقیقت ماجرا چیست؟ آیا همگی یک شب جمع می‌شوند یا به تدریج می‌آیند؟

در واقع حدیث فوق وضعیت تمام اصحاب را مطرح نکرده است. بلکه به تشریح وضعیت باقی‌مانده اصحاب می‌پردازد. یعنی بسیاری از اصحاب پیش از این تاریخ به خدمت امام علیه السلام می‌رسند ولی تعدادی که باقی‌مانده‌اند در آن شب موعود، به صورتی معجزه‌آسا از محل بستر و خوابگاهشان به مکه منتقل می‌شوند.

روایت ذیل گواه این مطلب است:

عبدالحمید الطویل از حضرت باقر علیه السلام درباره آیه «ای کسی که پاسخ

مضطری را که تو را بخواند می‌دهی»^۱ پرسش کرد. امام فرمود:
 «در مورد قائم علیه السلام نازل شده است. در حالی که جبرئیل به صورت
 یک پرنده سفید بر میزاب کعبه نشسته و اولین کسی است که با
 ایشان بیعت می‌کند و آن‌گاه سیصد و سیزده نفر با وی بیعت می‌کنند.
 آن‌که در مسیر آمدن باشد در آن لحظه می‌رسد و آن‌که هنوز حرکت
 نکرده از جایگاه سکونتش ربوده شده (و در آن لحظه حاضر
 می‌شود)، و این همان سخن امیرالمؤمنین علیه السلام است که فرمود:
 کسانی که از جایگاهشان مفقود (ربوده) می‌شوند، و نیز همان سخن
 خداوند است که می‌فرماید: «در خیرات پیشی بگیرید، هر جا که
 باشید، خداوند همگی شما را خواهد آورد».^۲ امام فرمود: خیرات یعنی
 ولایت ما اهل بیت علیهم السلام».^۳

نکات مورد نظر در این حدیث:

۱. با توجه به تشریح حرکت اصحاب پس از معرفی سیصد و سیزده نفر،
 متوجه می‌شویم که این شیوه حرکتی برای رسیدن به خدمت امام عصر علیه السلام
 مربوط به همان اصحاب خاص است.

۱. نمل (۲۷): آیه ۶.

۲. بقره (۲): آیه ۱۴۸.

۳. غیبت نعمانی، ص ۳۱۴ و بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۹ - «عن عبدالحمید الطویل
 عن ابی جعفر علیه السلام فی قوله: ﴿أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ﴾ قال: أنزلت فی القائم علیه السلام
 و جبرئیل علی المیزاب فی صورة طیر أبيض، فیکون اول خلق بیایعه، و بیایعه الناس
 الثلاثمائة و ثلاثة عشر، فمن كان ابتلى بالمسیر و افي تلك الساعة، و من [لم يتبل
 بالمسیر] فقد عن فراشه و هو قول امیرالمؤمنین علیه السلام: المفقودون عن فرشهم، و هو
 قول الله عزوجل ﴿فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعاً﴾. قال:
 الخیرات الولاية [لنا اهل البيت].»

۲. اصحاب به سه طریق به خدمت امام علیه السلام می‌رسند:

الف) آنان که با محاسبات خویش و امکانات ظاهری حرکت کرده و به موقع خدمت امام علیه السلام می‌رسند.

ب) کسانی که با محاسبات خویش و امکانات ظاهری حرکت کرده ولی به موقع خدمت امام علیه السلام نمی‌رسند. اما خداوند به گونه‌ای معجزه‌آسا راه آنان را کوتاه‌تر کرده تا به موقع خدمت امام علیه السلام برسند.

ج) کسانی که هیچ‌گونه محاسبه‌ای برای رسیدن به مکه نداشته‌اند و در محل زندگی خویش در حال خواب هستند به صورت معجزه‌آسا از محل مفقود (ربوده) شده و در محل ظهور یعنی مکه حضور می‌یابند.

همان‌گونه که ملاحظه می‌فرمایید، فقط این دسته سوم هستند که ناگهان از بستر خویش مفقود می‌شوند ولی دو دسته اول و دوم پیش از زمان ظهور رسمی (به فاصله چند ماه)، حرکت خویش را آغاز می‌نمایند.

ممکن است برخی افراد حدیث فوق را مربوط به اصحاب عام بدانند، اما باید توجه داشت که اصحاب عام (ده هزار نفر) پس از اعلام رسمی ظهور متوجه وقوع ظهور می‌شوند و آنگاه به سوی مکه حرکت می‌کنند، در حالی که کسانی که در روایت فوق مطرح هستند پیش از ظهور رسمی حرکت می‌کنند و قبل از اعلام ظهور در کنار امام علیه السلام هستند.

در روایت ذیل نیز آن گروه که مفقود می‌شوند را اختصاص به گروه سوم از اصحاب خاص می‌داند.

حضرت باقر علیه السلام می‌فرماید:

«ربوده (مفقود) شده‌ها گروهی هستند که از جایگاهشان مفقود

می‌شوند و خود را در مکه می‌یابند و این همان سخن خداوند است که می‌فرماید: «هرجا که باشید خداوند همگی شما را می‌آورد»، و آنها همانا اصحاب قائم علیهم‌السلام هستند»^۱.

اما شاید این پرسش در ذهن شما مطرح شده باشد که بهترین اصحاب از میان این سه دسته کدام هستند؟ ممکن است در ابتدا گمان کنید آنان که به طور معجزه‌آسا از جایگاهشان مفقود می‌شوند و در لحظه موعود در مکه حاضر می‌شوند، برتر باشند. بهتر است روایت ذیل را مطالعه کنیم تا جواب را از زبان امام صادق علیه‌السلام بشنویم.

مفضل بن عمر از حضرت صادق علیه‌السلام نقل می‌کند که فرمود:

«هرگاه اجازه ظهور به امام علیه‌السلام داده شود، خداوند را به اسم عبرانی صدا می‌زند. در این هنگام سیصد و سیزده نفر اصحابش مانند پاره ابرهای پراکنده پاییزی جمع می‌شوند و آنها اصحاب پرچم‌دار ایشان می‌باشند. برخی از آنها شبانه از بسترشان مفقود شده و صبح در مکه حاضر می‌شوند، و برخی از آنها مشاهده می‌شود که روزانه و از طریق ابر سیر می‌کنند در حالی که اسم خودش و پدرش و مشخصات و خاندانش معلوم است.

گفتم: فدایت شوم کدام گروه ایمانشان بیشتر است؟

فرمود: آن که روزانه از طریق ابر سیر می‌کند و آنها همانا مفقودون

۱. غیبت نعمانی، ص ۳۱۳ - محمد بن علی علیه‌السلام انه قال: «الفقهاء قوم یفقدون من فرسهم فیصبحون بمکه و هو قول الله عزوجل ﴿أَیْنَ مَا تَكُونُوا یَأْتِ بِكُمْ اللّٰهُ﴾ و هم اصحاب القائم علیه‌السلام».

(رَبُّوهُ شَدَّهَا) هستند. که این آیه در مورد آنها نازل شده است (هرجا باشید خداوند همگی شما را خواهد آورد).^۱

نکات مهم این حدیث:

۱. زمانی که اجازه ظهور به حضرت حجت علیه السلام دادند، خداوند را به اسم عبری ایشان یعنی بنام «يَهُوَه» صدا می‌زند.
۲. این صدا پس از آن است که اصحاب آماده حرکت و رو آوردن به سوی مدینه یا مکه می‌شوند.
۳. شاید به کار بردن اسم عبری خداوند در آغاز ظهور غیر رسمی باشد که به تدریج اصحاب خود را به خدمت ایشان می‌رسانند.
۴. این اصحاب به صورت پراکنده و بدون این که همدیگر را بشناسند در محل جمع می‌شوند.
۵. آنها پرچم‌داران و فرماندهان امام علیه السلام خواهند بود.
۶. برخی از آنها در شب مفقود می‌شوند و برخی روزانه و آشکارا حرکت می‌کنند.
۷. کسانی که در روز حرکت می‌کنند از طریق هوایی و آسمان حرکت می‌کنند.

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۱؛ غیبت نعمانی، ص ۳۱۳ - عن المفضل بن عمر قال: قال ابو عبد الله عليه السلام: «إذا أذن الامام دعا الله باسمه العبراني فأتاحت له صحابته الثلاثمائة و ثلاثة عشر قذع كقزع الخريف و هم اصحاب الألوية، منهم من يفقد عن فراشه ليلاً فيصبح بمكة، و منهم من يري بسير في السحاب نهاراً يعرف باسمه و اسم أبيه و حليته و نسبه، قلت: جعلت فداك ايها اعظم ايماناً؟ قال: الذي يسير في السحاب نهاراً و هم المفقودون و فيهم نزلت هذه الآية ﴿أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ﴾».

۸. حرکت آسمانی آنها نشان از فاصله دور و طولانی آنها از محل ظهور یعنی مکه دارد.

۹. با توجه به این که ظهور پس از ایام حج خواهد بود، طبیعی است که از طریق هوایی و شاید به بهانه حج در مکه حاضر شوند.

۱۰. آنها برای مشارکت در ظهور می آیند. شاید به همین دلیل است که آنها یعنی کسانی که از طریق هوایی می آیند در ایمان قوی تر باشند. زیرا مدت ها پیش از ظهور با عشق به ظهور حرکت می کنند.

۱۱. ایمان هرکدام نسبت به سرعت آنان در شروع حرکت و زمان به خدمت رسیدن نزد امام علیه السلام می باشد.

۱۲. کسانی که شبانه مفقود می شوند در واقع چندان در جریان ظهور نیستند ولی به دلایلی که خداوند می داند انتخاب شده اند و در مکه حضور می یابند.

۱۳. کسانی که از طریق آسمان حرکت می کنند مورد شناسایی خویشان و بستگان و اطرافیان شان خواهند بود و حتی خانواده شان نیز شناسایی می شوند. این مطلب نشان می دهد حرکت آنان از طریق وسایل هوایی و بسیار طبیعی و آشکار است.

۱۴. چون همگی این دو دسته به نام مفقود یا ربوده شده نام گذاری شده اند، نشان می دهد که ربایش مورد نظر بیشتر جنبه معنوی داشته باشد تا ظاهری و آشکار، زیرا پیش قراولان در ماه رجب حرکت می کنند ولی به لحاظ معنوی ربوده شده اند. به هر حال اصحاب این گونه خود را به تدریج در طول چند ماه و بخصوص در ماه های نزدیک به ظهور با شدت بیشتری به خدمت امام علیه السلام می رسانند.

بیعت با اصحاب

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در خطبة البیان پس از ذکر نام و محل اصحاب می فرماید:

«آنها (اصحاب) همگی از شرق تا غرب و دشتها و کوهها جمع می شوند. خداوند آنها را در کمتر از یک نصف شب گرد نموده و به مکه می آورد. مردم مکه آنها را نمی شناسند و می گویند سپاهیان سفیانی ما را محاصره کرده اند. وقتی صبح شد آنها را می بینند در حالی که طواف می کنند و ایستاده و نمازگزار هستند، (ولی) مردم مکه آنها را نمی شناسند. پس از آن به سوی مهدی علیه السلام می روند در حالی که وی در زیر مناره ای پنهان شده است. به ایشان می گویند: شما مهدی هستید؟

می فرماید: بله ای یارانم.

سپس ایشان خود را از آنها پنهان می کند، تا ببیند میزان اطاعت آنها چقدر است. آن گاه ایشان به مدینه می روند و به اصحاب خبر می رسد که امام علیه السلام نزد قبر جدشان رسول الله صلی الله علیه و آله رفته اند. آنها نیز در مدینه به ایشان می پیوندند، زمانی که وجود آنها را احساس کرد به مکه باز می گردد. تا سه مرتبه همواره این کار را انجام می دهد. سپس امام علیه السلام خود را بین صفا و مروه به آنها نشان می دهد.

ایشان می فرماید: من در کار (بیعت) قاطعانه (اقدامی) نمی کنم مگر آن که سی شرط را تعهد دهید که رعایت کرده و هیچ یک را تغییر نمی دهید و من؟. آنها گفتند: به گوش می شنویم و اطاعت می کنیم، هرچه می خواهید برای ما بفرمایید.

امام علیه السلام فرمود: من با شما بیعت می‌کنم به شرطی که (از جنگ) فرار نکرده، دزدی و زنا نکنید و کار حرام و فحشاء انجام ندهید و کسی را جز به حق نزنید و طلا و نقره و گندم و جو ذخیره نکنید و ربا نخورده و بر سختی (رنج) صبر نمایید و هیچ موخدی را لعنت نکنید و مست‌کننده‌ای نیاشامید و لباس خز نپوشید و بالش و تکیه‌گاه شما خاک باشد. زشتی را کراهت داشته و به معروف فرمان دهید و از زشتی باز دارید. پس هرگاه این شروط را انجام دادید، شما نیز بر گردن من این حق را دارید تا هم‌نشینی غیر از شما انتخاب نکنم، جز مانند شما لباس نپوشم، چیزی جز آنچه شما می‌خورید، نخورم و جز آنچه شما بر آن سوار می‌شوید، سوار نشوم و همان‌جا که شما هستید، باشم و مانند شما راه روم (روشم مانند شما باشد) و به اندک راضی بوده و زمین را پر از عدل و داد نمایم همان‌گونه که از ظلم و جور پر شده است، و خداوند را به عبادت حقیقی عبادت کنم و به وعده شما وفا کنم تا شما هم به من وفا کنید.

اصحاب گفتند: ما رضایت داریم و با تو بر این شرایط بیعت می‌کنیم.
حضرت علیه السلام با تک تک آنها بیعت می‌کند.^۱

۱. نوائب الدهور، ج ۲، صص ۱۲۶ - ۱۲۸؛ قال امیرالمؤمنین علیه السلام: «انهم هولاء يجتمعون كلهم من مطلع الشمس و مغربها و سهلها و جبلها يجمع الله تعالى في اقل من نصف ليلة فياتون الى مكة فلا يعرفونهم اهل مكة فيقولون كبستنا اصحاب السفیانی فاذا تجلی لهم الصبح يرونهم طائفین و قائمین و مصلین فینکرونهم اهل مكة ثم انهم يمضون الى المهدي و هو مختف تحت المنارة فيقولون له انت المهدي فيقول لهم نعم يا انصاری ثم انه يخفی نفسه عنهم لينظروهم كيف هم في طاعته

نکات مهم این حدیث:

۱. جمع شدن اصحاب در یک شب با توجه به احادیث قبل، منافاتی با حرکت تدریجی آنان و در نهایت کامل شدن این اجتماع در یک شب ندارد. به عبارت دیگر اصحاب از زمانی که امام علیه السلام در مدینه هستند به حضور ایشان می‌رسند تا این که در نهایت آن تعدادی که هنوز حاضر نشده‌اند در یک نیمه شب به خدمت ایشان می‌رسند و در نتیجه در آن شب تعداد اصحاب تکمیل می‌گردد.

۲. طواف و نماز اصحاب شاید اشاره به تجمع تدریجی اصحاب از زمان

فیمضی الی المدینة فیخبرونهم انه لاحق بقبر جدّه رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فیلحقونه بالمدينة فاذا احس لهم یرجع الی مکه فلا یزالون علی ذلك ثلاثاً ثم یتراءى لهم بعد ذلك بین الصفا و المروة فیقول انی لست قاطعاً امرأ حتی تبایعونی علی ثلاثین خصلة تلزمکم لا یغیرون منها شیئاً و لکم علی ثمان خصال فقالوا سمعنا و اطعنا فاذا ذکر لنا ما انت ذاکره. فیقول: ابایعکم علی ان لا تولّون دابراً و لا تسرقون و لا تزنون و لا تفعلون محرماً و لا تأتون فاحشة و لا تضربون احداً الا بحق و لا تکنزون ذهباً و لا فضة و لا برأ و لا شعیراً و لا تخربون مسجداً و لا تشهدون زوراً و لا تقبحون علی مؤمن و لا تأکلون ربا و ان تصبروا علی الضراء و لا تلعنون موخداً و لا تشربون مسکراً و لا تلبسون الذهب و لا الحریر و لا الدیباچ و لا تتبعون هزیماً و لا تسفکون دماً حراماً و لا تغدرون بمسلم و لا تبغون علی کافر و لا منافق و لا تلبسون الخبز من الشیاب و تتوسدون التراب و تکرهون الفاحشة و تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنکر فاذا فعلتم ذلك فلکم علی ان لا اتخذ صاحباً سواکم و لا البس الا ما تلبسون لا أکل الا مثل ما تأکلون و لا اركب الا کما تרכبون و لا اكون الا حیث تكونون و امشی حیثما تمشون و ارضی بالقلیل و املاء الارض قسطاً و عدلاً کما ملئت ظلماً و جوراً و نعبد الله حق عبادته و اوف لکم اوفوا الی فقالوا رضینا و بایعناک علی ذلك فیصافحهم رجلاً رجلاً».

ذی قعدة و ذی حجه و حضور در مراسم حج باشد. طبیعی است که اصحاب از این پوشش (شرکت در مراسم حج)، برای پنهان‌کاری و رسیدن به خدمت امام علیه السلام استفاده کنند.

۳. حج آن سال در زیر سایه حمله سپاهیان سفیانی انجام می‌گیرد و طبیعی است با اتمام مراسم حج و بازگشت حجاج به سرزمین‌های خود، وجود اصحاب با ظاهری متفاوت نسبت به دیگران که اهل عربستان و مکه هستند، جلب توجه خواهد کرد و نسبت به آنان بدبین می‌شوند.

۴. شاید روایت فوق حوادث مربوط به اولین برخورد عموم اصحاب با حضرت مهدی علیه السلام را گزارش می‌کند. دلایل این نظر عبارتند از:

الف) مردم مکه آنها را نمی‌شناسند و از دین آنها به وحشت می‌افتند. این مطلب نشان می‌دهد که مردم مکه پیش از این تاریخ با چنین افراد و گروه‌هایی با این قیافه و رفتار مشکوک برخورد نکرده‌اند.

ب) آنها امام علیه السلام را نمی‌شناسند و در جستجوی وی برمی‌آیند تا ایشان را در زیر مناره‌ای پیدا می‌کنند. پیداست که این گروه از اصحاب تا کنون با حضرت ملاقات نداشته‌اند.

ج) مراحل دنبال کردن امام و به سوی مدینه رفتن و بازگشتن که در احادیث دیگر نیز وارد شده است پس از این مرحله واقع می‌شود. این مطلب نشان می‌دهد، پس از مراسم حج است که اصحاب در کوه طوی تجمع نموده و با امام بیعت می‌کنند.

۵. اصحاب در گروه‌های مختلف در مراسم حج و پس از آن در شهر مکه ظاهر می‌شوند. برای همین مطلب است که باعث وحشت و ترس مردم مکه

می‌شوند زیرا اگر به تنهایی حرکت کنند این چنین جلب توجه نخواهند کرد.
۶. از این که برخی اصحاب پس از انجام حج یا در اثناء آن برای اولین مرتبه با امام علیه السلام برخورد می‌کنند، دلیل نمی‌شود که اصحاب دیگر، پیش از این تاریخ به خدمت ایشان نرسیده باشند. بلکه همان‌گونه که اشاره شد، اصحاب امام علیه السلام از پنج ماه قبل یعنی ماه رجب به تدریج در مدینه خدمت ایشان رسیده‌اند.

۷. پنهان شدن امام علیه السلام از دست اصحاب به جهت تعیین میزان صداقت آنها در پیروی مطلق از امام علیه السلام است.
۸. در حدیث فوق به صراحت به محل گرفتن پیمان و بیعت اشاره می‌کند، این بیعت بین صفا و مروه واقع خواهد شد.
۹. محور تعهدات سی‌گانه اصحاب بر انجام تکالیف فردی و اجتماعی استوار است.

۱۰. از نکات جالب در تعهدات آنان، خاک قرار دادن بستر و بالش می‌باشد. زیرا امام علیه السلام می‌داند که آنان در آینده به حکومت بر جهان منصوب خواهند شد و اگر از ابتدا بر آنها سخت گرفته نشود، در آینده دچار فساد و تباهی می‌شوند. به این جهت آنها از ابتدا تعهد می‌دهند تا فرشی زیر پا نداشته و سر خود را بر سنگ بگذارند. این تعهد و شرط به هیچ وجه سمبلیک نیست بلکه نشان از عمق نظر امام علیه السلام دارد. زیرا ایشان می‌داند اگر اصحاب به طمع پست و مقام جمع شده باشند، از ابتدای کار تکلیف همه روشن می‌شود تا در آینده سبب بدنام یا فاسد کردن دستگاه حکومت الهی نشوند.

اصحاب برای خدمت به امام علیه السلام داوطلب سخت‌ترین کارها می‌شوند. بدون این که حق و پاداشی مطالبه کنند. اصولاً در حکومت الهی مدیریت و

پذیرش مسئولیت یک عبادت محسوب می‌شود و به هیچ وجه چیزی به نام «حق مدیریت» به شکل دستمزد وجود ندارد. مدیر نیز همانند بقیه مردم از درآمدی مساوی برخوردار است و تنها عشق به خدمت در دستگاه الهی است که عامل خدمت‌کاری وی در پست مدیریت می‌شود نه این که به دنبال مطالبه حق مدیریت باشد، تا با از دست دادن حق مدیریت، از مدیریت دست بشوید.^۱

۱۱. گرفتن این پیمان ما را به یاد پیمان گرفتن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پیش از هجرت از مردم مدینه می‌اندازد. پس از این پیمان بود که اصحاب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تعهد به حفظ جان و خانواده پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نمودند و مسلمان شدند. در این جا نیز اصحاب از این لحظه مسلمان (به اسلام جدید) می‌شوند، اسلامی که هنوز تا پیش از حرکت رسمی ظهور برای دیگران آغاز نشده است.

۱۲. اصحاب با این پیمان جدید، هر آنچه را که پیش از این انجام داده بودند، دور ریخته و دین را از نو آغاز می‌کنند، همان‌گونه که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در آغاز حرکتش این چنین رفتار می‌کردند.

۱. این مطلب وجه تمایز حکومت الهی و جوامع دنیاطلبانه است، زیرا در جوامع دنیاطلبانه افراد براساس منافع مادی به خدمت می‌پردازند و بابت هر کاری که انجام می‌دهند مزایایی مطالبه می‌کنند ولی خدمت در دستگاه الهی، مزدی علاوه بر درآمد دیگران نخواهد داشت و پاداش مدیریتشان بر عهده خداوند و به صورت دریافت ارزش‌های معنوی یا در روز جزا خواهد بود، مانند دیگر عباداتی که انجام می‌دهند. این سخن برای برخی افراد دنیاطلب قابل درک یا باور نیست ولی پنج سال حکومت امیرالمؤمنین علیه السلام تا حدودی این سخن را تأیید می‌کند. هرچند حکومت حضرت صاحب الامر علیه السلام گسترده‌تر و دقیق‌تر اجرا می‌شود زیرا دست امیرالمؤمنین علیه السلام در حکومت پنج ساله‌اش بسته بود.

بخش سوم / فصل دوم: مقدمات ظهور ۱۴۵

۱۳. تعهدات امام علیه السلام حکایت از زندگی ساده، همانند امیرالمؤمنین علیه السلام دارد. حکومتی همانند فقیرترین شهروند در قلمرو حکومت و بدون حاجب و دربان و با دسترسی آسان به ایشان.

۱۴. این بزرگ‌ترین پیمانی است که از زمان خلقت انسان در روی کره زمین منعقد می‌گردد و با آن پیمان، جهان به تصرف عدالت در می‌آید چیزی که تا کنون سابقه نداشته است.

فرستادن نفس زکیه

پس از آن که امام علیه السلام با تک تک اصحاب بیعت کردند، تقریباً تمامی یاران نزد ایشان حاضر شده‌اند و شرایط برای تصرف مسجدالحرام آماده شده است. اما از آنجا که روش رهبران الهی پیش دستی در مسأله مجازات و کشتار نیست، در این جا نیز حضرت مهدی علیه السلام برای این که حجت بر همگان تمام شود، یکی از یاران خویش را که از سادات است، نزد مردم مکه می‌فرستد تا شاید بر سر عقل آیند، هرچند می‌داند که این گونه نخواهد شد.

حضرت باقر علیه السلام فرمود:

«حضرت مهدی علیه السلام خطاب به اصحابشان می‌فرماید: ای گروه (یارانم)، مردم مکه مرا نمی‌خواهند ولی من کسی را نزد آنان می‌فرستم تا حجتی شایسته از کسی مانند من بر آنها باشد.

پس مردی از اصحابش را می‌خواند و به او می‌فرماید: برو نزد اهل مکه و بگو: ای مردم مکه من فرستاده فلانی به سوی شما هستم و او به شما می‌گوید: ما اهل بیت رحمت و معدن رسالت و خلافت و

خانواده محمد ﷺ و از فرزندان پیامبران هستیم. به ما ستم شده و رنج کشیدیم و طرد شده و از زمانی که پیامبر ﷺ فوت کرد تا این زمان حق ما را ضایع کردند. تقاضای کمک از شما دارم. شما هم ما را یاری نمایید.

وقتی این جوان این سخنان را گفت، به وی حمله کرده و او را بین رکن و مقام می‌کشند. او همان نفس زکیه است. وقتی این ماجرا به امام علیؑ می‌رسد، به اصحابش می‌فرماید: آیا به شما نگفتم که مردم مکه ما را نمی‌خواهند.

اصحاب نیز ایشان را رها نساخته و از گردنه (کوه) طوی با سیصد و سیزده مرد به تعداد اصحاب بدر پایین می‌آیند تا وارد مسجدالحرام می‌گردند...»^۱

نکات مهم این حدیث:

۱. امام علیؑ پیش از به دست گرفتن شمشیر و نبرد با دشمنان خویش، آخرین

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۷؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۸۲ - عن ابی بصیر عن ابی جعفر علیؑ فی حدیث طویل الی ان قال: «يقول القائم علیؑ لاصحابه. یا قوم ان اهل مكة لا يريدوننی و لكنی مرسل اليهم لأحتج عليهم بما يتبغی لمثلی ان يحتج عليهم. فیدعو رجلاً من أصحابه فيقول له: امض الی اهل مكة، فقل: یا اهل مكة انا رسول فلان اليكم و هو يقول لكم: انا اهل بيت الرحمة و معدن الرسالة و الخلافة و نحن ذرية محمد و سلالة النبيين، و انا قد ظلمنا و اضطهدنا، و قهرنا و ابتزنا حقنا منذ قبض نبينا الی يومنا هذا فنحن نستنصرکم فانصرونا. فاذا تكلم هذا الفتی بهذا الكلام أتوا اليه فذبحوه بين الركن و المقام، و هی النفس الزكية، فاذا بلغ ذلك الامام قال لاصحابه: ألا اخبرتكم ان اهل مكة لا يريدوننا، فلا يدعونہ حتى يأتي يخرج فيهبط من عقبه طوی فی ثلاثمائة و ثلاثة عشر رجلاً عدّة اهل بدر حتى يأتي المسجد الحرام...».

فرصت را جهت بیداری یا ثبات شقاوت به آنان می‌دهد. در این‌جا نیز برای اتمام حجت، نفس زکیه را به سوی آنان می‌فرستد.

۲. پیام امام علیه السلام لحن شکوه و تظلم‌خواهی دارد ولی آنان به دلیل شقاوت و خودخواهی خویش حاضر به شنیدن ندای مظلومیت امام علیه السلام نیستند.

۳. آنان با کشتن نفس زکیه به عنوان رسول امام علیه السلام پنج خطا مرتکب شدند.

الف) بی‌توجهی به متن پیام که حالت تظلم‌خواهی دارد.

ب) بی‌توجهی به فرستنده پیام که خود را فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله می‌نامند.

ج) بی‌توجهی به پیامبر صلی الله علیه و آله که جد امام علیه السلام است.

د) بی‌حرمتی به مسجد الحرام و خانه کعبه که حرمتش واجب است.

ه) ظالمانه کشتن یک فرد بی‌گناه که فقط پیام‌رسان است.

۴. امام علیه السلام تا آن موقع در کوه طوی مخفی شده است و پس از این حادثه

است که به اذن الهی خروج می‌کند.

۵. اصحاب امام علیه السلام تا این لحظه به سیصد و سیزده نفر رسیده‌اند.

۶. این حدیث نشان می‌دهد که بیعت امام علیه السلام با تمامی سیصد و سیزده نفر

انجام گرفته است.

۷. بنابراین پیش از ظهور رسمی و هنگام کشته شدن نفس زکیه، تمامی

سیصد و سیزده نفر در مکه و نزد امام علیه السلام حاضر هستند.

۸. کشته شدن نفس زکیه آخرین فرصت برای آشکار شدن درستی و یا

فسادانگیز بودن فکر و رفتار مردم مکه است.

۹. امام علیه السلام به همراه اصحابشان در کوه طوی مخفی شده‌اند و با دریافت

اجازة ظهور، آن گاه حرکت می کنند.

۱۰. اولین مقصد آنان پس از خروج از مخفی گاه، مسجد الحرام است.

حضرت صادق می فرماید:

«فاصله میان قیام قائم علیه السلام و کشته شدن نفس زکیه فقط پانزده شب

است.»^۱

نکات مهم حدیث:

۱. کشته شدن نفس زکیه آخرین فرصت برای تأخیر ظهور است و با کشته

شدن ایشان دیگر فرصتی برای تأخیر در ظهور نیست.

۲. فاصله کشته شدن نفس زکیه تا ظهور رسمی ۱۵ روز خواهد بود.

نفس زکیه جوانی از سادات و فرزندان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می باشد که نامش

محمد فرزند حسن است.

حضرت باقر علیه السلام فرمود:

«... و کشته شدن جوانی از آل محمد صلی الله علیه و آله میان رکن و مقام که

نامش محمد بن حسن، نفس زکیه است...»^۲

حضرت صادق علیه السلام فرمود:

«میان قیام قائم علیه السلام و کشته شدن نفس زکیه دوازده روز است.»^۳

۱. کمال الدین، ص ۶۴۹ - عن صالح مولى بنى العذراء قال: «سمعت ابا عبد الله

الصادق علیه السلام يقول: ليس بين قیام قائم آل محمد و بین قتل النفس الزکیة الا خمسة عشر ليلة.»

۲. همان، ص ۳۳۱ - قال ابو جعفر علیه السلام: «... و قتل غلام من آل محمد صلی الله علیه و آله بین الرکن و

المقام اسمه محمد بن الحسن النفس الزکیة...».

۳. نوائب الدهور، ج ۳، ص ۶ - عن الصادق علیه السلام قال: «ليس بين قیام القائم و بین قتل

النفس الزکیة الا اثني عشر ليلة.»

نکات مهم حدیث:

۱. در روایت فوق مدت زمان فاصله میان کشته شدن نفس زکیه و ظهور را دوازده روز اعلام نموده‌اند که البته ممکن است سه روز فاصله با حدیث پیش‌تر مربوط به آثار و تبعات این کشته شدن باشد. به هر حال این فاصله بیشتر از پانزده روز یا کمتر از دوازده روز نخواهد بود.
۲. البته می‌تواند پانزده روز فاصله مربوط به اجازه رسمی ظهور به امام عصر علیه السلام و دوازده روز مربوط به اعلام رسمی ظهور در روز شنبه دهم محرم باشد که میان این دو حادثه یعنی اجازه ظهور تا اعلام عمومی و جهانی ظهور سه روز فاصله ایجاد می‌شود.

مراحل ظهور رسمی

از لحظه‌ای که امام علیه السلام و اصحاب در دره‌ها و کوه‌های اطراف مکه پنهان می‌شوند، مراحل ظهور به گونه‌ای جدی پیش می‌رود. پس از آن‌که یاری رساندن و بیعت اصحاب قطعی شد، این مراحل سریع‌تر پیشرفت می‌کند. بخصوص با کشته شدن نفس زکیه تقریباً وقوع ظهور قطعی به نظر می‌رسد.

حضرت سجاد علیه السلام در مورد حضرت قائم علیه السلام می‌فرماید:

«در زیر درخت تنومندی، نشسته است که جبرئیل به صورت مردی از قبیله کلب نزد وی می‌آید و می‌گوید: ای بنده خدا چه چیزی باعث شده تا این‌جا بنشینی؟»

(حضرت مهدی علیه السلام) می‌فرماید: ای بنده خدا من منتظرم تا شب فرا رسد و به دنبال آن به سوی مکه روم و نمی‌خواهم در این گرما

بیرون روم.

جبرئیل می‌خندد و وقتی خندید (امام علیه السلام) می‌فهمد که او جبرئیل است. پس جبرئیل دست وی را گرفته و با ایشان بیعت نموده و سلام می‌کند و به حضرت می‌گوید: برخیز و برای ایشان اسبی به نام براق می‌آورد و بر آن سوار می‌شود. سپس به کوه رضوی می‌آید و حضرت محمد صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام نزد وی می‌آیند و برای ایشان پیمانی می‌نویسند تا بر مردم بخواند. سپس به سوی مکه حرکت می‌نماید در حالی که مردم در آنجا جمع هستند.

مردی از اصحاب ایشان برخاسته و فریاد می‌زند: ای مردم! این همان آرزوی شماست که نزدتان آمده است، شما را به آنچه رسول الله صلی الله علیه و آله دعوت کرده، دعوت می‌نماید. در این حالت مردم برخاسته و حضرت نیز خودش برمی‌خیزد و می‌فرماید:

ای مردم من فلان پسر فلان و فرزند پیامبر خدا هستم، شما را به آنچه پیامبر خدا دعوت کرده فرا می‌خوانم.

مردم برمی‌خیزند تا ایشان را به قتل برسانند که سیصد و اندی از اصحابش برخاسته و از آنان پیشگیری می‌کنند. پنجاه نفرشان از کوفه و بقیه از سایر مردم هستند، به گونه‌ای که برخی از آنان برخی دیگر را نمی‌شناسند و بدون هیچ قراری در آنجا جمع شده‌اند.^۱

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۶؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۸۲ - علی بن الحسین علیه السلام

فی ذکر القائم علیه السلام فی خبر طویل قال: «فیجلس تحت شجرة سمرة، فیجیئه جبرئیل فی صورة رجل من کلب، فیقول: یا عبدالله ما یجلسک ههنا؟ فیقول: یا عبدالله انی أنتظر أن یأتینی العشاء فأخرج فی دبره الی مکه.

واکره أن أخرج فی هذا الحرّ قال: فیضحک فاذا ضحک عرفه أنه جبرئیل قال: فیأخذ بیده و یصافحه، و یسلم علیه و یقول له: قم و یجیئه بفرس یقال له البراق

نکات مهم در این حدیث:

۱. حضرت ولی عصر علیه السلام هنگام ظهور با اسباب ظاهری و به صورتی مخفیانه حرکت می‌کند تا مسأله ظهور پیش از فرمان رسمی ظهور افشاء نگردد.

۲. از همان ابتدا جبرئیل همیار و هم‌گام امام علیه السلام خواهد بود.

۳. جبرئیل وسیله نقلیه مناسبی به نام «براق» در اختیار ایشان قرار می‌دهد.

۴. امام علیه السلام به وسیله «براق» به خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و

امیرالمؤمنین علیه السلام می‌رسد.

۵. محل ملاقات در کوه رضوی است و از آنجا که محل استقرار امام علیه السلام و

اصحابشان در کوه طوی است، معلوم می‌شود که احتمالاً اصحاب در این

ملاقات حضور ندارند.

۶. از جمله‌ای که حضرت علیه السلام در برابر مردم مکه ایراد می‌فرمایند معلوم

می‌شود که دعوت امام علیه السلام همانند دعوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است و آنچه پیش

از خود بوده را نابود ساخته و دین را از نو بنا می‌سازد.^۱

→ فیرکبه ثم یأتی الی جبل رضوی، فیأتی محمد و علی فیکتبان له عهداً منشوراً یقرؤه

علی الناس ثم ینخرج الی مکه و الناس یجتمعون بها.

قال: فیقوم رجل منه فینادی ایها الناس هذا طلبتکم قد جاءکم، یدعوکم الی ما

دعاکم الیه رسول الله صلی الله علیه و آله. قال: فیقومون قال: فیقوم هو بنفسه، فیقول: ایها الناس انا

فلان بن فلان انا ابن نبی الله، ادعوکم الی ما دعاکم الیه نبی الله. فیقومون الیه لیقتلوه،

فیقوم ثلاثمائة و ینقیف علی الثلاثمائة فیمنعونه منه خمسون من اهل الکوفة،

و سائرهم من افناء الناس لا یعرف بعضهم بعضاً اجتمعوا علی غیر میعاد».

۱. همان‌گونه که در روایات بسیاری چنین مفهومی را بیان نموده‌اند و ما در جلد سوم به

پاره‌ای از آنها اشاره خواهیم کرد.

۷. اصحاب به گونه‌ای مخفی در مسجدالحرام مستقر شده‌اند و با آغاز حمله به امام علیه السلام، وارد عملیات می‌شوند.

۸. اصحاب به صورت گروه گروه به خدمت امام علیه السلام رسیده‌اند و طبیعی است پیش از رسیدن به خدمت امام علیه السلام همدیگر را نشناسند. ممکن است افراد گروه‌ها یکدیگر را بشناسند ولی گروه‌ها از وجود و مشخصات هم اطلاعی ندارند.

۹. هرچند در این حدیث تصریح بر سیصد و سیزده نفر نشده ولی با توجه به احادیث قبل و آنچه در آینده می‌آید، ظاهراً تمامی سیصد و سیزده نفر در مسجدالحرام حاضر باشند.

۱۰. پیمان ظهور به صورت مکتوب به امام عصر علیه السلام داده خواهد شد.

آغاز فرمان ظهور در شب جمعه و تاسوعا

حضرت صادق علیه السلام می‌فرماید:

«وقتی شب جمعه رسید خداوند متعال فرشته‌ای را به آسمان دنیا پایین می‌فرستد. هنگامی که فجر صبح دمید منبرهایی از نور برای حضرت محمد صلی الله علیه و آله و علی و حسن و حسین علیهم السلام نزد بیت معمور^۱ قرار داده می‌شود و بر منبر بالا می‌روند و تمامی ملائکه و پیامبران و مؤمنین نزد آنان جمع می‌شوند و دروازه‌های آسمان گشوده می‌شود. وقتی هنگام اذان ظهر می‌رسد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌گوید: ای پروردگار (اکنون زمان) میعادی است که در کتابت وعده فرمودی: «خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و عمل صالح انجام دهند

۱. خانه‌ای است در آسمان که روبروی کعبه است و مانند کعبه برای ساکنین آسمان می‌باشد.

وعده داده تا بر زمین مسلط گرداند همان گونه که پیشینیانشان را مسلط گردانید^۱ و ملائکه و پیامبران نیز همانند (این سخن) می گویند. سپس محمد ﷺ و علی و حسن و حسین علیهم السلام به سجده افتاده و سپس می گویند: ای پروردگار خشمگیر زیرا حریمت شکسته شد، و پاکانت کشته شدند و بندگان صالحت ذلیل شدند. پس خداوند آنچه را خواست، انجام می دهد و این همان وقت معلوم است^۲.

نکات مهم این حدیث:

۱. آغاز رسمی ظهور در شب جمعه واقع می شود.
۲. در این شب است که در ملکوت و آسمان و در کنار بیت معمور منبرهایی از نور برای اجتماع پیامبر اکرم ﷺ و اهل بیت علیهم السلام آماده می شود.
۳. این حادثه می تواند در آسمان واقع شود و انعکاس آن در روی زمین ظاهر می شود.

۴. عاقبت با تضرع و وساطت پیامبر اکرم ﷺ و اهل بیت علیهم السلام خداوند

۱. نور (۲۴): آیه ۵۵.

۲. غیبت نعمانی، ص ۲۷۶ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال: «إذا كان ليلة الجمعة أهبط الرب تبارك و تعالی ملكاً الى السماء الدنيا، فإذا طلع الفجر نصب لمحمد و علی و الحسن و الحسين علیهم السلام منابر من نور عند البيت المعمور، فيصعدون عليها و يجمع لهم الملائكة و النبيين و المؤمنين و يفتح ابواب السماء فإذا زالت الشمس قال رسول الله ﷺ: يا رب ميعادك الذي وعدت في كتابك و هو هذه الآية ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ﴾ الآية و يقول الملائكة و النبيون مثل ذلك هم نخر محمد و علی و الحسن و الحسين سجداً ثم يقولون: يا رب اغضب فانه قد هتك حریمك، و قتل أصفیاءك و أذل عبادك الصالحون، فيفعل الله ما يشاء و ذلك وقت معلوم».

فرمان ظهور را صادر می‌کند.

۵. پس از این فرمان است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام این فرمان را به صورت مکتوبی به حضرت علیه السلام تحویل می‌دهند (همان‌گونه که در حدیث سابق اشاره شد).

۶. ارسال فرشته‌ای به سوی آسمان دنیا، برای تمهید حضور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام در عرصه ظهور است تا فرمان را تحویل حضرت ولی عصر علیه السلام دهند.

در همین روز یعنی بعد از ظهر روز جمعه، روز نهم عاشورا است که امام عصر علیه السلام به اتفاق یارانش پس از نماز عصر و هنگام تاریکی هوا وارد شهر مکه و مسجد الحرام می‌شوند. تا خود را برای تصرف مسجد و شهر مکه و اعلام ظهور رسمی در روز بعد یعنی دهم محرم آماده کنند.

حضرت باقر علیه السلام می‌فرماید:

«من قائم علیه السلام را در روز عاشورا، روز شنبه می‌بینم در حالی که میان رکن و مقام ایستاده است و در مقابل او جبرئیل ایستاده و فریاد می‌زند: بیعت مخصوص خدا است. پس (امام علیه السلام) زمین را پر از عدل خواهد کرد همان‌گونه که پر از ستم و جور شده است»^۱.

همان‌گونه که در حدیث شریف فوق به وضوح معلوم می‌شود، اعلان ظهور رسمی در روز عاشورا و شنبه خواهد بود. ولی اعلان فرمان ظهور در روز جمعه

۱. غیبت طوسی، ص ۴۵۳؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۹۰ - قال ابو جعفر علیه السلام: «کائی بالقائم یوم عاشورا یوم السبت قائماً بین الرکن و المقام، بین یدیه جبرئیل علیه السلام ینادی: البیعة لله فیملأها عدلاً کما ملئت ظلماً و جوراً».

و طی مراسمی که از شب جمعه شروع گشته و تا بعد از ظهر جمعه به طول می‌انجامد واقع خواهد شد. به این ترتیب کاملاً آشکار می‌شود که چرا برخی روایات مانند حدیث فوق ظهور را روز شنبه و عاشورا می‌دانند و برخی دیگر ظهور را در روز جمعه به شمار آورده‌اند.

حضرت صادق علیه السلام می‌فرماید:

«قائم ما اهل بیت علیهم السلام در روز جمعه قیام خواهد کرد»^۱.

در واقع روز جمعه روز اعلان قیام از جانب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به حضرت علیه السلام و روز شنبه اعلان قیام به مردم جهان است. پس از اعلان فرمان ظهور به امام عصر علیه السلام است که ایشان به اتفاق اصحابشان عازم مسجد الحرام می‌شوند این حادثه در بعد از ظهر روز جمعه واقع خواهد شد.

در برخی روایات نوروز را روز ظهور نامیده‌اند.

حضرت صادق علیه السلام فرمود:

«روز نوروز روزی است که قائم ما اهل بیت و اولی الامر الهی قیام

می‌کند...»^۲.

برخی گمان می‌کنند این نوروز که در حدیث حضرت صادق علیه السلام آمده، همان نوروز ایرانیان در عصر حاضر است. در نتیجه گمان می‌کردند با مصادف شدن محرم و نوروز، شاهد ظهور خواهند بود. در حالی که می‌بینیم این مسأله

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۷۹ - قال ابو عبدالله علیه السلام: «یخرج قائمنا اهل البيت يوم الجمعة».

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال: «يوم النیروز هو اليوم الذی یظهر فیه قائمنا اهل البيت، و ولایة الامر...».

واقع نشد. اما با کمی دقت در تاریخچه تحول نوروز متوجه می شویم، این نوروز سلطانی که اکنون در کشور ما اجرا می شود، مطابق قرارداد شاه سلطان سلجوقی بوده و ارتباطی با نوروزی که در عصر حضرت صادق علیه السلام اجرا می گردید، ندارد. با توجه به این که در گذشته نوروز در طول سال متغیر بوده، متوجه می شویم که در عصر حاضر با در نظر گرفتن این تغییرات، نوروز باستانی در حدود بهمن و دی ماه واقع می شود و هرچه به جلو می رویم، نوروز باستانی به سوی آبان و آذر ماه نزدیک تر می شود.

با توجه به این که پیش تر اشاره کردیم، اصحاب امام علیه السلام بر پشت بام خوابیده و در مکه حضور می یابند، می توان چنین نتیجه گرفت که فصل ظهور زمانی در میان ماه های بهار تا اوایل پاییز خواهد بود، که با این تغییرات در نوروز نیز منطبق است.^۱

به هر حال نوروز در عصر حضرت صادق علیه السلام با نوروز در عصر ما تفاوت زمانی دارد.

تصرف مسجد الحرام

پس از آن که فرمان ظهور از جانب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام به حضرت مهدی علیه السلام ابلاغ شد، ایشان به اتفاق اصحابش مخفیانه و شبانه وارد مکه و مسجد الحرام می شوند. این حادثه در شب شنبه و همزمان یا پس از غروب انجام می گیرد.

۱. با توجه به مجموع آنچه در جلد اول و تاکنون گفتیم معلوم می شود که ترجیحاً فصل پاییز (ماه های آبان و آذر) محتمل ترین موقع برای ظهور خواهد بود.

حضرت باقر علیه السلام فرمود:

«مهدی علیه السلام هنگام نماز عشاء آشکار می شود در حالی که پرچم رسول اکرم صلی الله علیه و آله و پیراهن و شمشیر ایشان و نیز نشانه ها و نور و بیان همراه خود دارد. وقتی نماز عشاء را انجام داد، با بلندترین صدایش می فرماید:

ای مردم! خدا را به یاد شما می آورم، شما در پیشگاه خدا ایستاده اید. او حجت خود را تأکید (واضح) نمود و پیامبران را برانگیخت...»^۱

حضرت مهدی علیه السلام که به همراه اصحابش وارد مسجد الحرام شده اند، برمی خیزند که با مردم صحبت کنند، اما به ایشان حمله می شود و در این جا است که اصحاب برخاسته و به حمایت آشکار از ایشان می پردازند.^۲

طبیعی است که بیعت مذکور با توجه به متعدد بودن بیان روایات، در دو مرحله انجام گیرد. مرحله اول، بیعت اولیه با اصحاب هنگامی که هنوز ظهور رسمی شروع نشده است. مرحله دوم، بیعت با جبرئیل و میکائیل و سپس اصحاب و مؤمنین که پس از اعلان رسمی ظهور واقع می شود.

حضرت صادق علیه السلام به مفضل بن عمر می فرماید:

«سوگند به خداوند، ای مفضل من مهدی علیه السلام را می بینم که وارد مکه شده و بر وی عبا رسول الله صلی الله علیه و آله و بر سرش عمامه زردرنگ و بر

۱. عقد الدرر، ص ۱۹۶ - عن جابر عن ابي جعفر علیه السلام قال: «يظهر المهدي بمكة عند العشاء و معه راية رسول الله صلی الله علیه و آله و قميصه و سيفه و علامات و نور و بيان فاذا صلى العشاء نادى بأعلى صوته، يقول: اذكرکم الله ايها الناس و مقامکم بين يدي ربکم و قد اكد الحجة و بعث الانبياء...».

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۶، پیشتر حدیث را به تفصیل آوردیم.

پایش دو نعلین وصله‌دار رسول اکرم صلی الله علیه و آله و در دستش چوب‌دستی ایشان است در حالی که بزهای لاغری را به پیش می‌راند تا به سوی خانه خدا (مسجد الحرام) می‌رود. آنجا کسی وی را نمی‌شناسد و به صورت شخصی در آغاز جوانی آشکار می‌شود.

مفضل گوید: آیا جوان آشکار می‌شود یا به صورت پیرمرد؟

امام علیه السلام فرمود: منزله است خداوند، ای مفضل آیا برای وی سخت است تا به هر شکل که خواست یا هر صورتی که بخواهد آشکار شود، در حالی که فرمان از جانب خداوند بزرگ رسیده است.

مفضل گفت: ای سرورم! (مهدی علیه السلام) در میان چه کسانی و چگونه آشکار می‌شود؟

فرمود: ای مفضل (مهدی علیه السلام) تنها آشکار شده و به تنهایی نزد بیت الحرام آمده و تنهایی نیز به کعبه پناهنده گشته و شب هم در تنهایی او را احاطه می‌کند. وقتی چشم‌ها خوابید و شب فراگرفت، جبرائیل و میکائیل و ملائکه صف کشیده نزد ایشان می‌آیند. جبرائیل می‌گوید: ای سرورم سخن تو پذیرفته شده و فرمانت جاری است. پس (مهدی علیه السلام) دستی بر صورتش می‌کشد و می‌گوید: شکر خدایی که وعده‌اش را برای ما راست گردانید و ما را وارث زمین گردانید تا هر جایی که از بهشت خواستیم انتخاب کنیم که پاداش کارگزاران (الهی) چه نیکوست.

سپس میان رکن و مقام ایستاده و فریاد می‌کشد، فریادی که در آن می‌گوید ای گروه نقباء و یاران خاص من و ای کسانی که برای ظهور من بر سطح زمین ذخیره شده‌اید با حائل اطاعت نزد من آید.

فریاد امام علیه السلام به آنان می‌رسد در حالی که در محراب‌ها (عبادتگاه‌ها) یا رختخواب‌های خود در شرق و غرب عالم هستند، صدای ایشان را به مانند صدای یکسان در گوشی واحد، می‌شنوند.

پس به سوی او می‌آیند، و لحظه‌ای به مقدار چشم برهم زدن نمی‌گذرد که همگی در برابر ایشان میان رکن و مقام حاضر می‌شوند. پس خداوند به نور فرمان می‌دهد تا ستونی از زمین تا آسمان شده و به وسیله آن هر مؤمنی در سطح زمین روشنایی می‌گیرد و نوری در داخل خانه‌اش تابیده می‌شود و جان مؤمنین با این نور شاد می‌گردد، در حالی که آنان نمی‌دانند که قائم علیه السلام آشکار شده است.

سپس امام صبح می‌کند در حالی که نقباء ایشان که همان سیصد و سیزده نفر مرد، به تعداد اصحاب رسول صلی الله علیه و آله و سلم در جنگ بدر، در کنارشان هستند»^۱.

۱. نواب‌الدهور، ج ۳، ص ۱۰۸ - قال الصادق علیه السلام: «... یا مفضل فکانی انظر الیه و قد دخل مکة و علیه برده رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و علی رأسه عمامة صفراء و فی رجلیه نعلا رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم المخصوفة و فی یده هراوته یسوق بین یدیه اعز اعجافا حتی یقبل نحو البیت و لیس من احد یعرفه و یظهر و هو شاب عرنون. قال المفض: یعود شاباً او یظهر فی شبیة؟ فقال: سبحان الله یا مفضل و هل یعزب علیه ان یظهر کیف شاء و بای صورة یشاء اذا جاء الامر من الله جل ذکره.

قال المفضل: یا سیدی فیمن یظهر و کیف یظهر؟ فقال: یا مفضل یظهر وحده و یأتی الی البیت وحده و یلجاء الی الکعبة وحده و یجنّ علیه اللیل وحده فاذا نامت العیون و غسق اللیل نزل الیه جبرائیل و میکائیل و الملائكة صفوا فبقول له جبرائیل: یا سیدی قولک مقبول و امرک جار. فیمسح یده علی وجهه و یقول الحمد لله الذی صدقنا وعده و اورثنا الارض تنبوء من الجنة حیث نشاء فنعم اجر العاملین. ثم یقف

نکات مهم حدیث:

۱. این حدیث به ظاهر با احادیث قبل تفاوت دارد ولی با کمی دقت متوجه می شویم که این حدیث در راستای احادیث سابق بخش های مختلفی از حرکت امام عصر علیه السلام را آشکار می سازد.
۲. از بیان حضرت صادق علیه السلام در مورد شیوة ورود حضرت به مکه، که به تنهایی وارد شده و به ظاهر به صورت یک چوپان داخل مکه می شود، ظاهراً شرایط اولیه ورود امام علیه السلام به مکه را ترسیم می کند که در روایات آمده، امام علیه السلام با حالتی ترسان و مراقب وارد شهر مکه می شود. در اینجا منظور ورود اولیه ایشان به مکه است که در تنهایی (یا فقط به همراه منصور) و با حالت استتار وارد مکه می شود. وسایل پیامبر صلی الله علیه و آله نیز که همراه ایشان است، این مطلب را تأیید می کند که این حدیث لحظه ورود ایشان از مدینه به مکه را ترسیم می نماید.
۳. هنگام ورود هیچ کس از مردم مکه ایشان را نمی شناسد.
۴. در شب ورود ایشان به مکه است که اصحاب به تدریج خود را به کنار

→ بین الرکن و المقام فصرخ صرخة يقول معاشر نقبائی و اهل خاصتی و من ذخرهم لظهوری علی وجه الارض اتونی طائعين فردّ صیخته علیهم و هم فی محاریبهم و علی فرشهم فی شرق الارض و غربها فیسمعون صیخة واحدة فی اذن رجل واحد فیجیئون نحوها و لا یمضی لهم الا کلمحة بصر حتی یكونوا بین یدیه بین الرکن و المقام فیامر الله عزوجل النور فیصیر عموداً من الارض الی السماء فیستضیء به کل مؤمن علی وجه الارض و یدخل علیه نور فی جوف بیته فتفرج نفوس المؤمنین بذلك النور و هم لا یعلمون بظهور قائمنا علیه السلام ثم یصبح و نقبائه بین یدیه و هم ثلاثمائة و ثلاثة عشر رجلاً بعدد اصحاب رسول الله صلی الله علیه و آله فی یوم بدر».

امام علیه السلام می‌رسانند. گردهمایی اصحاب بعد از صبحه امام علیه السلام شروع می‌شود.
۵. تا پیش از ورود امام علیه السلام به مکه، تعداد چندانی از اصحاب خود را به خدمت امام علیه السلام نرسانده‌اند و پس از ورود ایشان به مکه و اعلان صبحه حضرت است که رفته رفته اصحاب پیدا می‌شوند تا روز اعلان رسمی ظهور همگی در مکه جمع گردیده‌اند. از این جهت میان این حدیث با احادیث قبل که حرکت اصحاب را از مدینه و سپس مکه و به تدریج اعلام نموده‌اند، منافاتی نیست. زیرا تا قبل از ورود امام علیه السلام به مکه، اصحاب به صورت پراکنده خدمت ایشان می‌رسیدند ولی از این لحظه به بعد دسته دسته می‌آیند تا در روز موعود جمع شوند.

۶. حضور اصحاب در یک لحظه نیز به معنی حضور همگی در آن لحظه نیست بلکه می‌تواند اشاره به مرحله نهایی ظهور باشد که باقی‌مانده اصحاب در یک لحظه حاضر می‌شوند. از جمله «نور به خانه مؤمنینی که اطلاعی از ظهور ایشان ندارند، داخل می‌شود»، دانسته می‌شود که مربوط به اصحابی است که هنوز اطلاعی از ظهور ندارند، در واقع آنان هستند که به صورت معجزه‌آسا در کنار حضرت علیه السلام قرار می‌گیرند.

۷. از کلمه «ثم» در حدیث نیز که به معنی «سپس» است، متوجه می‌شویم در یک لحظه همگی اصحاب حاضر نمی‌شوند بلکه همان‌گونه که احادیث قبل اشاره کرده‌اند، به تدریج حضور می‌یابند ولی سپس باقی‌مانده آنان که هنوز اطلاعی از وقوع ظهور ندارند در یک شب حاضر می‌گردند.

۸. تبدیل نور به یک ستون نورانی از زمین تا آسمان که موجب خوشحالی مؤمنین می‌شود، ممکن است یک حادثه غیر محسوس باشد که اثرش در خارج همان خوشنودی مؤمنین است، یا فقط مؤمنینی که در کنار حضرت علیه السلام هستند،

شاهد یک ستون نورانی می‌باشند.

۹. این امکان وجود دارد که این ستون نورانی از زمین تا آسمان ارتباطی باشد میان امام علیه السلام با اصحاب فضایی ایشان که شامل ملائکه و دیگر موجودات فضایی و آسمانی^۱ است.

به هر حال، امام علیه السلام پس از ورود به مکه است که هم‌چنان مخفیانه در کوه‌های اطراف به سر می‌برند تا تعداد یارانشان به سیصد و سیزده نفر رسیده، آنگاه با آنان بیعت نموده و آنگاه یکی از یاران غیر از سیصد و سیزده نفر را که به نام «محمد بن الحسن» معروف به نفس زکیه به مسجد الحرام می‌فرستد و ماجراهای بعدی پیش می‌آید.

خطبه‌های روز ظهور

پس از آن‌که امام عصر علیه السلام در شب ظهور در حالی که مردم مکه خواب هستند کار تصرف نقاط حساس مکه را یکسره می‌کنند، در روز شنبه مصادف با عاشورا اعلان رسمی و جهانی ظهور می‌کنند.

لازم به یادآوری نیست که شیعیان در روز عاشورا به دلیل انجام مراسم عزاداری مشغول انجام سوگواری هستند، در حالی که امام علیه السلام ظهور جهانی خویش را اعلان می‌کنند.

ایشان پشت به کعبه و در کنار حجرالاسود ایستاده و سخنرانی خواهند کرد، و سخنرانی ایشان را تمام مردم زمین از شرق تا غرب، به زبان خویش

۱. شرح این مطلب را در کتاب «فرازمینی‌ها در آیات و روایات» بخش دوم آورده‌ایم و در جلد سوم همین کتاب نیز مفصل می‌آوریم.

(ترجمه شده) می شنوند و می بینند.

محمد بن مسلم گوید شنیدم حضرت باقر علیه السلام می فرماید:

«... هرگاه (مهدی علیه السلام) قیام کند، پشت به کعبه داده و سیصد و سیزده

مرد در کنار ایشان جمع می شوند و اولین سخنی که می گویند این آیه

را تلاوت می کنند: ﴿بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾^۱

(باقی مانده خدا برای شما بهتر است اگر مؤمن هستید).

سپس می فرماید: من بقية الله (باقی مانده الهی) بر روی زمین

هستم...»^۲.

جابر جعفی از حضرت باقر علیه السلام نقل می کند:

«... و مهدی از مدینه خارج می شود در حالی که ترسان و مراقب

است تا (با همین حالت) وارد مکه می شود... پس قائم علیه السلام میان رکن

و مقام برخاسته و نماز می گزارد و آن را تمام می کند در حالی که (در

همه حالتها) وزیرش همراه وی است...»^۳.

نکته جالب در حدیث فوق، حضور وزیر امام عصر علیه السلام در کنار ایشان است

که از لحظه خروج امام علیه السلام از مدینه همواره در کنار ایشان بوده است.

۱. هود (۱۱) آیه ۸۶.

۲. کمال الدین، ص ۳۳۱ - عن محمد بن مسلم قال: سمعت ابا جعفر علیه السلام يقول: «... فاذا

خرج أسند ظهره الى الكعبة و اجتمع اليه ثلاث مائة و ثلاثة عشر رجلا و اول ما

ينطق به هذه الآية ﴿بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ ثم يقول: أنا بقية الله في

أرضه...».

۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۲ - عن جابر جعفی عن ابي جعفر علیه السلام: «... و يخرج

المهدي منها على سنة موسى خائفاً يترقب حتى يقدم مكة...، فيقوم القائم بين الركن

و المقام فيصلی و ينصرف، و معه وزيره...».

حضرت باقر علیه السلام در جای دیگر می‌فرماید:

«... و قائم در این روز در مکه است در حالی که تکیه به بیت‌الحرام

داده و به آنجا پناهنده شده و مردم را می‌خواند:

ای مردم! ما از خدا و نیز هر کسی که به ما پاسخ دهد، یاری

می‌طلبیم و ما اهل بیت پیامبران محمد صلی الله علیه و آله هستیم و ما

نزدیک‌ترین شخص به خدا و محمد صلی الله علیه و آله هستیم.

هرکس با آدم علیه السلام با ما مقابله می‌کند، (بداند که) ما نزدیک‌ترین مردم

به آدم علیه السلام هستیم.

و هرکس با نوح علیه السلام با ما مقابله می‌کند، (بداند که) ما نزدیک‌ترین

مردم به نوح علیه السلام هستیم.

و هرکس با ابراهیم علیه السلام با ما مقابله می‌کند، (بداند که) ما نزدیک‌ترین

مردم به ابراهیم علیه السلام هستیم.

و هرکس با محمد صلی الله علیه و آله با ما مقابله می‌کند، (بداند که) ما

نزدیک‌ترین مردم به محمد صلی الله علیه و آله هستیم.

و هرکس با پیامبران علیهم السلام با ما مقابله می‌کند، (بداند که) ما

نزدیک‌ترین مردم به پیامبران علیهم السلام هستیم.

آیا خداوند در آیات محکم کتابش نفرموده: «خداوند آدم و نوح و

آل ابراهیم و آل عمران را بر جهانیان برگزید، خاندانی که برخی از

برخی دیگر هستند و خداوند شنوای دانا است»^۱. پس (بدانید) من

باقی مانده آدم و ذخیره شده نوح و برگزیده از ابراهیم و پاکیزه از

محمد صلی الله علیه و آله هستیم.

بدانید و هرکس در کتاب خدا با من مقابله کند، (بداند که) من نزدیک‌ترین مردم به کتاب خدا هستم.

بدانید و هرکس در سنت رسول الله ﷺ با من مقابله کند، (بداند که) من نزدیک‌ترین مردم به سنت رسول الله ﷺ هستم.

خدا را شاهد بر شما می‌گیرم تا هرکس امروز سخن من را شنید، شاهدان به غائبان خبر دهند و از شما می‌خواهم به حق خداوند و پیامبرش و به حق خودم - زیرا من بر شما حق خویشاوندی رسول الله ﷺ را دارم - که ما را یاری نموده و از کسانی که به ما ظلم کرده‌اند، پیشگیری کنید. زیرا ما را ترسانده و مورد ظلم قرار داده و از خانه‌ها و میان فرزندانمان بیرون نموده‌اند و بر ما ستم کرده و حقمان را بازداشته‌اند و اهل باطل بر ما چیره شده‌اند.

خدا را، خدا را درباره خودمان، که ما را محروم نکنید و یاریمان نمایید تا خدا شما را یاری کند»^۱.

۱. غیبت نعمانی، ص ۲۸۱ - قال ابو جعفر علیّه السلام: «... و القائم یومئذ بمکه، و قد اسند ظهره الی البیت الحرام، مستجیراً به ینادی یا ایها الناس انا نستنصر الله و من اجابنا من الناس و انا اهل بیت بیتکم محمد ﷺ و نحن اولی الناس بالله بمحمد ﷺ فمن حاجتی فی آدم فانا اولی الناس بآدم، و من حاجتی فی نوح فانا اولی الناس بنوح، و من حاجتی فی ابراهیم فانا اولی الناس بابراهیم، و من حاجتی فی محمد ﷺ فانا اولی الناس بمحمد و من حاجتی فی النبیین فانا اولی الناس بالنبیین. ألیس الله یقول فی محکم کتابه ﴿إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ • ذُرِّيَّةً بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾.

فانا بقية من آدم، و ذخيرة من نوح و مصطفی من ابراهیم و صفوة من محمد ﷺ ألا و من حاجتی فی کتاب الله فانا اولی الناس بکتاب الله، ألا و من

نکات مهم در حدیث:

۱. ناامنی‌های موجود در عربستان و حمله سپاه سفیانی موجب می‌شود که امام و یارانش به کعبه پناه برده و در همان‌جا اعلان ظهور کنند.
۲. سخنان امام علیه السلام حکایت از رفتار مسالمت‌آمیز ایشان دارد. این روش تمامی مردان الهی است که در ابتدا با سخنان بیدار کننده سخن می‌گویند و در صورت انکار و تکذیب و مورد حمله واقع شدن تنها از خود دفاع می‌کنند.
۳. ترس امام علیه السلام بر جان خویش نیست بلکه همانند ترس موسی علیه السلام از غلبه شیطان و شکست برنامه‌های الهی است.
۴. درخواست یاری ایشان عام و جهانی است و شامل تمامی انسان‌های روی زمین می‌شود و همگان نیز از طریق رسانه‌ها ایشان را مشاهده خواهند کرد.

موقعیت سپاه سفیانی هنگام ظهور

همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، با حمله سپاه سفیانی به مدینه امام عصر علیه السلام به اتفاق تعدادی از یارانشان که در مدینه به ایشان پیوسته‌اند، دسته دسته و به گونه‌ای مخفیانه از مدینه خارج شده و به سوی مکه روان می‌شوند. ایشان به

→ حَاجَتِي فِي سَنَةِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ، فَأَنَا أَوْلَى النَّاسِ سَنَةَ رَسُولِ اللَّهِ، فَأَنْشُدُ اللَّهَ مِنْ سَمْعِ كَلَامِي الْيَوْمَ لَمَّا بَلَغَ الشَّاهِدُ مِنْكُمْ الْغَائِبَ وَأَسْأَلُكُمْ بِحَقِّ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَبِحَقِّي - فَإِنَّ لِي عَلَيْكُمْ حَقَّ الْقُرْبَى مِنْ رَسُولِ اللَّهِ - إِلَّا اعْتَمَوْنَا، وَنَعْتَمُونَ مِمَّنْ يَظْلِمُنَا، فَقَدْ أَخْفَنَا وَظَلَمْنَا وَطَرَدْنَا مِنْ دِيَارِنَا وَأَبْنَائِنَا وَبَغَى عَلَيْنَا، وَدَفَعْنَا عَنْ حَقِّنَا فَأَوْتَرَ أَهْلَ الْبَاطِنِ عَلَيْنَا.

فَا لِّلّٰهِ فِينَا لَا تَخْذُونَا وَانصرونا ينصركم الله».

بخش سوم / فصل دوم: مقدمات ظهور ۱۶۷

همراه وزیرشان منصور خواهد بود. آنها به صورت مخفی و در لباس یک چوپان وارد مکه می‌شوند و در کوه‌های اطراف مکه مستقر می‌گردند. رفته رفته اصحاب نزد ایشان جمع می‌شوند.

در این هنگام اصحاب سفیانی وارد مدینه شده‌اند و مشغول غارت و چپاول آنجا هستند. امام علیه السلام سه مرتبه به سوی مدینه رفته و به مکه باز می‌گردد و اصحاب نیز به دنبال ایشان میان مکه و مدینه در رفت و آمد خواهند بود.

در این هنگام سپاهیان کمکی نیز از عراق به کمک سپاهیان قبلی سفیانی می‌شتابند. با افزوده شدن سپاهیان سفیانی و آگاهی یافتن آنها از رفت و آمد حضرت مهدی علیه السلام، در نهایت به دنبال ایشان به سوی مکه روان می‌شوند.

آنان در تعقیب حضرت مهدی علیه السلام و به منظور یکسره ساختن کار تخریب کعبه به سوی مکه حرکت می‌کنند. وقتی به صحرای بی‌آب و علف «بیداء» رسیدند اردو می‌زنند و خود را آماده حمله نهایی به مکه می‌نمایند. این حوادث مقارن با ظهور رسمی حضرت ولی عصر علیه السلام در مکه می‌باشد. به گونه‌ای که خبر نابودی سپاه سفیانی در بیداء پس از ظهور رسمی و اعلام رسمی و عمومی ظهور، پخش می‌شود.

حضرت باقر علیه السلام فرمود:

«سفیانی سپاهی را به سوی مدینه می‌فرستد و مهدی علیه السلام از آنجا به طرف مکه فرار می‌کند. فرمانده سفیانی خبردار می‌شود که مهدی علیه السلام به سوی مکه بیرون رفته است. پس سپاهی را به دنبال وی می‌فرستد ولی به ایشان نمی‌رسند و حضرت ولی عصر علیه السلام ترسان و مراقب مانند روش موسی علیه السلام وارد مکه می‌شود. سپاه

سفیانی (در مسیر تعقیب حضرت) در محل بیداء توقف می‌کنند که نداکننده‌ای از آسمان فریاد می‌زند: «ای بیداء (بیابان) این گروه را نابود کن» در نتیجه همگی به زمین فرو می‌روند و کسی از آنها نجات نمی‌یابد مگر سه نفر که صورت‌هایشان به پشت سر برمی‌گردد و درباره آنان این آیه نازل شده: «ای کسانی که کتاب داده شده‌اید، به آنچه نازل کرده‌ایم ایمان آورید که کتاب شما را تصدیق می‌کند، پیش از آن که به صورت‌هایی بزنیم و آنها را به پشت برگردانیم». در این هنگام قائم علیه السلام در مکه است در حالی که پشت به کعبه داده است...»^۱

همان‌گونه که در حدیث فوق مشهود است از حادثه زمین لرزه در بیداء فقط سه نفر نجات می‌یابند. اما در احادیث دیگر به صراحت اشاره شده است که هیچ کس نجات نمی‌یابد و فقط یک جوان ناظر ماجرا و نابودی سپاهیان سفیانی است که خبر نابودی این سپاه را می‌آورد.

ابن عباس گوید:

«... وقتی (سپاهیان سفیانی) در شبی مهتابی به «بیداء» می‌رسند، در

۱. نواب الدهور، ج ۲، ص ۳۷۴ - قال الباقر علیه السلام: «... و یبعث السفیانی بعثا الی المدینة فینفر المهدی منها الی مکه فیبلغ امیر جیش السفیانی ان المهدی قد خرج الی مکه فیبعث جیشا علی اثره فلا یدرکه حتی یدخل مکه خائفاً یشرب علی سنة موسی بن عمران. قال و ینزل امیر جیش السفیانی البیداء فینادی مناد من السماء یا بیداء بیدی بالقوم فیخسف بهم فلا یفلت منهم الا ثلاثة نفر یحوّل الله وجوههم الی اقفیتهم و هم من کلب و فیهم نزلت هذه الآیه: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ آمِنُوا بِمَا نَزَّلْنَا مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَطْمِئَسَ وَجُوهًا فَتَرُدَّهَا عَلَيَّ أَدْبَارَهَا﴾ قال و القائم یومئذ بمکه قد اسند ظهره الی البیت الحرام مستجیراً...»

آنجا فرود می‌آیند در حالی که چوپانی نظاره‌گر آنان است و (پیش خود) می‌گوید وای بر مردم مکه از بلایی که بر آنها وارد خواهد شد. آن‌گاه به دنبال گله خود می‌رود. پس از مدتی باز می‌گردد، هیچ کس را نمی‌بیند در حالی که همگی به زمین فرورفته‌اند... پس نزد مهدی علیه السلام آمده و بشارت می‌دهد...»^۱

اما از برخی روایات دیگر معلوم می‌شود که فقط یک نفر نجات می‌یابد.^۲ و برخی دیگر حاکی از آن است که دو نفر نجات می‌یابند که البته این دو نفر جزء سپاهیان سفیانی بوده‌اند اما در هنگام نزول بلا و زلزله در کنار سپاهیان نبودند و پس از حادثه در محل حاضر می‌شوند و جبرئیل نیز به گونه‌ی آنان می‌زند و صورتشان به پشت برمی‌گردد. آن‌که نام وی بشیر است نزد حضرت مهدی علیه السلام می‌رود و بشارت نابودی سپاه سفیانی را می‌برد و آن‌که نامش نذیر است نزد سفیانی بازگشته و فاجعه نابودی سپاهش را گزارش می‌دهد.^۳

با توجه به مجموع احادیث در این مورد احتمالاً از سپاه موجود در محل هیچ‌کدام جان سالم به در نبرند ولی دو نفر که از سپاه فاصله گرفته‌اند به نام بشیر و نذیر زنده مانده و شخص سومی که ناظر ماجرا بوده و همان چوپان مذکور است به عنوان تنها شخص سالم و بی‌درد و رنج محسوب می‌شود که خبر

۱. کتاب الفتن ابن حماد، ص ۲۰۲ - قال ابن العباس: «... فاذا اتوا البيداء فنزلوها في ليلة مقمرة اقبل راع ينظر اليهم يتعجب و يقول: يا ويح اهل مكة، ما اصابهم فينصرف الي غنمه ثم يرجع فلا يرى احداً، فاذا هم قد خسف بهم... فينطلق الي صاحب مكة فيبشره».

۲. کتاب سلیم بن قیس هلالی، ص ۱۹۷.

۳. معجم احادیث الامام المهدی، اثر کورانی، ج ۳، ص ۹۲.

نابودی این سپاه را نزد حضرت صاحب الامر علیه السلام می آورد.

محل زلزله در «بیداء» چندان مشخص نیست ولی با توجه به آنچه قرطبی در کتاب تذکره آورده است در نزدیکی «ذی الحلیفه» پس از مدینه می باشد^۱ و همان گونه که علامه حلی^۲ می گوید نماز گزاردن در این مکان کراهت دارد و محل خسف یا بیداء به فاصله یک مایل^۳ بعد از ذی الحلیفه (مسجد شجره) است.

بررسی ندهای عصر ظهور

شاید کمتر مسأله ای پیرامون ظهور امام عصر علیه السلام تا این حد مورد توجه بوده و به شکل های متفاوت و متنوعی گزارش شده است. اختلاف نظر در مورد ندها بسیار است و روایات نیز به شکل های مختلفی آنها را بیان نموده اند. پرسش های اساسی پیرامون ندهای پیش از ظهور در موارد زیر خلاصه می شود:

۱. ماهیت ندها
۲. زمان شروع ندها پیش از ظهور
۳. تنوع ندها از لحاظ کیفیت
۴. کثرت ندها از لحاظ کمیت
۵. تأثیر ندها بر شنوندگان

۱. همان، ج ۱، ص ۴۹۵.

۲. منتهی المطلب، ج ۲، ص ۶۷۹، اثر علامه حلی.

۳. حدود یکهزار و هفتصد متر.

۶. محور اصلی در نداها

۷. تنوع مکانی نداها

۸. کیفیت وقوع و انتشار نداها

مسایل هشت‌گانه فوق از مهمترین مسایل پیرامون نداها هستند.

۱. ماهیت نداها

برخی گمان می‌کنند ندهایی که پیش از ظهور و یا هنگام رخداد حوادث ظهور آشکار می‌شود، همگی غیبی و خارق‌العاده هستند. البته نمی‌توان گفت این نداها این‌گونه نیستند، شاید برخی از این نداها و فریادها که به نام «صیحه» یا «صوت» یا «نداء» یا «فزع» مطرح شده است، واقعاً خارق‌العاده و غیربشری باشند ولی این مقدار صدا و با این حجم و تنوع کیفی و مکانی و زمانی نمی‌تواند همگی خارق‌العاده و غیبی باشد. بلکه ناشی از یک روند طبیعی اما مؤثر بوده است. به عبارت دیگر این نداها که مدت‌ها پیش از ظهور آشکار می‌شود فقط به صورت صوت و صدا نیست بلکه ممکن است یک حادثه بزرگ همراه با یک پیام خاصی مبنی بر نزدیکی ظهور و یا بیدارباش برای مردم جهان یا یک منطقه باشد. به این ترتیب، وقوع انقلاب ایران، جنگ ایران و عراق، جنگ خلیج و انفجار یازدهم سپتامبر و... همگی می‌تواند از قبیل چنین ندهایی باشد. این نداها هرچند به ظاهر یک حادثه هستند ولی از حوادثی هستند که درون خود پیام مهمی مبنی بر نزدیکی ظهور دارند.

عجلان بن ابی صالح گوید: شنیدم حضرت صادق علیه السلام می‌فرماید:

«روزها و شب‌هایی نمی‌گذرد تا این‌که صدازنده‌ای از آسمان صدا

می‌زند: ای اهل حق جدا شوید و ای اهل باطل جدا شوید. پس آنها از این‌ها و این‌ها از آنها جدا خواهند شد. گفتیم: خدا شما را حفظ کند آیا آنها و این‌ها پس از این نداء، مخلوط خواهند شد؟ فرمود: خیر، خداوند در کتاب قرآن می‌فرماید: خداوند، مؤمنین را بر آنچه شما بر آن (ادّعا) هستید رها نمی‌سازد تا این‌که خبیث را از پاک جدا سازد.^۱

همان‌گونه که در حدیث شریف فوق مشاهده می‌شود، جدا شدن افراد از یکدیگر به جهت جدایی صفوف و مواضع فکری و رفتاری است. در واقع این یک عمل است که در پی یک ندا به وجود می‌آید. این یک دستور نیست بلکه یک سری عملیات است که در پی این عملیات صفوف و مواضع مؤمنین واقعی از مواضع غیرمؤمنین مشخص و جدا می‌گردد. در واقع صدا و ندا این کار را نکرده بلکه ندا و صدا حکایت از سلسله جریاناتی دارد و این صدا بیان‌گر آغاز این عملیات است.

در عرف هم گاهی می‌گوییم فلان حادثه عجب صدایی کرد. منظور تأثیر فوق‌العاده بر جامعه است، نه این‌که حادثه همراه با صدا یا ندا باشد.

شاید اکثریت نداهایی که در حوادث پیش از ظهور و حتی پس از ظهور واقع می‌شود، دارای چنین خصوصیتی باشد.^۲

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۲ - عن عجلان ابي صالح قال: سمعت ابا عبد الله عليه السلام يقول: «لا تمضى الايام و الليالي حتى ينادى مناد من السماء: يا اهل الحق اعتزلوا يا اهل الباطل اعتزلوا فيعزل هؤلاء من هؤلاء، و يعزل هؤلاء من هؤلاء، قال: قلت: أصلحك الله يخالط هؤلاء و هؤلاء بعد ذلك النداء؟ قال: كلاً انه يقول فى الكتاب: ﴿مَا كَانَ اللَّهُ لِيَذَرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَىٰ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتَّىٰ يَمِيزَ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ﴾ آل عمران: (۳): آیه ۱۷۹».

۲. در آینده پس از آن‌که روایات مربوط به نداها را مطرح کردیم، ماهیت نداها را بیشتر

به این ترتیب می‌توان صدا یا نداها را عصر ظهور را سه نوع دانست:
الف) صداهایی غیبی و خارق‌العاده که توسط جبرئیل یا هر یک از ملائکه
و به صورت خاص ظاهر می‌شود. این نداها بسیار اندک و ممکن است در مواقع
خاصی رخ دهد.

ب) حوادث مهم که موجب منتشر شدن خبر یا اخبار خاصی مربوط به
ظهور یا نزدیکی ظهور می‌شوند.

ج) صداهایی که از ناحیه انسان‌های خاص برخاسته و از طریق وسایل
ارتباط جمعی در اقصی نقاط جهان منتشر می‌شود. این مورد از نداها بیش از
همه و مورد دوم نیز بیش از مورد اول خواهد بود.

۲. زمان شروع نداها

با توصیفی که از نداها مطرح کردیم، چنانچه حوادث مهم را توأم با آغاز
انتشار صداها و نداها پیش از ظهور بدانیم در این صورت ظهور اولین نشانه
حتمی یعنی پیدایش فتنه شام و ظهور اسرائیل اولین ندا را ایجاد کرده است.^۱ اما
شاید مهم‌ترین صدا و ندا، ندایی باشد که موجب جدایی اهل حق و باطل
می‌گردد.

این ندا به دلیل ماهیت جداسازی میان حق و باطل با ندایی که از فتنه شام
برمی‌خیزد تفاوت دارد. زیرا فتنه شام و ظهور اسرائیل حداکثر تأثیری که دارد،
شرایط را برای بحران‌های بعدی مهیا می‌سازد و نقش مجازات و تنبیه و

→ بررسی خواهیم کرد.

۱. سپیده دم ظهور، ج ۱.

آماده‌سازی را ایفا می‌کند.

اما ندایی که موجب جداسازی میان حق و باطل می‌گردد، نقش مستقیمی در ایجاد فاصله میان اهل حق یعنی شیعیان و اصحاب واقعی امام عصر علیه السلام و اهل باطل یعنی مخالفان واقعی امام عصر علیه السلام دارد. بنابراین چنین ندایی حکایت از حادثه مهمی در میان شیعیان است و شیعیان واقعی را از شیعیان ناخالص یا غیرواقعی جدا می‌سازد. این حادثه در میان جامعه شیعیان واقع می‌شود زیرا غیرشیعیان از ابتدا در صف و دسته غیرحق و باطل قرار داشتند و نیاز به جداسازی ندارند، بلکه جداسازی فقط میان شیعیان است که هنوز مدعیان دروغین از مدعیان راستگو جدا نشده‌اند و آنان نیز در اثر یک حادثه مهم و حوادث بعدی از هم جدا می‌شوند. البته لازم به تذکر است، غیرشیعیان نیز ممکن است بعد از ظهور در زمره یاران حضرت قرار گیرند ولی این افراد پس از ظهور تغییر موضع می‌دهند و پیش از ظهور این تغییر تقریباً اختصاص به شیعیان دارد.

این حادثه مهم ناشی از انقلاب ایران می‌باشد که از لحظه وقوع تا کنون موجب شده است، شیعیان راستین و پیروان واقعی حضرت حجت علیه السلام از پیروان غیرواقعی و دروغین جدا شوند.

ابان بن تغلب گوید: شنیدم حضرت صادق علیه السلام فرمود:

«دنیا نمی‌گذرد (تمام نمی‌شود) تا صدازنده‌ای از آسمان صدا می‌دهد: «ای اهل حق جمع شوید»، در نتیجه اهل حق در گروهی واحد قرار می‌گیرند. سپس (همان صدازنده) دوباره صدا می‌دهد: «ای اهل باطل جمع شوید»، در نتیجه اهل باطل در گروهی واحد

قرار می‌گیرند.

گفتم: آیا این گروه داخل در آن گروه می‌شوند؟

فرمود: خیر، سوگند به خدا و این همان سخن خداوند است که فرمود:
(خداوند مؤمنین را بر آنچه (ادّعا) دارند رها نخواهد ساخت تا این‌که
پلیدان را از پاکان متمایز گرداند).^۱

نکات مهم حدیث فوق:

۱. صدایی که موجب می‌شود تا اهل حق جدا شوند، یک اجازه عمومی است که براساس آن حوادثی رخ خواهد داد تا نتیجه آن جدایی اهل حق و باطل می‌گردد. زیرا اگر غیر از این حالت باشد، و صدایی آمده و پس از صدا به یکباره صفوف حق و باطل جدا شود، با کلمه «فاء» که اشاره به تأخیر است عطف گرفته نمی‌شد و در این صورت عامل مهم اختیار نیز از میان می‌رفت. اما با توجه به سنت الهی مبنی بر حفظ آزادی انتخاب و اختیار انسان‌ها، هیچ‌گاه در مسأله هدایت و جدا شدن صفوف حق و باطل، عامل مصنوعی و تحمیلی به صورت صدا یا هر چیز دیگری عمل نمی‌کند مگر در جایی که هدف مجازات و عذاب گروه یا کسی باشد که در این صورت، آزادی انتخاب از آنان سلب شده و عذاب با اکراه و حتی انکار نیز نازل می‌گردد.

۱. ضیبت نعمانی، ص ۳۲۰ - عن ابان بن تغلب، قال: سمعت ابا عبد الله جعفر بن محمد عليه السلام يقول: «لا تذهب الدنيا حتى ينادى مناد من السماء: «يا اهل الحق اجتمعوا» فيصيرون في سعيد واحد، ثم ينادى مرة أخرى: «يا اهل الباطل اجتمعوا» فيصيرون في سعيد واحد، قلت: فيستطيع هؤلاء أن يدخلوا في هؤلاء؟ قال: لا والله، و ذلك قول الله عز وجل: ﴿مَا كَانَ اللَّهُ لِيَذَرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَىٰ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتَّىٰ يَمِيزَ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ﴾ آل عمران (۳): آیه ۱۷۹.

همان‌گونه که خداوند در قرآن نیز فرموده:

«ما ملائکه را جز به حق فرو نمی‌فرستیم و آن‌گاه مهلت داده نمی‌شوند.»^۱

بنابراین وقوع صدا برای جدا شدن نیروهای حق از باطل به دلیل عدم وقوع عذاب، نشان دهنده یک صدای ظاهری نیست بلکه به معنی آغاز یک سلسله حوادث پی‌درپی است که نتیجه‌اش جدایی افراد حق و باطل است.

۲. این ندا اولین ندا برای جدایی اهل حق است. به عبارت دیگر، حوادثی که موجب می‌شود اهل حق جدا شوند مقدم است. همین مطلب تأییدی بر جداسازی شیعیان واقعی از دیگران در وهله اول می‌باشد. در واقع با ظهور انقلاب اسلامی ایران اولین گام در پیدایش حوادث جداسازی شیعیان راستین برداشته شده است و هر روز که از انقلاب گذشته تعدادی از شیعیان خالص از ناخالص جدا شده‌اند و شیعیان خالص در اثر حوادث و رویدادهای بیشتری تصفیه شده و کامل‌تر می‌گردند، و در اعتقاد راسخ نسبت به امام عصر علیه السلام و منحصر به فرد بودن توجه به ایشان و عدم توجه به غیر از ایشان، محکم‌تر می‌شوند. تا جایی که هیچ‌کس و هیچ‌چیز را به صفات امام علیه السلام و مقام ایشان تشبیه نمی‌کنند تا چه رسد به ذات مقدس و سخنان ایشان.

۳. پس از آغاز جداسازی اهل حق، نوبت به جداسازی اهل باطل از اهل حق می‌رسد. وجود فاصله میان جداسازی اهل حق و باطل با کلمه «ثم» یعنی «سپس» معلوم می‌شود. زیرا در این کلمه تأخیر طولانی و با فاصله استنباط

۱. حجر (۱۵): آیه ۸.

می‌شود. بنابراین پس از مدتی که از جدا شدن اهل حق گذشت، حوادث به گونه‌ای رقم می‌خورد که اهل باطل نیز الگوی مطلوب و خوبی یافته و به دنبال آن می‌روند، زیرا گمان می‌کنند این الگو حق و درست است.

۴. این دو گروه به دنبال کسب هویت نهایی خویش هستند و پس از تثبیت هویت خویش هیچ تغییری نسبت به هم پیدا نمی‌کنند. این مطلب نشان می‌دهد که پیش از ظهور، حوادث به گونه‌ای است که بر سرکشی و انحراف افرادی که صفات پایدار و صحیح نیافته‌اند افزوده شده و کسانی که صفات پاک و ارزش‌های واقعی را به دست آورده‌اند، در این صفات پایدارتر و مستحکم‌تر گردیده تا جایی که هیچ‌کدام با دیگری مخلوط نخواهد شد.

۵. با توجه به احادیث دیگر^۱ این جداسازی تا ظهور و آزمایشات پس از ظهور ادامه می‌یابد و هر مقدار به ظهور نزدیک شویم، ایمان و اعتقاد اصحاب مهدی علیه السلام قوی‌تر و راسخ‌تر می‌گردد و در مقابل چهره اشخاص متزلزل و مشرک و کسانی که به امام علیه السلام شرک ورزیده‌اند و دیگران را در حدّ و میزان امام علیه السلام قرار داده‌اند، مشخص‌تر می‌شود.

۶. این مورد از ندا، گواه حادثه بودن چنین صدایی می‌باشد و می‌تواند یک ندا به صورت حادثه یا حوادثی واقع شود.

۳. تنوع نداها به لحاظ کیفیت

همان‌گونه که اشاره شد، نداها یا صداها به لحاظ مبدأ وقوع و ماهیتشان

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۹۷.

متفاوت و متعدد هستند، آنها هم‌چنین از لحاظ کیفیت نیز متعدد می‌باشند. یعنی برخی با تأثیر اندک، برخی با تأثیر بسیار و برخی دیگر بر عده‌ای خاص و برخی نیز با تأثیر عمومی و جهانی هستند. به این ترتیب این نداها را می‌توان این‌گونه درجه‌بندی نمود:

۱. ندهایی که مخصوص اهل حق یعنی شیعیان خاص است. مانند حدیث سابق^۱ که خطاب به اهل حق می‌گوید از اهل باطل جدا شوید.
 ۲. ندهایی که مخصوص اهل باطل است. مانند حدیث سابق که خطاب به اهل باطل است.^۲

۳. ندهایی که در منطقه خاصی ارائه می‌شود.
 این نداها در بخش هفتم بررسی نداها یعنی تنوع مکانی نداها بررسی می‌شود.

۴. ندهایی که عمومی بوده و در سطح جهان مطرح می‌شود.
 حضرت صادق علیه السلام فرمود:

«حضرت قائم علیه السلام قیام نمی‌کند مگر وقتی که از آسمان به نام وی ندایی آید... پس هیچ موجود صاحب روحی نیست مگر آن که آن صدا را می‌شنود...»^۳

۵. ندهایی که تأثیر غیر محسوس داشته‌اند. مانند حدیث پیشین^۴ که

۱. غیبت نعمانی، ص ۳۲۰.

۲. همان.

۳. غیبت نعمانی، ص ۲۹۰ - قال ابی عبدالله علیه السلام: «... و لا یخرج القائم حتی ینادی باسمه من جوف السماء... فلا یبقی شیء خلق الله فیہ الروح الا یسمع الصیحة...».

۴. غیبت نعمانی، ص ۳۲۰.

براساس آن اهل حق و اهل باطل به تدریج از هم جدا می‌شوند.

۶. نداهایی که تأثیر آنها محسوس و بسیار عمیق است. مانند احادیث ذیل:

ابوبصیر از حضرت صادق علیه السلام نقل می‌کند که فرمود:

«حضرت قائم علیه السلام قیام نمی‌کند مگر این که به نام ایشان از درون

آسمان در شب بیست و سوم (رمضان) و شب جمعه صدا زده

می‌شود.

گفتم: به چه چیزی ندا داده می‌شود؟

فرمود: به نام ایشان و نام پدرشان که: بدانید فلانی پسر فلانی قائم

آل محمد صلی الله علیه و آله است، از او شنیده و اطاعتش کنید. پس چیزی که

خداوند روح در آن ایجاد کرده (موجود صاحب روحی) باقی نمی‌ماند

مگر آن که این صیحه (صدا) را شنیده و در نتیجه آن (افراد) خواب

بیدار شده و از درون خانه‌اش بیرون می‌آید و دختران پرده‌نشین از

پرده‌ها بیرون آمده و قائم علیه السلام با شنیدن صدا قیام می‌کند، و آن

صیحه جبرئیل است»^۱.

و نیز حضرت صادق علیه السلام در مورد ندا می‌فرماید:

«... هرگاه صدا شنیده شد، صبح می‌کنند در حالی که (مانند

۱. همان، ص ۲۹۰ - عن ابی بصیر عن ابی عبدالله علیه السلام: «... و لا یخرج القائم حتی ینادی

باسمه من جوف السماء فی لیلة ثلاث و عشرين [فی شهر رمضان] لیلة جمعة. قلت:

بم ینادی؟ قال: باسمه و اسم ابيه: الا ان فلان بن فلان قائم آل محمد صلی الله علیه و آله فاسمعوا

له و اطیعوه، فلا یبقی شیء خلق الله فیہ الروح الا سمع الصیحة فتوقظ النائم، و

یخرج الی صحن داره، و تخرج العذراء من خدرها، و ینخرج القائم علیه السلام مما یسمع و

هی صیحة جبرئیل علیه السلام».

وحشت‌زدگان) مثل این است که بر سرشان پرنده‌ای نشسته باشد.^۱
چنین حالتی^۲ در اثر یک وحشت عمومی جهانی رخ می‌دهد و در این هنگام است که حضرت مهدی علیه السلام حرکت ظهور خویش را آغاز می‌کند.

۴. کمیت این نداها

همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد کمیت و تعداد این نداها بسیار می‌باشد و به دلیل محتوا و کمیت این نداها به این نتیجه رسیدیم که این نداها نمی‌تواند همگی به صورت خارق‌العاده و یا صدای محسوس باشد بلکه ترکیبی از سه حالت، صدای آسمانی و زمینی و حوادث است. این نداها را می‌توان در سه بخش برشمرد:

الف) نداهایی که پیش از ظهور واقع می‌شود.

ب) نداهایی که هنگام ظهور واقع می‌شود.

ج) نداهایی که پس از ظهور واقع می‌شود.

الف) نداهایی که پیش از ظهور واقع می‌گردد

این نداها متنوع و گسترده هستند:

۱. ندای شب بیست و سوم ماه رمضان

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۹۳؛ غیبت نعمانی، ص ۲۶۳ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال: «...»

اذا سمعوا الصوت اصبحوا و كانوا علی رؤسهم الطیر».

۲. در زبان عربی وقتی می‌خواهند شدت دهشت و حیرت کسی را در اثر حادثه‌ای بیان کنند او را تشبیه به کسی می‌کنند که بر سرش پرنده یا عقابی نشسته و آن شخص از فرط ترس یا هر عاملی نمی‌تواند تکان بخورد زیرا در این صورت آن پرنده پرواز می‌کند یا عکس‌العمل تندی نشان می‌دهد.

مهم‌ترین ندا در پیش از ظهور، ندای شب بیست و سوم ماه رمضان در شب جمعه است. این ندا در بسیاری از روایات به عنوان علامت و نشانه حتمی ظهور ذکر شده است و پس از این ندا وحشت عمومی خواهد شد.^۱

۲. سه ندا در ماه رجب

این سه ندا در ماه رجب و سال ظهور واقع خواهد شد، در حالی که سفیانی در این ماه قیام نموده و حضرت حجت علیه السلام نیز در همین ماه در مدینه حضور دارند.

حسن بن محبوب الزرّاد گوید: حضرت رضاع علیه السلام به من فرمود:

«ای حسن، به زودی فتنه‌ای گنگ و سنگین خواهد بود... مانند این است که مردم در مایوس‌ترین حالت صدایی می‌شنوند که افراد دور همانند افراد نزدیک آن را می‌شنوند و موجب رحمت مؤمنین و عذاب کافرین می‌گردد.

گفتم: پدر و مادرم فدای شما شوند، این چه ندایی است؟ فرمود: سه صدا در رجب است. اولین: «لعنت خدا بر ظالمین» و دومین: «ای گروه مؤمنان آمدنی، آمد» و سومین: «دست آشکاری را در بالای خورشید می‌بینند که صدا می‌زند: بدانید خداوند فلانی را برای هلاک ظالمان برانگیخت». در این هنگام، فرج مؤمنین می‌رسد و خداوند سینه‌هایشان را شفاء داده و خشم دل آنها را می‌زداید.^۲

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۱۹؛ غیبت نعمانی، ص ۲۹۰.

۲. غیبت نعمانی، ص ۱۸۱ - عن الحسن بن محبوب الزرّاد قال: قال لی الرضا علیه السلام: «انه یا حسن یكون فتنه صماء صیلم... کأنی به آیس ما کانوا، قد نودوا نداء یسمعه من

کاملاً آشکار است که این سه ندا در ماه رجب با ندای قبلی که در ماه رمضان واقع می‌شود هم از نظر مضمون و هم از نظر زمان وقوع متفاوت است و از آنجا که در ماه رجب واقع گردیده ارتباط مستقیمی با آشکار شدن حضرت در مدینه و قیام سفیانی در شام دارد، زیرا بشارت به آمدن ظهور و برانگیختن حضرت می‌دهد و ما می‌دانیم که امام علیه السلام در آن زمان در مدینه مخفی گردیده‌اند.

در برخی روایات این حادثه یعنی صیحه را به نام «آیه» آورده‌اند که به معنی نشانه است. یعنی نشانه‌ای که در ماه رجب رخ می‌دهد.

داود سرهان از حضرت صادق علیه السلام نقل می‌کند که فرمود:

«سالی که در آن صیحه روی می‌دهد پیش از آن، آیه «نشانه‌ای» در ماه رجب رخ می‌دهد. گفتم: آن نشانه چیست؟ فرمود: صورتی است که در ماه دیده شده و دستی آشکار می‌شود»^۱.

همان‌گونه که معلوم است در این‌جا علاوه بر دست آشکار در خورشید، صورتی نیز در ماه دیده می‌شود که پس از آن صیحه ماه رجب واقع می‌شود و یا همین حادثه حکایت از صیحه دارد و در اثر این حادثه، آن سه سخن که در حدیث قبل اشاره شد، میان مردم مطرح می‌شود.

→ بالبعد كما يسمعه من بالقرب، يكون رحمة على المؤمنين و عذاباً على الكافرين. فقلت: بأبي و أمي و ما ذلك النداء؟ قال: ثلاثة اصوات في رجب، أولها: «ألا لعنة الله على الظالمين» و الثاني: «أزفت الألفة يا معشر المؤمنين» و الثالث يرون يدا بارزاً مع قرن الشمس ينادي: «ألا إن الله قد بعث فلاناً على هلاك الظالمين». فعند ذلك يأتي المؤمنين الفرج، و يشفي الله صدورهم، و يذهب غيظ قلوبهم».

۱. همان، ص ۲۵۲ - عن داود بن سرحان، عن أبي عبد الله علیه السلام انه قال: «العام الذي فيه الصيحة قبله الآية في رجب، قلت: و ما هي؟ قال: وجه يطلع في القمر و يد بارزة».

۳. صدایی که از دمشق شنیده می‌شود

حضرت باقر علیه السلام فرمود:

«منتظر صدایی باشید که از جانب دمشق به شما می‌رسد، و در آن

گشایش بزرگی برای شما خواهد بود».^۱

واضح است که این صدا می‌تواند ندایی پس از حادثه بزرگ باشد. شاید

منظور صدایی است که پس از جنگ مهیب شام می‌آید و موجب نابودی

دشمنان اهل بیت علیهم السلام و شادی مؤمنین است، یا منظور ظهور سفیانی است که با

قیام وی مسأله ظهور حضرت حجت علیه السلام قطعی می‌گردد.

حضرت باقر علیه السلام فرمود:

«و نداکننده‌ای از آسمان ندا می‌کند و از جانب دمشق صدایی مبنی

بر فتح به شما می‌رسد و روستایی از روستاهای شما به نام «جایبه»^۲

تخریب می‌شود... و اولین سرزمینی که خراب می‌شود سرزمین شام

است سپس سه پرچم با هم می‌جنگند، پرچم اصبه و پرچم ابقع و

پرچم سفیانی...».^۳

نکات مهم در این حدیث:

۱. کاملاً روشن است که این ندا پیش از جنگ داخلی شام (جنگ

۱. همان، ص ۲۷۹ - عن ابی جعفر علیه السلام انه قال: «توقعوا الصوت یأتیکم بغتة من قبل دمشق، فیه لکم فرج عظیم».

۲. روستایی اطراف دمشق نزدیک جولان.

۳. غیبت نعمانی، ص ۲۷۹ - عن جابر عن ابی جعفر علیه السلام: «... و منادی ینادی من السماء و یجئکم الصوت من ناحیة دمشق بالفتح، و تخسف قرية من قری الشام تسمى الجابیة،... فاؤل ارض تخرب ارض الشام ثم یختلفون عند ذلك علی ثلاث رایات: رایة الاصبه، و رایة الابقع و رایة السفیانی...».

چهارم) ^۱ که منجر به ظهور سفیانی می‌شود واقع می‌گردد. این ندایی پیش از ظهور سفیانی است.

۲. البته این حدیث به نکته قابل توجهی نیز اشاره دارد، مبنی بر این که این ندا می‌تواند، ندایی از جانب انسان‌ها باشد که بشارت فتح اهل حق به نزدیکی ظهور مهدی علیه السلام باشد.

۳. در مورد این سه پرچم در جلد اول این کتاب شرح داده‌ایم.

۴. صدایی در قرقیسیاء ^۲

قرقیسیاء محل جنگ بزرگی است که پیش از سفیانی و یا کمی پس از قیام سفیانی واقع می‌شود. این جنگ میان قدرت‌های منطقه با ترک‌ها واقع می‌شود. حضرت صادق علیه السلام فرمود:

«برای خداوند در قرقیسیاء سفره‌ای است که آگاهی از آسمان آشکار می‌شود و صدا می‌زند ای پرندگان آسمان و ای درندگان زمین بشتابید به سوی اشباع شدن از گوشت ظالمان» ^۳.

۵. صدایی در نابودی حکومت عربستان

محمد بن حنفیه گوید:

«... برای بنی‌مرداس حکومت طولانی است، در حالی که در

۱. جنگ چهارم پس از جنگ سوم و در اثر خلاء قدرت امریکا در منطقه به وجود می‌آید. مراجعه کنید به جلد اول کتاب سپیده‌دم ظهور.

۲. قرقیسیاء، سرزمینی بر کرانه رود فرات در محل تلاقی سه کشور عراق و سوریه و ترکیه است.

۳. غیبت نعمانی، ص ۲۷۸ - عن ابی عبدالله علیه السلام انه قال: «انَّ لله مائدة بقرقیسیاء یطلع مطلع من السماء فینادی یا طیر السماء و یا سباع الارض هلموا الی الشبع من لحوم الجبارین».

حکومتشان هیچ خیری نمی‌شناسند، حکومتشان همراه با سختی است و آسانی در آن نیست، دور را نزدیک و نزدیک را دور می‌سازند تا زمانی که از تدبیر و عقاب الهی احساس ایمنی کردند، صیحه‌ای میان آنها زده می‌شود به گونه‌ای که برای آنان (اعراب) فرماندهی که آنها را گرد آورد و یا نداکننده‌ای که به آنان (وحدت را) تفهیم کند نخواهند داشت...»^۱

نکات مهم این حدیث:

۱. حکومت بنی‌مرداس اشاره به حکومت عباسیان است که در آخرالزمان دوباره در قالب اتحادیه عرب ظاهر شده است و عضو اصلی و مهم آن عربستان سعودی است.
۲. دور را نزدیک و نزدیک را دور می‌نمایند، اشاره به خودکامگی و ظلم و ستم آنان است.
۳. این حدیث دلیل بر تطابق صیحه و ندا بر حوادث است. از این حدیث متوجه می‌شویم که صیحه به عنوان حادثه هم واقع می‌شود، یعنی یک صدای پنهانی که آغاز حوادث متعدد است.
۴. صیحه می‌تواند پنهانی باشد و مردم صدا را نشنوند ولی آثار آن یعنی حوادث بعدی رخ نماید.

۱. غیبت نعمانی، ص ۲۹۱؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۴۶ - محمد بن الحنفیه رحمه الله يقول: «... انّ لبنی مرداس ملکاً موطّداً لا یعرفون فی سلطانهم شیئاً من الخیر سلطانهم عسر لیس فیہ یسر، یدنون فیہ البعید و یقصون فیہ القریب حتی اذا امنوا مکر الله و عقابه، صیح بهم صیحة لم یبق لهم [راع یجمعهم و] مناد یسمعهم و...».

۶. ندایی که در نیمه ماه رمضان می آید و در تأیید حرکت حضرت مهدی علیه السلام است^۱

ب) نداهای هنگام ظهور

این نداها نیز متنوع می باشند:

۱. ندا در لحظه ظهور توسط افراد و یاران حضرت علیه السلام

حضرت صادق علیه السلام فرمود:

«به اسم قائم علیه السلام ندا داده می شود، پس (اصحاب) نزد وی آمده، در حالی که ایشان پشت مقام (ابراهیم علیه السلام) ایستاده اند، و به ایشان گفته می شود: به نام شما ندا داده شده، پس منتظر چه هستید؟ سپس دست او را گرفته و با وی بیعت می کنند»^۲.

نکات مهم حدیث:

۱. همان گونه که مشهود است این ندا در لحظه ظهور آن حضرت علیه السلام است.

۲. آن کسی که خدمت امام علیه السلام می آید و بیعت می کند احتمالاً یکی از یاران

امام علیه السلام یا جبرئیل است.

۲. صدای جبرئیل به همراه حضرت مهدی علیه السلام

حضرت باقر علیه السلام فرمود:

«مانند این است که من قائم علیه السلام را ایستاده میان رکن و مقام در روز

عاشورا و روز شنبه می بینم در حالی که روبروی ایشان جبرئیل قرار

۱. مجمع البیان طبرسی، ج ۴، ص ۱۸۴.

۲. غیبت نعمانی، ص ۲۶۳ - عن ابی عبد الله علیه السلام انه قال: «ینادی باسم القائم علیه السلام فیوتی و هو خلف المقام، فیقال له: قد نودی باسمک فما تنتظر؟ ثم یؤخذ بیده فیابع».

دارد، صدا می‌زند: «بیعت متعلق به خداست»، پس (مهدی علیه السلام) جهان را پر از عدل خواهد کرد همان‌گونه که پر از ظلم و ستم شده است.^۱

۳. صدا هنگام خسف در بیابان بیداء

حضرت باقر علیه السلام در ضمن حرکت سپاه سفیانی می‌فرماید:

«پس فرمانده سپاه سفیانی در محل (بیابان) بیداء فرود می‌آید، نداکننده‌ای از آسمان ندا می‌دهد «ای بیداء این قوم را هلاک گردان»، پس زمین آنها را بلعیده و کسی از آنها نجات نمی‌یابد مگر سه نفر...»^۲

البته در حدیث دیگری^۳ به جای صیحه و صدای جبرئیل بر نابودی آنها، آمده که جبرئیل با گام خود به زمین می‌کوبد و زمین آنها را می‌بلعد. در هر صورت این صدا یا گام‌زدن حکایت از دستور غیبی بر نابودی آنها است و این تقارن دو نوع دستور اشاره به این است که ممکن است ندا و صیحه به معنای عمل و اجازه رخداد نیز باشد.

(ج) ندهای پس از ظهور

این ندها را در جلد سوم بررسی خواهیم کرد.

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۹۰؛ غیبت طوسی، ص ۴۵۳ - قال ابو جعفر علیه السلام: «کانی بالقائم یوم عاشورا یوم السبت قائماً بین الرکن و المقام، بین یدیه جبرئیل علیه السلام ینادی: البیعة لله فیملأها عدلاً کما ملئت ظلماً و جوراً».

۲. غیبت نعمانی، ص ۲۸۰ - قال الباقر علیه السلام: «فینزل امیر جیش السفیانی البیداء، فینادی من السماء «یا بیداء ایدى القوم» فیخسف بهم فلا یفلت منهم الا ثلاثة نفر...».

۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۸۷.

۵. تأثیر نداهای بر شنوندگان

این نداهای و صداهای تأثیرات متفاوت و گسترده و گاهی متضادی بر افراد و شنوندگان می‌گذارد. هدف این نداهای را براساس سه نوع ندا، می‌توان این‌گونه برشمرد:

۱. اهداف نداهای پیش از ظهور

الف) اعلان نزدیک بودن ظهور.

ب) جدا شدن تدریجی صفوف اهل حق (شیعیان واقعی حضرت مهدی علیه السلام) و اهل باطل (منحرفان از راه حضرت مهدی علیه السلام) و آزمایش مردم عصر ظهور.
ج) تقویت ایمان منتظران ظهور حضرت مهدی علیه السلام به گونه‌ای که آنان با شنیدن و دیدن این حوادث ایمانشان افزایش یافته و وجود امام علیه السلام و ظهور ایشان را قطعی می‌شناسند.

د) آمادگی اصحاب جهت روانه شدن به سوی امام مهدی علیه السلام. بخصوص این اعلان حرکت را در ندهایی که از دمشق می‌آید و هنگام قیام سفیانی می‌شنوند. آثار فوق از جمله مهم‌ترین آثار نداهای و صداهای پیش از ظهور است که در روایات مختلف قابل مشاهده است و ما به پاره‌ای از این روایات اشاره نمودیم.

۲. اهداف نداهای هنگام ظهور

الف) اعلام بیدار باش به مردم و آماده ساختن آنان برای استقبال از دولت حق.

ب) جمع شدن یاران به خدمت امام عصر علیه السلام.

ج) معرفی حضرت و رفع تردید و شک از کسانی که هنوز نسبت به ظهور بدبین و مشکوک هستند.

۳. هدف از نداهاى پس از ظهور

- الف) ترساندن و هشدار به مردم برای پرهیز از مقابله با حضرت.
- ب) آزمایش اصحاب برای تعیین اصحاب راستین و زدودن نیروهای فاسد.
- ج) تقویت ایمان تازه ایمانان و اصحاب امام عصر علیه السلام.

۶. محور اصلی نداها

- در بررسی کیفیت و کمیت نداها تا حدودی به محتوای این نداها اشاره نمودیم. محور اصلی این نداها را می‌توان در موارد زیر خلاصه نمود:
- الف) معرفی حضرت مهدی علیه السلام به عنوان منجی بشریت.^۱
 - ب) اعلام نزدیک شدن ظهور یا وقوع ظهور.^۲
 - ج) اعلام ظهور حضرت مهدی علیه السلام و دستور به شیعیان جهت رسیدن به خدمت ایشان و یاری نمودن آن حضرت علیه السلام.^۳
 - د) معرفی سپاهیان شیطان که در قالب سپاه سفیانی تبلور می‌یابند.^۴
 - ه) آزمایش و جداسازی افراد حق‌طلب و افراد باطل‌کیش.^۵
- حضرت صادق علیه السلام فرمود:

«شهادت می‌دهم که از پدرم شنیدم می‌فرمود: سوگند به خداوند این مطلب (ندا) در کتاب خداوند مشهود است. آنجا که می‌فرماید: «اگر

۱. غیبت نعمانی، ص ۲۹۰ و ۲۶۳.

۲. همان.

۳. همان، ص ۲۹۰.

۴. همان، ص ۲۶۰.

۵. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۲.

بخواییم آیه‌ای (نشانه‌ای) از آسمان نازل می‌کنیم تا گردن آنان در اثر آن خمیده شود»^۱ در این هنگام کسی بر روی زمین باقی نمی‌ماند مگر این که نسبت به آن سرافکننده و ذلیل می‌گردد. در نتیجه تمام مردم زمین، هرگاه این صدا را از آسمان می‌شنوند ایمان می‌آورند: «بدانید حق در علی بن ابی‌طالب و شیعیانش است». امام فرمود: هرگاه فردا رسید، ابلیس به بالا می‌رود تا از مردم زمین دور می‌شود. سپس فریاد می‌زند: «آگاه باشید، حق در عثمان بن عفان و شیعیانش بوده و او مظلومانه کشته شده است، پس انتقام خونش را بگیرید».

خداوند کسانی را که ایمان آورده‌اند با سخن ثابت بر حق، نگه می‌دارد و این همان ندای اول است ولی کسانی که در قلبشان مرض (نفاق) است دچار تردید می‌شوند و سوگند به خداوند مرض به معنی دشمنی ما (اهل بیت علیهم‌السلام) است. در این هنگام است که این افراد (منحرف) از ما بی‌زاری جسته و به ما توهین می‌کنند و می‌گویند: سخن‌گوی اول، جادویی از جادوهای این خانواده است...»^۲.

۱. شعرا (۲۶): آیه ۳.

۲. غیبت نعمانی، ص ۲۶۰ - عن ابی‌عبدالله علیه‌السلام: «اشهد انی قد سمعت ابی‌عبدالله علیه‌السلام یقول: والله ان ذلك في كتاب الله عزوجل لبين حيث يقول: ﴿إِنْ نَشَأْ نُنَزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ﴾ فلا يبقى في الارض يومئذ احد الا خضع وذلت رقبته لها فيومن اهل الارض اذا سمعوا الصوت من السماء: «الا ان الحق في علي بن ابی‌طالب علیه‌السلام و شيعته». قال: فاذا كان من الغد صعد ابليس في الهواء حتى يتواري عن اهل الارض ثم ينادي «الا ان الحق في عثمان بن عفان و شيعته فانه قتل

نکات مهم حدیث:

۱. ندای مهم که موجب جدایی گروه‌های باطل و گروه حق می‌شود همین ندا می‌باشد.
 ۲. در ابتدا به نفع اهل بیت علیهم‌السلام و معرفی حضرت مهدی علیه‌السلام ندا می‌آید. براساس این ندا تمامی مردم دنیا که این ندا را می‌شنوند به درستی آن اذعان کرده و ایمان می‌آورند.
 ۳. اما شیطان نیز برای فریب مردم بیکار نمی‌ماند و روز بعد (یا شب همان روز) اعلام می‌کند که حق در سفیانی و نیروهای طرفدار اوست.
 ۴. صدای ابلیس شبیه صدای جبرئیل در روز قبل است، به همین جهت است که مردم با شنیدن صدای دوم نمی‌توانند میان آنها تمایز قائل شوند. در نتیجه نمی‌توانند تشخیص دهند که کدام راست و کدام دروغ است.
 ۵. از شباهت میان این دو ندا معلوم می‌شود که هرچند ندای اول در باطن از سوی جبرئیل است ولی می‌تواند توسط انسانی اظهار شده باشد ولی در واقع جبرئیل بر زبان وی جاری کرده است.
- شبیه این مورد دربارهٔ دعبل خزاعی نیز وارد شده است، هنگامی که در مقابل حضرت رضا علیه‌السلام اشعاری دربارهٔ حضرت مهدی علیه‌السلام سرود و در مقابل امام رضا علیه‌السلام فرمود: که جبرئیل (روح الامین) از زبان تو سخن گفته است.^۱

→ مظلوماً فاطلبوا بدمه» قال: فثبت الله الذين آمنوا بالقول الثابت على الحق و هو النداء الاول و يرتاب يومئذ الذين في قلوبهم مرض و المرض و الله عداوتنا، فعند ذلك يتبرون منا و يتناولونا فيقولون: ان المنادي الاول سحر من سحر اهل (هذا) البيت».

۱. کمال الدین، ص ۳۷۲ - قال الرضا علیه‌السلام للخزاعی: «... یا خزاعی نطق روح القدس علی لسانک بهدین البیتین،...».

وقتی جبرئیل از زبان دعبل خزاعی سخن می‌گوید، از زبان انسان وارسته و مؤمن دیگری نیز می‌تواند سخن بگوید به گونه‌ای که تمام مردم جهان با ابزاری عادی یعنی رادیو و تلویزیون و اینترنت به زبان خود، آن را بشنوند و ببینند. شاید به همین دلیل است که دستگاه‌های دروغ‌پراکنی ابلیس در روز بعد این ندای حق را سحر و جادو شمرده و مردم را به تردید می‌افکند.

۶. بالا رفتن ابلیس به آسمان به گونه‌ای که از دیده مردم پنهان شده و از آنجا به دروغ پراکنی پردازد، نشان از استفاده و سایل آسمانی (ماهواره‌ای) جهت پراکنده کردن دروغ‌پردازی‌هایشان در سطح جهان دارد.

چگونه می‌توان از ورطه چنین آزمایش سختی نجات یافت؟

پاسخ بسیار آسان ولی در عمل بسیار مشکل است. گفتن جمله «پیروی از حق» آسان است ولی در عمل «تشخیص حق از باطل» مشکل می‌باشد. انسان‌ها در طول تاریخ در جستجوی حق بوده‌اند و هیچ وقت هم نمی‌خواستند، به دنبال باطل روند، ولی در عمل ندانسته به دام باطل و گمراهی افتاده‌اند. علت آن نیز ساده است زیرا انسان‌ها هرچند دوست دارند حق را بشناسند ولی همواره به دلیل شناختن ملاک حق دچار اشتباه شده‌اند و چیزی را که حق نبوده و در واقع باطل است را حق پنداشته و حتی به خاطر آن کشته نیز شده‌اند. اما تشخیص این ملاک و میزان نیز خود بحث طولانی دارد.^۱ ولی اجمالاً از آنجا که ما معتقد به خداوند و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هستیم و می‌دانیم راه نجات در

۱. برای تشخیص ملاک حق و باطل در دین اسلام و تشیع به کتاب اثبات الهداة اثر شیخ حرّ عاملی مراجعه فرمایید. در آینده نزدیک ان شاء الله کتاب «چرا شیعه هستیم» را نیز در این خصوص به رشته تحریر در می‌آوریم.

پیروی از ائمه اطهار علیهم السلام است و آنچه از آنان برجای مانده همان علوم آنان است که از طریق روایات به ما رسیده، طبیعی است که برای نجات از گرداب چنین خطاهایی و یافتن ملاک حق باید به روایات آنان مراجعه کرد و کسانی را که با این روایات مخالفت می‌کنند، طرد نمود و آنان که مطابق این روایات قدم برمی‌دارند را با شناختن منبع و مدرک سخن و عملشان که همان روایات هستند، پیروی نمود تا مبادا در دام شیادانی که خود را عالم دین می‌دانند ولی در عمل مخالف روایات اهل بیت علیهم السلام عمل می‌کنند، بیافتیم. در حوادث ظهور نیز آنچنان امتحان و آزمایش‌ها سخت و ابهام‌آمیز است که عده اندکی از آنها سالم بیرون می‌آیند.

عبدالرحمان بن مسلمة جریری گوید:

«خدمت حضرت صادق علیه السلام عرض کردم: (اهل سنت) ما را مسخره و تکذیب می‌کنند به این که ما معتقدیم دو صیحه (حق و باطل) خواهد بود. آنان می‌گویند: شما چگونه تشخیص می‌دهید که کدام حق و کدام باطل است؟»

حضرت علیه السلام فرمود: شما در جواب آنها چه می‌گویید؟

گفتم: چیزی نمی‌توانیم بگوییم.

امام علیه السلام فرمود: در جواب آنها بگویید: کسانی که پیش از این نداها به آنها ایمان آورده (و آنها را شناخته‌اند) آنها را تصدیق (و شناسایی) می‌کنند...»^۱

۱. کافی، ج ۸، ص ۲۰۹ - عن عبدالرحمان بن مسلمة الجریری قال: «قلت

زراره گوید:

«شنیدم حضرت صادق علیه السلام فرمود: نداکننده‌ای از آسمان صدا می‌زند که فلانی (حضرت مهدی علیه السلام) امیر شماست و نداکننده (دیگری) می‌گوید: علی علیه السلام و شیعیانش رستگار هستند.

گفتم: در این صورت پس از این نداها چه کسی با مهدی علیه السلام می‌جنگد؟ فرمود: شیطان فریاد می‌زند: فلانی (سفیانی) و شیعیانش رستگار هستند (یکی از مردان بنی‌امیه). گفتم: پس چه کسی صدای حق را از دروغ تشخیص می‌دهد؟

فرمود: کسانی (از شیعیان) که این (حادثه) را روایت کرده و پیش از وقوع، آن را (برای یکدیگر) گفته‌اند، و (براساس ملاک صحیح) می‌دانند که آنان برحق و راستگو هستند.^۱

بنابراین بهترین راه شناخت حق و باطل و نیز کسانی که پیرو حق یا باطل هستند، اجتناب کردن از افکار و احساسات جامعه فاسد و رو آوردن به روایات اهل بیت علیهم السلام است تا با شناخت حق و نشانه‌های آن بدون هیچ تزلزلی در عرصه ظهور حق را از باطل در هر لباس و شخصیتی تشخیص دهیم.

→ لابی عبدالله علیه السلام: یوبخونا یو یکذبونا انا نقول ان صیحتین تکونان یقولون: من ان تعرف المحقة من المبطله اذا کانتا؟ قال: فماذا تردون علیهم؟ قلت: ما نرد علیهم شیئاً. قال: قولوا: یصدق بها اذا کانت من کان یؤمن بها من قبل...».

۱. غیبت نعمانی، ص ۲۶۴ - عن زرارة قال: «سمعت ابا عبدالله علیه السلام یقول: ینادی مناد من السماء ان فلانا هو الامیر و ینادی مناد ان علیاً و شیعته هم الفائزون. قلت: فمن یقاتل المهدي بعد هذا؟ فقال: ان الشیطان ینادی: ان فلاناً و شیعته [هم] الفائزون لرجل من بنی‌امیه. قلت: فمن یعرف الصادق من الکاذب؟ قال: یعرفه الذین کانوا یروون و یقولون انه یكون قبل ان یكون و یعملون انهم هم المحققون الصادقون.».

۷. تنوع مکانی نداها

همان‌گونه که این نداها به لحاظ زمانی متفاوت هستند، از لحاظ مکان نیز متعدد می‌باشند.

۱. ندهایی که در شام است، از ظهور فتنه شام شروع می‌گردد و اوجش نیز با ظهور سفیانی است.

۲. ندهایی که در مشرق و بخصوص ایران ظاهر می‌شود.

۳. ندهایی که در تمامی منطقه خاورمیانه ظاهر می‌شود.

۴. ندهایی که از مکه و مسجدالحرام ظاهر می‌شود، بخصوص هنگام ظهور.

۵. ندهایی که در تمام جهان قابل شنیدن و تشخیص است، بخصوص ندای شب بیست و سوم رمضان که در سطح جهان به گوش همگان می‌رسد.

۶. ندایی که در مرحله خسف (فرورفتن) زمین در محل بیداء واقع می‌شود و به همراه آن سپاه سفیانی نابود می‌شود.

۷. ندهایی که در طول سفر و حرکت حضرت مهدی علیه السلام پس از ظهور و در مسیر مکه به مدینه و آن‌گاه کوفه شنیده می‌شود.

۸. کیفیت وقوع و انتشار نداها

پیش‌تر اشاره شد که برخی گمان می‌کنند این نداها صرفاً منشأی آسمانی دارد و از طریق جبرئیل یا دیگر ملائکه واقع می‌شود. البته در برخی روایات به صراحت نام جبرئیل آمده است، اما در برخی دیگر شواهدی در کنار این نداها آمده که بیشتر بر زمینی بودن آنها دلالت دارد.

ممکن است که علت تصور آسمانی بودن نداها از تصور خارق‌العاده بودن همگی آنها ناشی شده باشد ولی پس از آن که معلوم شد برخی از این نداها

این گونه نیست، نمی توان با قاطعیت همگی را ناشی از عالم غیب دانست. بخصوص می بینیم در ندای ماه رمضان و پس از ندای اول که مردم را به امام عصر علیه السلام دعوت می کند، به صراحت ندای دوم را ناشی از زمین و دستگاه سخن پراکنی شیطان از سطح زمین می داند به گونه ای که این ندا از زمین برخاسته و به آسمان می رود و سپس در سطح جهان پراکنده می شود. این حکایت کاملاً زمینی بودن این ندا را می رساند.^۱

در نتیجه با این بیان می توان به طور کلی منشأ وقوع و انتشار نداها را به اقسام زیر تقسیم نمود:

۱. نداهای حق که منشأ غیبی دارد و ممکن است مستقیماً از طریق غیب منتشر شود، مانند نداهای منسوب به جبرئیل علیه السلام.
۲. نداهای حقی که منشأ غیبی دارد ولی ممکن است با استفاده از ابزار معمولی و توسط انسان ها یا بنگاه های حق جو در سطح جهان مطرح شود و این ابزار انتشار می تواند، رادیو و تلویزیون، ماهواره، تلفن یا اینترنت باشد.
۳. نداهای حقی که منشأ غیبی نداشته و آشکارا از طریق افراد مطرح و منتشر می شود.
۴. نداهای باطلی که از طریق دستگاه شیطانی و ابزار معمولی و ماهواره در سطح جهان منتشر می شود. بخصوص که امام تصریح می کند پیام شیطان از روی زمین بالا رفته و بعد پخش می شود و همه می شنوند. پیداست که از ابزار ماهواره، و مانند آن استفاده شده است.
۵. نداهای حقی که به وسیله سفینه های فرازمینی موسوم به «ابر» منتشر می شود.

حضرت صادق علیه السلام از پدرانشان علیهم السلام در حدیث لوح می فرماید:

«م ح م د در آخر الزمان قیام می کند در حالی که بالای سرش «ابر»^۱ سفیدی است که برای پیشگیری از نور خورشید، بر وی سایه می افکند و با زبان آشکاری که اجنه و انسان ها و تمامی موجودات (روی زمین) می شنوند صدا می زند: او مهدی از آل محمد صلی الله علیه و آله است که زمین را پر از عدل می کند همان گونه که پر از ستم شده باشد»^۲.

اصحاب امام عصر علیه السلام

سخن پیرامون اصحاب مهدی علیه السلام بسیار است.^۳ در فصل های پیش اشاره هایی به برخی صفات و رفتارهای آنها داشتیم. در اینجا به عنوان فصل پایانی و حسن ختام جلد دوم، بررسی مختصری از اصحاب حضرت مهدی علیه السلام می آوریم.

۱. در کتاب «فرازمینی ها در آیات و روایات» کاملاً روشن نمودیم که استفاده از وسیله ای به نام «ابر» در روایات، جهت سفرهای فضایی و آسمانی بوده و از این وسیله برای محافظت و نگهداری از امام عصر علیه السلام نیز استفاده می شود. خدمه این وسیله های فضایی موجوداتی از طرفداران امام علیه السلام در آسمان ها به نام ساکنین «جابلقا و جابرسا» هستند. برای توضیح بیشتر لطفاً به کتاب مذکور اثر اینجانب مراجعه فرمایید.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۸ و امالی شیخ طوسی، ص ۲۹۲ - عن ابی عبدالله علیه السلام عن ایبه علیه السلام فی حدیث اللوح: «م ح م د یخرج فی آخر الزمان علی رأسه غمامة بیضاء تظله من الشمس، تنادی فصیح یسمعه الثقلین و الخاقین: هو المهدی من آل محمد صلی الله علیه و آله یملا الارض عدلاً كما ملئت جوراً».

۳. به زودی کتاب مستقلی پیرامون «اصحاب مهدی علیه السلام» ان شاء الله منتشر خواهیم کرد.

در قرآن کریم آنان را به نام‌های «متوسمین»^۱ و «قوم»^۲ و «امة معدودة»^۳ و «قوة»^۴ می‌شناسیم. در روایات نیز علاوه بر نام‌های فوق به نام «جیش الغضب»^۵ و «انصارالمهدی»^۶ و «اصحاب المهدی»^۷ و «حلقه»^۸ و «مفقود شده‌ها (ریوده شده‌ها)»^۹ و «اولی قوّة»^{۱۰} نامیده شده‌اند.

آنان به لحاظ ایمان و تقوی کم نظیر، از لحاظ شجاعت و دلیری پس از ظهور، بی‌همتا و پیش از ظهور ترسان^{۱۱} هستند. از نظر عشق قلبی به امام علیه السلام بی‌مثال می‌باشند به گونه‌ای که هیچ کس و مطلقاً هیچ کس را جز امام عصر علیه السلام شایسته اطاعت و تسلیم شدن نمی‌دانند. هرچند مانند امام علیه السلام برای دوری از بیعت طاغوت‌های زمان، توان غیبت کردن ندارند و به ظاهر با طاغوت‌های زمان خویش بیعت می‌کنند ولی دل آنان همانند قنبدیلی به آسمان محبت و اطاعت و بیعت مهدی علیه السلام آویزان و وابسته است، و در دل آنان محبت هیچ کس

۱. حجر (۱۵) آیه ۷۵. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۷.
۲. انعام (۶): آیه ۸۹؛ مائده (۵) آیه ۵۷. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۰.
۳. هود (۱۱): آیه ۸. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۶.
۴. هود (۱۱): آیه ۸۰. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۷.
۵. غیبت نعمانی، ص ۳۱۱.
۶. کشف الغمه، ج ۳، ص ۲۷۹، اثر ابن ابی الفتح الأربلی.
۷. مختصر بصائر الدرجات، ص ۱۸۹، اثر حسن بن سلیمان حلی.
۸. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۷.
۹. همان، ص ۳۶۹.
۱۰. همان، ص ۳۲۳.
۱۱. همان، ص ۳۷۲ و ۳۳۶ - پیش از ظهور، اصحاب امام علیه السلام به دلیل حاکمیت باطل بر سطح جهان در ترس و نگرانی هستند ولی با ظهور حضرت، خداوند ترس را از دل آنها بیرون آورده و در دل دشمنانشان جای خواهد داد. به روایات ص ۳۷۲ و ۳۳۶ کتاب بحار الانوار، ج ۵۲ مراجعه فرمایید.

در کنار و همراه محبت امام عصر علیه السلام نیست.

همان‌گونه که حضرت صادق علیه السلام در مورد آنان می‌فرماید از کنیز نسبت به امام علیه السلام مطیع‌تر هستند.

حضرت صادق علیه السلام در وصف اصحاب مهدی علیه السلام می‌فرماید:

«... آنها در پیروی از امام علیه السلام از پیروی کنیز نسبت به مولایش، فرمان‌بردارتر هستند...»^۱

آنان با چنین سرسپردگی به امام علیه السلام، پیش از ظهور نیز به کس دیگری دلبسته یا مطیع و فرمان‌بردار نخواهند شد. حوادث پیش از ظهور نه تنها ایمان و عشق آنان را به حضرت مهدی علیه السلام کم نمی‌کند بلکه این حوادث دیگران را مشغول دنیاطلبی و جاه‌طلبی و مقام‌پرستی می‌کند در حالی که آنان از همه چیز و همه کس روی گردان شده و دل در گرو ظهور مولایشان می‌گذارند، به همین خاطر است که به هر میزان حوادث ظهور خیره‌کننده‌تر و گمراه‌کننده‌تر می‌شود، یاران راستین حضرت مهدی علیه السلام پخته‌تر و نسبت به عشق به امام علیه السلام خالص‌تر می‌شوند.^۲

هرچند شهرهای آنان دور است ولی احساس، عواطف، خواست‌ها، میزان سرسپردگی، ایمان و اعتقادشان یکسان است، حتی ظاهر آنان نیز یکسان است.

۱. همان، ص ۳۰۸ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال: «... هم اطوع له من الامة لسیدها...».

۲. متأسفانه در میان برخی شیعه نمایان می‌بینیم که عشق به امام عصر علیه السلام را به صورت مشروط عنوان می‌کنند در حالی که نمی‌دانند وقتی پیش از ظهور این چنین نسبت به حضرت علیه السلام شریک و همانند قائل می‌شوند، پس از ظهور چه بلایی بر سر آنان خواهد آمد؟ باید بدانید که عشق به حضرت مهدی علیه السلام باید خالصانه و بی‌قید و شرط باشد تا بتوان آن را خالص دانست و هرگونه شرط گذاشتن در پیروی و عشق به حضرت ناشی از بی‌دینی و شرک درونی افراد است که به تدریج آشکار خواهد شد.

سید بن طاووس در کتاب سعد السعود گوید:

«من در صحف ادریس نبی علیه السلام دیدم، هنگامی که ابلیس^۱ از خداوند تقاضای مهلت کرد و گفت: پروردگارا من را تا روز قیامت مهلت بده. خداوند فرمود: خیر ولی به تو تا روز وقت معلوم (روز ظهور امام عصر علیه السلام) مهلت^۲ می‌دهم. زیرا آن روز، زمانی است که حکم حتمی نمودم تا زمین را در آن روز از کفر و شرک و گناه پاک سازم و برای آن روز بندگان از میان بندگانم انتخاب نموده‌ام که قلب‌هایشان را برای ایمان امتحان نموده و آن را پر از پرهیزگاری و اخلاص و یقین و تقوی و خشوع و راستی و بردباری و صبر و وقار و خودداری و بی‌رغبتی به دنیا و شوق به آنچه نزد خودم است، قرار داده‌ام...»^۳.

۱. ابلیس لعین پس از آن که به آدم علیه السلام سجده نکرد و نافرمانی خداوند نمود از درگاه الهی تبعید شد ولی وی از خداوند مهلت خواست تا تنبیه وی تا روز قیامت به تأخیر افتد و خداوند تا روز وقت معلوم یعنی ظهور ظهور (یا رجعت) به او مهلت داد تا بتواند مردم را گمراه کند و تا آن روز بر موجودات هستی تسلط یافته و از تمام ابزار درگمراه نمودن آنان استفاده می‌کند.

۲. روز ظهور زمانی است که ابلیس از تسلط یافتن بر هستی گمراه نمودن مخلوقات ناامید می‌شود ولی پیش از قیامت نابود می‌شود (به جلد سوم این کتاب مراجعه نمایید).

۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۴ - ذکر السید بن طاووس رحمته الله فی کتاب سعد السعود اُنی وجدت فی صحف ادریس النبى علیه السلام عند ذکر سؤال ابلیس و جواب الله له قال رب فأنظرنی الی یوم یبعثون قال: لا، ولکنک من المنظرین الی یوم الوقت المعلوم، فأنه یوم قضیت و حتمت ان أظهر الارض ذلك الیوم من الکفر و الشرک و المعاصی. وانتخبیت لذلك الوقت عباداً لی امتحنت لذلك الوقت عباداً لی امتحنت قلوبهم للإیمان، و حشوتها بالورع و الاخلاص و الیقین و التقوی و الخشوع و الصدق و الحلم و الصبر و الوقار و التقی و الزهد فی الدنیا و الرغبة فیما عندی...».

بخش سوم / فصل دوم: مقدمات ظهور ۲۰۱

این صفات شخصیتی یکسان و هماهنگ را در آنها ایجاد می‌نماید به گونه‌ای که اگر همه را در یک جا جمع کنیم با یک شخصیت فکری و اعتقادی مواجه می‌شویم. هرچند تا پیش از ظهور پراکنده بوده و همدیگر را نمی‌شناسند. مگر تعداد اندکی از آنها که به صورت گروه گروه با هم آشنا و هماهنگ می‌شوند.

عامل اصلی مشترک و صفت بارز میان آنها میزان سرسپردگی به امام علیه السلام است. عشق به امام علیه السلام آنچنان در وجود آنها جریان دارد که هیچ کس را در این مسیر به عنوان واسطه یا حائل و مزاحم نمی‌بینند.

حضرت صادق علیه السلام فرمود:

«برای مهدی علیه السلام (گنجی) در طالقان است که از جنس طلا و نقره نیست، و او (مهدی علیه السلام) پرچمی دارد، از زمانی که جمع شده باز نشده است، و یارانی دارد که قلب‌هایشان مانند پاره‌های آهن است، آنها هیچ شکی در ذات خداوند ندارند و از سنگ محکم‌تر می‌باشند. اگر بر کوه‌ها حمله‌ور شوند، آنها را نابود می‌سازند و با پرچم خود به شهری حمله نمی‌کنند مگر آن که خرابش می‌نمایند.

مانند این است که بر اسب‌های آنها عقاب نشسته است (اما به این حال) دست خود را به زین امام علیه السلام می‌کشند و با آن برکت می‌جویند و او (مهدی علیه السلام) را احاطه نموده و با جان خود در جنگ‌ها از امام علیه السلام محافظت می‌کنند و هر خواستی که امام علیه السلام داشته باشند، انجام می‌دهند.

آنها مردانی هستند که شب نمی‌خوابند، صدایی در هنگام نماز دارند مانند صدای زنبور. شب‌ها را به عبادت می‌گذرانند و روزها بر (پشت) اسب‌ها سپری می‌کنند، شب‌ها رهبان و روزها همچون شیر (دلیر)

می‌باشند.

آنها نسبت به امام علیه السلام فرمان بردارتر از کنیز نسبت به مولایش هستند. قلب‌هایشان مانند چراغ، روشن است و از ترس خداوند، ترسان بوده و برای شهادت دعا می‌کنند و آرزو دارند تا در راه خداوند به شهادت رسند.

شعارشان «ای خون‌خواهان حسین» است. هرگاه حرکت می‌کنند «وحشت» به مقدار یک ماه پیش روی آنها حرکت می‌کند. به شکل خاصی به سوی امام علیه السلام می‌روند و خداوند به وسیله آنها امام حق علیه السلام را یاری می‌نماید.^۱

اصحاب آنچنان در امام عصر علیه السلام منحصر شده‌اند که هیچ حرکت و شخصیتی در پیش از ظهور برای آنان جالب و توجه‌برانگیز نیست.

عیص بن قاسم گوید: شنیدم حضرت صادق علیه السلام می‌فرماید:

«بر شما باد به تقوای خداوند و احد بدون شریک و مواظب جان خودتان باشید. سوگند به خداوند اگر کسی گله گوسفند و چوپانی

۱. همان، ص ۳۰۸ - عن ابی عبد الله علیه السلام قال: «له كنز بالطالقان ما هو بذهب و لا فضة و رایة لم تنشر منذ طویت، و رجال كأن قلوبهم زبر الحديد لا يشوبها شك في ذات الله اشد من الحجر، لو حملوا على الجبال لأزالوها، لا يقصدون برایاتهم بلدة إلا خربوها، كأن على خيولهم العقبان يتمسحون بسرج الامام علیه السلام يطلبون بذلك البركة و يحقون به يقونه بأنفسهم في الحرب و يكفونه ما يريد فيهم.

رجال لا ينامون الليل، لهم دوى في صلاتهم كدوى النحل، يبيتون قياماً على اطرافهم و يصبحون على خيولهم، رهبان بالليل ليوث بالنهار، هم أطوع له من الامة لسيدها، كالمصاييح كأن قلوبهم القناديل و هم من خشية الله مشفقون يدعون بالشهادة، و يتمنون ان يقتلوا في سبيل الله شعارهم «يا لثارات الحسين» اذا ساروا يسير الرعب امامهم مسيرة شهر يمشون الى المولى ارسالاً، بهم ينصر الله امام الحق».

داشته باشد، چنانچه چوپانی بیاید که از چوپان قبلی به امور گوسفندان آگاهتر باشد، چوپان قبلی را بیرون رانده و چوپانی که آگاهتر به گوسفندان است جای وی می‌گذارد.

سوگند به خداوند اگر هریک از شما (شیعیان) دو جان داشتید تا با یکی مبارزه کرده و تجربه کسب نماید، سپس جان دیگر (سالم) باقی‌مانده و با آن براساس آنچه یاد گرفته (و روشن شده) عمل نماید، (که در این صورت مشکلی نبود).

اما (آن شخص) یک نفس بیشتر ندارد و اگر آن جان رفت (فوت نمود)، به خدا سوگند که (فرصت) توبه نیز از بین می‌رود. پس شما سزاوارترید تا برای خود (خیر را) انتخاب کنید. اگر کسی نزد شما آمد، توجه کنید برای چه هدفی قیام (خروج) می‌کنید؟ نگویید (پس چرا) زید هم قیام کرد. زید عالم (به دین) بود و راست می‌گفت و به (پیروی) از خودش دعوت نمی‌کرد. بلکه به «راضی از آل محمد» دعوت می‌کرد و اگر پیروز می‌شد در واقع به آنچه ادعا کرده بود عمل می‌کرد، و در حقیقت او علیه سلطانی با قدرت قیام می‌کند تا آن را نابود سازد (نه این‌که آن را از بین ببرد و سپس خودش جای او را بگیرد).

پس اگر کسی از سوی ما (اهل بیت علیهم‌السلام) قیام کند، شما را به سوی چه چیزی دعوت می‌کند؟ به سوی «راضی از آل محمد»؟

ما (اهل بیت) شهادت می‌دهیم که ما به او راضی نیستیم، و او در آن روز نافرمانی ما را کرده است، و هیچ‌کس (از اهل بیت علیهم‌السلام) همراه او نخواهد بود، و در حالی که پرچم‌ها و گروه‌های مختلفی (قیام می‌کنند) سزاوارتر است که وی را حرف شنوی خویش ندانیم (زیرا ما

سکوت کرده‌ایم ولی او برخلاف رضای ما قیام نموده است و در واقع پیرو گروه‌های سرکش و قیام‌کننده بوده تا پیرو ما اهل بیت (علیهم‌السلام)، مگر این‌که به همراه کسی قیام کند که فرزندان فاطمه گرد او جمع شوند. سوگند به خداوند صاحب شما (برای قیام) کسی نیست مگر آن کسی که (سادات) دور او جمع می‌شوند (حضرت مهدی علیه‌السلام). هرگاه ماه رجب (سال ظهور) بود به نام خدا حرکت کنید، و اگر دوست داشتید تا ماه شعبان عقب اندازید، زیانی ندارد و اگر دوست داشتید در میان خانواده خویش روزه بگیرید، شاید برای تقویت (ایمان) شما بهتر باشد، و سفیانی به عنوان علامت (برای حرکت) شما کافی است»^۱.

۱. همان، ص ۳۰۲ - عن عیص بن القاسم قال: سمعت ابا عبد الله علیه‌السلام يقول: «علیکم بتقوی الله وحده لا شریک له، و انظروا لانفسکم فوالله ان الرجل لیکون له الغنم فیها الراعی، فاذا وجد رجلاً هو اعلم بغنمه من الذی هو فیها، ینخرجه و یجیء بذلك الذی هو اعلم بغنمه من الذی کان فیها. والله لو كانت لأحدکم نفسان یقاتل بواحدة یجرب بها، ثم كانت الاخری باقیة فعمل علی ما قد استبان لها، و لکن له نفس واحدة اذا ذهبت فقد والله ذهبت التوبة، فأنتم احق ان تختاروا الأنفسکم ان أتاکم أت منّا فانظروا علی ای شیء تخرجون؟ و لاتقولوا خرج زید، فانّ زیداً کان عالماً و کان صدوقاً و لم یدعکم الی نفسه انما دعاکم الی الرّضی من آل محمد و لو ظهر لوفی بما دعاکم الیه انما خرج الی سلطان مجتمع لینقضه. فالخارج منا الیوم الی ای شیء یدعوکم؟ الی الرّضی من آل محمد صلی الله علیه و آله؟ فنحن نشهدکم انّا لنا نرضی به، و هو یعصینا الیوم، و لیس معه احد، و هو اذا كانت الرايات و الالویة اجدر ان لا یسمع منا الا [مع] من اجتمعت بنو فاطمة معه فوالله ما صاحبکم الا من اجتمعوا علیه اذا کان رجب فاقبلوا علی اسم الله عزوجل و ان احببتم ان تتأخروا الی شعبان فلا ضیر، و ان احببتم ان تصوموا فی اهلایکم فلعلّ ذلك ان یکون اقوی لکم، و کفاکم بالسفیانی علامة».

نکات مهم در این حدیث:

۱. سرسپردگی کامل اصحاب به امام عصر علیه السلام و دستورات اهل بیت علیهم السلام.
۲. اصحاب مهدی علیه السلام آنچنان تابع اهل بیت علیهم السلام هستند که نه تنها در قیام تابع آنان هستند بلکه در سکوت نیز تابع بدون چون و چرا هستند ولی متأسفانه برخی فقط در آنچه قبول دارند و می‌فهمند تابع اهل بیت علیهم السلام هستند، اما در جاهایی که خود تشخیص می‌دهند هرچند از امام علیه السلام نهی رسیده باشد، نافرمانی می‌کنند، زهی تأسف به این شیعه‌نمایان که در عصر ظهور دچار هلاکت اعتقادی می‌شوند بدون آن‌که این بیچارگان بفهمند. آنان زمانی به خطای فکری خویش پی می‌برند که مواجه با ظهور حضرت علیه السلام شوند که دیگر بسیار دیر است و ممکن است در مقابل امام علیه السلام قرار گیرند.
۳. تنها موردی که به شیعیان اجازه داده‌اند به همراه وی قیام کنند به قریبه علامت و نشانه سفیانی کاملاً مشهود است که منظور ایشان حضرت مهدی علیه السلام است. سدیر از حضرت صادق علیه السلام نقل می‌کند که فرمود:

«ای سدیر! همواره در خانه نشین و مانند فرش (بالش) خانه‌ات باش (قیام نکن) و ساکن باش تا زمانی که شب و روز ساکن است، هرگاه شنیدی سفیانی قیام کرد، به سوی ما (مهدی علیه السلام) حرکت کن حتی اگر پیاده بیایی.»^۱

از حدیث فوق کاملاً آشکار می‌شود که اصحاب تا ماه رجب از سال ظهور

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۳؛ کافی، ج ۸، ص ۲۶۴ - عن سدیر قال: قال ابو عبد الله علیه السلام: «یا سدیر الزم بیتک و کن حلّیاً من احلاس و اسکن ما سکن اللیل و النهار فاذا بلغک ان السفیانی قد خرج فأرحل الینا ولو علی رجلك».

صبر و تحمل می‌کنند و آن‌گاه که سفیانی قیام کرد، سراسیمه خود را به حضرت مهدی علیه السلام می‌رسانند.

حضرت سجاد علیه السلام فرمود:

«سوگند به خداوند هیچ‌کس از ما (اهل بیت علیهم السلام) پیش از قیام قائم علیه السلام، قیام نمی‌کند مگر آن‌که مانند جوجه کبوتری است که پیش از بزرگ شدن بال‌هایش از لانه‌اش پرواز کند، و در نتیجه به دست کودکان افتاده و با آن بازی کنند»^۱.

با توجه به حدیث فوق کسانی که به دستور اهل بیت علیهم السلام اعتنا نکنند، در نهایت بازیچه افراد جاه‌طلب و سبک‌سز خواهند شد، چیزی که به هیچ‌وجه شایسته شأن اصحاب حضرت مهدی علیه السلام نیست.

به این ترتیب اصحاب امام علیه السلام در فکر و حتی ظاهر نیز بسیار شبیه هم هستند هرچند در مکان از هم فاصله داشته باشند و تابع هرکسی که برخلاف کلام و فرمان اهل بیت علیهم السلام اقدامی کند، نمی‌شوند.

اصحاب محفوظ هستند

آنان پیش از ظهور به صورت‌های مختلف به رسالت و مأموریت خویش واقف می‌شوند به گونه‌ای که بسیاری از آنها با مشاهده این علائم و نشانه‌ها به سوی امام علیه السلام حرکت می‌کنند. در این‌جا به برخی از این نشانه‌ها اشاره می‌کنیم.^۲

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۲؛ کافی، ج ۸، ص ۲۶۴ - علی بن الحسین علیه السلام قال: «والله لا يخرج واحد منا قبل خروج القائم الا كان مثله مثل فرخ طار من وكره، قبل ان يستوى جناحاه، فأخذه الصبيان فعبثوا به».

۲. بررسی بیشتر در این باره را به کتاب «اصحاب مهدی علیه السلام» موكول می‌کنیم.

۱. دیدن دعوت‌نامه در زیر بالش

عبدالله بن عجلان گوید:

«قیام قائم علیه السلام را نزد حضرت صادق علیه السلام مطرح کردیم و من به ایشان عرض کردم: ما چگونه این (ظهور) را تشخیص دهیم (تا حرکت کنیم)؟»

امام صادق علیه السلام فرمود: هر یک از شما (اصحاب) وقتی بیدار می‌شود زیر سرش نامه‌ای می‌یابد که بر آن نوشته شده «اطاعتی نیک (واجب) می‌باشد».^۱

این اولین نشانه‌ای است که اصحاب مهدی علیه السلام مشاهده می‌کنند. البته ممکن است این نشانه را در بیداری و یا حتی در خواب مشاهده کنند.

۲. احساس قدرت چهل نفر

از دیگر خصوصیات اختصاصی اصحاب حضرت مهدی علیه السلام این است که در سال ظهور مدتی حدود بیست و چهار روز پیاپی باران می‌آید که در اثر این باران، اصحاب در خود به تدریج قدرت فوق‌العاده‌ای از نظر روحی و جسمی، احساس می‌کنند تا جایی که احساس می‌کنند نیروی چهل مرد را به آنها اعطاء کرده‌اند. این نیز علامت دیگری برای تشخیص اصحاب از صحابی بودن خویش است.^۲

۱. کمال الدین، ص ۶۵۴ - عن عبدالله بن عجلان قال: «ذکرنا خروج القائم علیه السلام عند ابی عبدالله علیه السلام فقلت له: کیف لنا ان نعلم ذلك؟ فقال: یصبح احدکم و تحت رأسه صحيفة علیها مکتوب طاعة معرفة».

۲. کمال الدین، ص ۶۷۳.

سعید بن جبیر گوید:

«سالی که مهدی علیه السلام قیام می کند، بیست و چهار باران می بارد که اثر و برکت آن آشکار می شود»^۱.

حضرت سجاد علیه السلام فرمود:

«هرگاه قائم مآل قیام کند خداوند ضعف (مرض و سستی) را از شیعیان دور ساخته و قلب هایشان مانند پاره آهن (قوی) می گردد و به هر کدام از مردها (اصحاب) نیروی چهل مرد داده می شود...»^۲.

۳. احساس شناخت و تنفر روز افزون از دشمنان باطنی امام علیه السلام

از دیگر خصوصیات بارز اصحاب مهدی علیه السلام این است که به دلیل عنایت الهی و غیبی به آنان، روز به روز به حقیقت جامعه و مردم آگاه شده و اشتباهات آنان را بیش از پیش می شناسند. تا جایی که نیاز به هیچ معلم و راهنمایی در وجود خود احساس نمی کنند و راهنمای غیبی و درونی آنان را از هر راهنمای ظاهری بی نیاز نموده است و این آگاهی و شناخت با ارتباط بیشتر با حضرت علیه السلام و توسل به ایشان افزوده می گردد. تنها چیزی که مایه مسرت و مشغولیت آنان می گردد، انس گرفتن با کلمات و سخنان اهل بیت علیهم السلام می باشد و با داشتن و پرداختن به روایات اهل بیت علیهم السلام نیازی به سخنان دیگران در خود احساس نمی کنند.

۱. غیبت طوسی، ص ۴۴۳ - سعید بن جبیر قال: «السنة التي يقوم فيها المهدي عليه السلام نمطر اربعاً و عشرين مطرة يرى اثرها و برکتها».

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۷ - عن علی بن الحسین علیه السلام قال: «اذا قام قائمنا اذهب الله عزوجل عن شيعتنا العامة و جعل قلوبهم كزبر الحديد و جعل قوة الرجل منهم قوة اربعين رجلاً و يكونون حکام الارض و سنامها».